



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

عاشورا و شبکه های ماهواره ای

راهنمای مواجهه رسانه با شبهات شبکه های ماهواره ای

پیرامون پیام امام حسین^{علیه السلام}



محمد رشاد آذربائی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عاشورا و شبکه های ماهواره ای راهکارهای مواجهه رسانه با شبهات شبکه های ماهواره ای پیرامون قیام امام حسین علیه السلام

نویسنده:

محمد رضایی آدریانی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	عاشورا و شبکه های ماهواره ای راهکارهای مواجهه رسانه با شبهات شبکه های ماهواره ای پیرامون قیام امام حسین علیه السلام
۹	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۶	درآمد
۲۰	فصل اول: کلیات و مبانی
۲۰	اشاره
۲۲	۱. ضرورت: برنامه سازی در موضوع شبهات محرم
۲۲	اشاره
۲۷	الف) فرایند شبکه سازی
۲۸	ب) فرایند برنامه سازی
۳۲	۲. از آسیب ها تا راهبردهای مواجهه با شبهات
۳۲	اشاره
۳۲	۱-۲. آسیب شناسی جامعه ی داخلی و رسانه ی ملی در برابر هجوم رسانه ای شبکه های وهابی
۳۴	۲-۲. اهداف برنامه سازی در موضوع شبهات
۳۵	۲-۳. راهبردهای برنامه سازی در موضوع شبهات ماهواره ای
۳۵	اشاره
۳۶	راهبردهای کلان در حوزهی برنامه‌سازی
۴۴	راهبردهای ناظر به مخاطب و شبکه
۴۵	راهبردهای شبکه‌های برونمرزی
۴۸	۳. فرایند شبهه پردازی در شبکه های ماهواره ای در یک دهه ی اخیر
۴۸	اشاره
۴۸	۱-۳. مبنای دیدگاه شیعه و وهابیت به عاشورا

۵۵	۲-۳. ماجرای شهادت حسین علیه السلام ، به روایت وهابیت
۸۰	۴. منطق فهم دین و روش شناسی کشف شبهه
۸۰	اشاره
۸۳	۴.۱. ضرورت توجه به دین پژوهی فطری، به مثابه ی معیار حق و باطل شناسی
۹۵	۴.۲. لزوم کاربرد روش بینارشته ای در مقام دین شناسی و پاسخ گویی به شبهات
۱۰۷	۴.۳. شناخت منطق فهم مغالطات عاشورایی
۱۱۰	۵. آشنایی با فهرست و دسته‌بندی مغالطات
۱۱۰	اشاره
۱۱۱	مغالطه های شکلی
۱۱۱	مغالطات ابهام
۱۱۲	مغالطات عدم دقت برای گمراه سازی
۱۱۲	مغالطات نقل
۱۱۳	مغالطات ادعای بدون استدلال
۱۱۵	مغالطات مقام نقد
۱۱۶	مغالطات مقام دفاع
۱۱۷	مغالطات صوری
۱۱۸	مغالطه در استدلال پیشفرض نادرست
۱۱۹	مغالطهی ربطی
۱۲۱	۶. فهرست شبهات عاشورایی
۱۲۱	اشاره
۱۲۲	انواع شبهات
۱۲۲	محور کلی شبهات
۱۲۸	۷. معرفی منابع و پایگاه های عاشورائی
۱۳۱	فصل دوم: روش پاسخ گویی به شبهات و مغالطات عاشورایی در شبکه های ماهواره ای

- ۱۳۱ اشاره
- ۱۳۳ درآمد
- ۱۳۵ نمونه ای از شبهات عاشورایی وهابیت، روش آنالیز و کشف مغالطات به کار رفته، و جست وجو از روش پاسخ گویی بینارشته ای
- ۱۳۵ اشاره
- ۱۳۵ ۱. شبهات کلامی - تاریخی
- ۱۳۵ اشاره
- ۱۳۷ ۱-۱. شبهه‌ی دوگانگی رفتار حسنین علیهما السلام و اثبات عدم عصمت آنان:
- ۱۵۰ پاسخ به شبهه
- ۱۵۰ اشاره
- ۱۵۳ ایده‌های برنامه‌سازی در مقام پاسخدهی
- ۱۶۰ ایده‌های برنامه‌سازی در مقام پاسخدهی
- ۱۶۲ ۲. شبهات تاریخی
- ۱۶۲ اشاره
- ۱۶۴ تناقضهای قرائت وهابیه از عاشورا
- ۱۷۲ ایده‌های ناظر به شبهه‌های تاریخی:
- ۱۷۳ ۳. شبهه های فقهی
- ۱۷۳ اشاره
- ۱۷۵ یک نکته‌ی روش‌شناسانه
- ۱۷۷ ۴. شبهه های فرهنگی
- ۱۷۷ اشاره
- ۱۸۲ سخن پایانی
- ۱۸۵ کتاب نامه
- ۱۸۵ اشاره
- ۱۸۷ کتاب

۱۸۹	نرم افزارها
۱۹۰	پایگاه های اینترنتی
۱۹۱	درباره مرکز

عاشورا و شبکه های ماهواره ای راهکارهای مواجهه رسانه با شبهات شبکه های ماهواره ای پیرامون قیام امام حسین علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضایی، محمد، ۱۳۵۰ -

عنوان و نام پدیدآور: عاشورا و شبکه های ماهواره ای: راهکارهای مواجهه رسانه با شبهات شبکه های ماهواره ای پیرامون قیام امام حسین (ع)/ محمد رضایی آدریانی؛ [برای] مدیریت تحلیل و رویکردشناسی اداره کل خدمات رسانه ای مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۶۸ص.: جدول، نمودار (رنگی).

شابک: ۵۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۳۵۴-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۶۵] - ۱۶۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: راهکارهای مواجهه رسانه با شبهات شبکه های ماهواره ای پیرامون قیام امام حسین (ع).

موضوع: واقعه کربلا، ۶۱ق.

موضوع: عاشورا

موضوع: شیعه -- دفاعیه ها و ردیه ها

موضوع: تلویزیون -- برنامه های اسلامی

موضوع: رادیو -- پخش برنامه های اسلامی

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی. اداره کل خدمات رسانه ای. مدیریت تحلیل و رویکردشناسی

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۲ع۵۸۷/رBP۴۱/۵

رده بندی دیویتی : ۲۹۷/۹۵۳۴

شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۳۹۲۷۷

ص: ۱

اشاره

ص: ۷

درآمد

درآمد

«شبهه» به معنای درهم آمیختن حق و باطل، ابزاری فرهنگی است که در راستای جنگ نرم دشمنان حق و حقیقت صورت میگیرد. وقتی که شبهه رخ میدهد، اولین مواجهه با آن بین بیاعتنایی و تلاش برای پاسخگوئی به هر قیمتی خواهد بود. این در حالی است که در نگاه دینی، شبهه به معنی وجود یک خلل در ایمان دینداران است که باعث میشود فرصت برای دشمنان را فراهم سازد.

پس در مواجهه با شبهه، بهجای نگاه به شبهه و دشمنان شبهه‌ساز، در اولین گام باید به بسترهای تحقق آن توجه کرد، تا در مقام پاسخدهی، تلاشها فقط معطوف به ابطال سخن شبهه‌سازان نباشد، بلکه شبهه را از تهدید تبدیل به یک فرصت رشد بینش و کنش دینی تبدیل سازد. در بستر هجوم دشمن، فضا را برای روزآمدسازی ارزشهای جبههی حق فراهم سازد.

مبتنیبر این دیدگاه، شبهات عاشورایی و محرم مورد بازخوانی قرار میگیرد و تلاش میشود تا چند نکته دانسته شود:

(یک) باتوجه به ارزش راهبردی عاشورا برای مکتب تشیع و

ص: ۸

فرهنگ و سبک زندگی شیعی، عاشورا یکی از مهمترین مصادیق هجومهای پیاپی و گسترده‌ی دشمنان به تشیع است و شبهات گسترده‌ی وهابیت به فرهنگ عاشورایی ناشی از قوتها و ارزشهای فرهنگی عاشوراست.

(دو) در مواجهه با شبهه و شبهات عاشورایی، تلاش برای پاسخگویی، اولین وظیفهای است که در فرصتهای مکتوب و مجازی و رسانهای گوناگون در حال انجام است. «مدیریت تحلیل و رویکردشناسی» هم، تاکنون آثار متعددی در این زمینه تولید کرده (۱) ولی به نظر میرسد هنوز حلقهی مفقودهای وجود دارد و تجربیات پیشین، بیانگر ناکافی بودن این تلاشهاست، پس باید اقدام جدیدی صورت بگیرد. اینک در ادامهی تجربیات پیشین و باتوجه به نیاز رسانه به «نگاه جامع به شبهه» باید بازخوانی راهبردهای کلان در مواجهه با شبهات مورد مطالعه قرار گیرد.

متأسفانه امروزه در جمع بین شبهات فراوان و پاسخدهیهای گسترده و متنوع، شاهد کماتر بودن حضور رسانهی ملی با تمامی تنوع شبکهها و گروههای برنامهسازیش هستیم. (۲) شاید این امر ناشی از غفلت از «نگاه از بیرون به مسئلهی شبهه» می باشد. یعنی وقتی شبهه به صورت مستقیم در بستر گزارههای دینی مورد مطالعه قرار گیرد، امری جزئی و مصداقی مشخص و با دامنه‌ی پاسخپذیری محدود

-
- ۱- در این زمینه نقد و بررسی سریال «الحسن و الحسين» و «شبهه های شبکه های ماهواره ای در موضوع وقایع عاشورا و قیام امام حسین (ع)» پیشتر توسط مرکز پژوهشهای اسلامی صداوسیما منتشر شده است.
 - ۲- البته در این زمینه مسئلهی ضرورت توجه به مسائل تقریب، یک موضوع است و مسئلهی ضرورت دفاع از دین، موضوعی دیگر.

ص: ۹

می باشد. بنابراین ضمن اینکه قدرت مانور رسانهای بر آن محدود خواهد بود، امکان محدودیت در پاسخ دادن به آن هم میتواند بر موانع بیفزاید. در این اثر برای یافتن مشکلات باقیمانده در زمینه‌ی نوع مواجهه‌ی کلان رسانه با شبهات، این تجربه‌ی جدید را در قالب دو فصل تلاش بر بستر شبهات محرم ارائه میکنیم و از زاویه‌ی سه گانه‌ی زیر به شبهات عاشورایی میپردازیم:

گونهشناسی: یعنی بازشناسی انواع و اقسام شبهه‌های موجود و تلاش برای دستهبندی آنان براساس نگرشهای علمی.

کارکردشناسی: بهمعنی غرضشناسی و غایتشناسی از نشر شبهه و مانور بر آن در شبهات ماهوارهای و کشف فراز و نشیب مطرح شدن یک شبهه‌ی متناسب با تحولات جغرافیایی در دو جبهه‌ی حق و باطل.

روششناسی مواجهه: در این مرحله که بر بستر گونهشناسی و کارکردشناسی صورت میگیرد، تلاش میشود تا روشهای کلی مواجهه با شبهه، مورد شناسایی قرار گیرد. ما روش شناسی را در بستر شبهات عاشورایی انجام میدهم تا برنامه‌ریزان و برنامه‌سازان، راهبردهای مواجهه‌ی کلی با شبهه را مدنظر قرار دهند.

فصل دوم این اثر، تجربه‌های جدید برای شبههشناسی است. در این بخش بر بستر سه‌گانگی بالا، راهبرد مواجهه‌ی کلی و کلان با شبهات عاشورایی مورد شناسایی و معرفی قرار میگیرد و در نهایت تلاش میشود اصول کلی پاسخگویی معرفی شود.

این اثر میتواند در بستر تحولات منطقی‌های و بالاگرفتن منازعات

ص: ۱۰

فرقهای، ضمن فعالسازی رسانه ملی در عرصه‌ی شبهات و پرهیز دادن آن از مصادیق جزئی، مبتنی بر راهبردهای دین‌پژوهی فطری، تهدیدها را تبدیل به فرصت معرفی دوباره و تعمیق معارف دینی - برای مسلمان و غیرمسلمان - کند.

باشد که این اثر بتواند نگرشی جدید در فضای مدیریت و برنامه سازی معارفی را در رسانه ملی ایجاد نماید.

ص: ۱۱

فصل اول: کلیات و مبانی

اشاره

فصل اول: کلیات و مبانی

زیر فصل ها

۱. ضرورت: برنامه سازی در موضوع شبهات محرم

۲. از آسیب ها تا راهبردهای مواجهه با شبهات

۱. ضرورت: برنامه سازی در موضوع شبهات محرم

اشاره

۱. ضرورت: برنامه سازی در موضوع شبهات محرم

فرهنگ مهمترین عامل حفظ هویت و پویایی یک ملت است. به اذعان جامعه شناسان و اندیشمندان حوزه‌ی مطالعات فرهنگی، فرهنگ دینی بیشترین نقش را در رشد یا انحطاط ملتها و جوامع دارد. در میان ادیان و مذاهب دنیا، فرهنگ‌ترین مذهب، مذهب تشیع است. در این مذهب شاهد آداب، رسوم و شعائری هستیم، که در ظرف زمانی معین، تمامی اقشار جامعه را همراه خود میسازد. نقطه‌ی اوج این فرهنگها، فرهنگ عاشورا و محرم است. فرهنگی که در کنار فرهنگ انتظار و مهدویت، رمز هویت تشیع میباشد. عاشورا عامل تعریف و نگهداری هویت شیعی، و مهدویت چشمانداز آن است. این دو فرهنگ و خصوصا عاشورا، از چنان ظرفیت حرکت آفرینی برخوردار است که هر صنف و شغل و طبقات جامعه را به اندازهی ظرفیتش با خود درگیر میسازد. بازتاب این امر، تقویت هرساله‌ی فرهنگ دینی در جامعه و تزریق نشاطی دوباره به روحیه‌ی دینی دینداران و حتی گروههای دارای گرایشهای دینی غیرشیعی و یا سکولار است. بدیهی است چنین فرهنگی که مبتنی بر مظلومیت بینی، معنویتجویی، عدالتخواهی، و آیندهنگری

ص: ۱۴

نجات باورانه است، ظرفیت بالایی برای ایجاد همگرایی دینی در جوامع شیعه و اسلامی و علاقمندان به آن ایجاد میکند.

البته در زمانهای که فرهنگ سلطه، در پی طرد دینداری و یا دین داریهای ظلمستیز است، بدیهی است که هجومها به این فرهنگ غنی، مهمترین راهبرد جنگ نرم دشمنان میباشد. آنان در این جنگ، از هر آنچه که بتوانند بر علیه این فرهنگ دینی استفاده خواهند کرد، و چه سلاحی برندهتر از راهبرد جنگ دین بر علیه دین و یا جنگ مذهب بر علیه مذهب.

در این راهبرد با فعالسازی تمامی مذاهب سنتی و نوساخته، تلاش میشود امواج پیاپی شبههسازی، تخریب، تحریف، کوچکسازی و ... بر علیه فرهنگ عاشورا و مبانی و ارزشهایش صورت بگیرد تا مرحله‌ای که این فرهنگ اگر نابودپذیر نباشد لااقل بهسوی تحریف و انحراف و میانتهی شدن سوق داده شود.

تحریف حق:

سعی در وارونه سازی یا مصادره و ایجاد انحراف در مفاهیم یا مصادیق حق

تضعیف حق:

سعی در محدود و ضعیف کردن جامعه‌ی حق و کم کردن دامنه‌ی اثرگذاری آن

تخریب حق:

جلوگیری از تبلیغ کامل و تحقق کامل حق در جامعه و سعی در ایجاد خلل و تخریب در آن

تعطیل و کتمان حق:

سعی برای نابودی رهبران حق و دین حق و جلوگیری از ارائه‌ی دین حق به جامعه

در این هجومها تلاشی همهجانبه صورت میگیرد تا فرهنگ عاشورائی به هر نحو که شده تخریب شود. امروزه با پیشرفت رسانهها و

ص: ۱۵

تنوع سایتهای اینترنتی و شبکههای ماهوارهای، تلاش میگردد این مهم با توجه به تنوع ظرفیتهای انسانی، ناظر به تمام استعدادهای انسانی انجام بگیرد. بدین جهت در بمباران تبلیغاتی و رسانهای صورتگرفته شاهد آنیم که ناظر به تنوع ابعاد وجودی انسانی، همگونه پیامهای وارونه مورد تبلیغ قرار میگیرد. جدول گستردگی این هجوم ها متناسب با ظرفیتهای وجود آدمی چنین است:

ابعاد انسانی

مراتب

عاشورا باوری

طرح ها و شگردهای شیطانی

عقل

معرفت جامع و کامل

شک، تعطیلی ابراز شناخت، تقلید، جهل مرکب، باور حداقلی

قلب

محبت

و ایمان و عشق

تعصب کورکورانه، ایمان سطحی و حداقلی، سست ایمانی، ایمان احساسی (غیر عقلانی)

رفتاری

قبل عمل

حین عمل

بعد از عمل

فرهنگ عاشورایی و سوگواری

فرهنگهای مهاجم ضددینی و ضد عاشورایی

سستی در انجام شعائر

ساده سازی و تزئین (زیباسازی)

ریا، کسالت

توجیه و راحت شمردن و احساس لذت کاذب

عُجب (و ترک شعائر و وظائف بعد از محرم)

تسویف و تأخیر توبه

عادیسازی

استمرار دوری از فرهنگ دینی

متناسب با این جدول، ظرفیتهای وجودی انسانی است که در یک دهه اخیر، شاهد جنگ رسانهای بر عیله فرهنگ عاشورا و محرم، خصوصا از سوی شبکههای ماهوارهای وهابی هستیم.

این سخن به این معنی است که در مصاف با دین حق، استکبار جهانی پس از ورود به جهان اسلام و غلبه تدریجی بر جغرافیای اسلامی غیر شیعی، و در مواجهه با جغرافیای شیعی، مواجهه با دوگانهی راهبری و بصیرت سیاسی مرجعیت و حضور در صحنهی شیعیان گردید. بدین جهت تمامی تلاشهای بیش از یک قرن آنان، برای تخریب تشیع، حتی در قالب تحمیل حکومت شاهنشاهی سکولار و ضد دین پهلوی ناکام گردید، و در نهایت انقلاب اسلامی بر مبنای ارزشهای عاشورایی در ایران به پیروزی رسید. در این فضا که ارزشهای انقلاب میرفت بر بستر فرهنگ عاشورایی در جهان اسلام گسترش یابد، جهان سلطه از جهت سیاسی، ابتدا جنگ تحمیلی را بر ایران تحمیل کرد و آنگاه از جهت فرهنگی، به تقویت و فرصتسازی برای تبلیغ وهابیت در جهان اسلام و حتی در جغرافیای غرب پرداخت تا با پیدایش جریانهای افراطی و خشن در جایجای جهان اسلام و جهان مدرن، در بلندمدت چهرهی اسلام سیاه گردد. (۱)

۱- اینک پس از سه دهه، میتوان براساس واقعیات در جغرافیای جهان اسلام و جهان مدرن به مطالعهی شیوههای همکاری غرب با وهابیت پرداخت. بدین گونه که با پیدایش و جهانی سازی فرهنگ شهادتطلبی عاشورایی شیعه، در قالب صدور ارزشهای انقلاب اسلامی، غرب ابتدا به نشر وهابیت در چهره نظریهی رقیب پرداخت. آنگاه از دل آن، القاعده و طالبان را به وجود آورد تا شعار استکبارستیزی را مصادره نماید و چهرهی شهادتطلبی را با منحرفسازی مسیر عملیات استشهادی بر علیه نیروهای نظامی، به عملیتهای انتحاری اجتماعی و شهری تخریب نماید؛ سپس با ایجاد این جریان وحشی و خشن و سیاه داعش، ضمن راهاندازی جریانهای شیعهکشی و غیرمسلمان کشی، به جنگ درون اسلامی دامن بزند و تفرقهی شیعه و سنی ایجاد نماید.

ص: ۱۷

امتداد این طراحیهای نظامی-سیاسی-اجتماعی، جنگ رسانهای هم از یک دههی گذشته به این پروژه اضافه میگردد. در این راستا بهسرعت شبکههای ماهوارهای عربی و فارسی وهابی ایجاد گشته و تلاش دارند با انواع ابزارهای رسانهای و هنری، جنگ نرم فراگیری بر علیه تشیع به کار اندازند. در این مسیر است که فرهنگ عاشورایی مورد شدیدترین هجومها قرار میگیرد. تا در راستای تخریب ارزشهای عاشورایی در صحنهی جهانی و میدانی، از جهت معرفتی، مبانی فرهنگ و معارف عاشورایی تخریب گردد تا نهتنها تشیع هیچ جاذبههای برای دیگران نداشته باشد بلکه از روند اقبال به اسلام ناب و تشیع در جهان و منطقه کاسته شده، و در گامی جلوتر و هجومی نهایی به تضعیف اعتقادات شیعیان پرداخته و فرهنگ عاشورایی را در داخل جامعه شیعه مورد هجوم قرار دهند. با مطالعه شیوهی عملکرد شبکههای ماهوارهای در یک دههی اخیر، میتوان فرایند این هجوم را از جهت فرایند شبکهسازی و مدل برنامهسازی در مراحل زیر مورد بازشناسی قرار داد:

الف) فرایند شبکه سازی

الف) فرایند شبکه سازی

- بر بستر تجربهی شبکههای ضدشیعی عربی، در اوائل قرن ۲۱، ابتدا شبکهی «نور» راهاندازی میشود تا چهرهای عالمانه از اندیشهی وهابیت

ص: ۱۸

به نمایش بگذارد. در ضمن، ابتدا غیرمستقیم و آنگاه مستقیم به ارزشهای معرفتی و فرهنگی تشیع هجوم میبرد.

- بر بستر تجربیها و تربیت نیروهای مستعد در شبکهی نور، در مرحلهی بعد شبکهی کلمه ایجاد میگردد. هدف از ایجاد این شبکه، انجام هجومهای مستقیم و آشکار به تشیع و شکستن حریمها و حرمتها نسبتبه شعار و فرهنگ شیعی خصوصا فرهنگ عاشورایی است. جالب است بدانیم که در تجربی فعالیت چندسالهی شبکهی وهابی «کلمه»، احساس میگردد که حتی داشتههای نرمافزاری وهابیت در تجربی مناظره با شیعیان، توسعه کمی و کیفی یافته و هجومهای آنان از اشکالهای پراکندهی آغازین، در این مرحله به تمامی داشتههای معرفتی و فرهنگی تشیع، و حتی برخی فرهنگهای اسلامی تسنن هم سرایت میکند.

- سرانجام در بستر روزآمد سازی و ایجاد تحول در شبکهی کلمه و ایجاد شبکههایی همانند شبکهی «وصال»، تلاش شد که در کنار هجومهای علمی و ضمن واردسازی فرهنگ هتاکی و اهانت به شعائر و به قوتهای نظام جمهوری اسلامی ایران، در نهایت پروژهی تقابل شیعه و سنی کلید خورده و این شبکهها فعالیت سیاسی را هم، در دستور کار خود قرار میدهند.

ب) فرایند برنامه سازی

ب) فرایند برنامه سازی

در فرایند برنامه‌سازی این شبکهها، روشن بود که در آغاز «میزگرد محور» باشند، ولی خیلی زود با مجرب شدن عوامل و تقویت هزینهها، بهسوی «تولید مستند» هم رفتند. بهویژه در زمینهی فرهنگ عاشورایی

ص: ۱۹

ناظر به فراوانی محصولات فرهنگی کمباین شیعه که متأسفانه شاهد نوعی آشفتگی و نواقص معرفتی و یا فضاهای برخلاف تقیه و یا الزامات هم زیستی تقریبی فراوان هم است، توانستند خیلی زود مستندهای ضدشیعی فرهنگی و عاشورائی تولید کنند. در نهایت بر بستر استفاده از خوان فرهنگی شیخنشینه‌های وهابی و تولید سریالهای ضدشیعی توسط آنان، بهسرعت به دوبلاژ سریالهای ضدشیعی و ضد عاشورایی پردازند. تا در طراحی پازلهای ضدشیعی استکبار، از برنامه عقب نیفتند. در این زمینه گزارش سریال سازیها و پیامهای آنان در یک دهی اخیر به شرح زیر است:

سریال

هدف و رویکرد اصلی

نتیجه و بازتاب

سریال «الاسباط» (۱۳۹۰ش) /

(۱۴۴۲ق)

نمایش همانندی و یکسانی اهلیت با صحابه و معاویه و نداشتن شعار اسلامی متفاوت از سوی آنان بود. بدین معنا که اصولاً چیزی به نام اسلام اهلیتی و ارزشهای مبتنیبر آن، وجود ندارد و هرچه هست اسلامی است که در آن حسنین و معاویه یک پرچم را به دوش دارند. و تشیع نه از اسلام، بلکه برآمده از التقاط یهود و اسلام است.

برخلاف تبلیغات ۳۰ سالهی تشیع، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پیروزیهای خط مقاومت و ...، اسلام راستین و خط اهلیت چیزی جز همان قرائت رسمی اسلامی نیست و تبلیغات شیعی و ارزشهای شیعی، ریشههای اسلامی ندارد.

ص: ۲۰

سریال «عمر» (۱۳۹۱ش / ۱۴۴۳ ق)

معرفی ارزشهای اسلامی بر بنیان خلافت عمر است. در این قرائت، تفسیر حکومت و عدالت و جهانیسازی اسلامی همان است که عمر با سنت خود به اجرا گذاشت. سنتی مبتنی بر تعطیلی اندیشه و برگرفتن شمشیر و تعریف تبعیضهای دینی و

اسلامگرایی در دنیای معاصر، جز در قالب سلفیت و گذشتهگرایی امکان ندارد و نقطهی اوج این بهشت گذشته، خلافت عمر است که هم تفسیر خاصی از عدالت و هم مدل خاصی برای جهانیسازی دارد.

سریال «خیبر» (۹۲ ش /

(۴۴ ق)

اگرچه تقابل اسلام و یهود یک واقعیت تاریخی است، ولی یک واقعیتی دیگر هم وجود دارد و آن جریان شرک است. اسلام در نقطه خیبر سرانجام با یهود از معبر یک نزاع اولیه، به صلحی نهایی رسید. در همین نقطه مسئله نفاق و خیانت سران عرب با بخشش پیامبر و مرگ مدعیان به پایان رسید. پس از آن، اسلام و مسلمین تمام توجه خود را بر مشرکین متمرکز کردند.

مشکل اصلی مسلمانان در جهان معاصر، نه سران عرب و نه اسرائیل و نه غرب مسیحی (نه نفاق و نه اهل کتاب)، بلکه شرک و بدعتهایی به نام دین است.

ص: ۲۱

شاید تصور شود که در تحلیلهای بالا، نوعی مبالغه وجود دارد؛ ولی وقتی دقت شود که در فضای سه‌ساله بیداری اسلامی، برخلاف آنچه که در نگاه اول تصور میشد که شاید جوانان آزادیخواه دیگر میلی به رسانه‌های عربی نداشته و خواهان نگرشی جدید باشند، امروزه شاهد هستیم که در تمامی گسترهی جغرافیایی تسنن از شمال عراق تا مصر و لیبی، دیگر کمتر دغدغهی مسئله فلسطین و اسرائیل و نفی حاکمیت‌های سکولار و ... وجود داشته و به‌جای آن، جوانان مسلمان یا به‌سوی جریان‌های سکولار اقبال کرده (مصر و تونس) و یا غالباً جذب جریان‌های تکفیری شده‌اند (به شهادت اقبال گستردهی جغرافیای تسنن عربی عراق از گروه داعش و ...). اینها همه دقیقاً اهدافی بود که در طی سه سال پخش سریال‌های رمضان توسط شبکه‌های وهابی ترویج گردید. یعنی نمایش بینیان بودن تشیع و لزوم رضایت به وضع موجود و به‌جای آن ضرورت اقدامی فراگیر بر علیه تشیع و ...

جالب است بدانیم که نقطه‌ی آغازین این جریان، سریال‌الاسباط بود که روح آن، تلاش برای تحریف تاریخ امامان سه‌گانه و در نهایت تهی‌سازی عاشورای حسینی از تمامی ارزشهای فرهنگی‌اش میباشد. اهمیت این سریال برای شبکه‌های وهابی فارسی، تا حدی است که تاکنون حداقل دو مرتبه از شبکه‌ی کلمه و دیگر شبکه‌ها پخش گردیده و خصوصاً در ماه ذیحجه و محرم سال گذشته ضمن پخش دوباره، مورد

ص: ۲۲

کار کارشناسی و برنامه‌سازی فراوان شبکه‌های وهابی قرار گرفت و در قالب مجموعهای گسترده از برنامه‌سازیها، ضمن تلاش برای تضعیف شخصیت معصومین و بینیان نشان دادن فرهنگ عاشورایی، تلاش شد که کلیت تشیع و نظام جمهوری اسلامی ایران و تمامی ارزشها و فرهنگهای شیعه و انقلاب مورد تخریب قرار گیرد.

۲. از آسیب ها تا راهبردهای مواجهه با شبّهات

اشاره

۲. از آسیب ها تا راهبردهای مواجهه با شبّهات

زیر فصل ها

۲-۱. آسیب شناسی جامعه ی داخلی و رسانه ی ملی در برابر هجوم رسانه ای شبکه های وهابی

۲-۲. اهداف برنامه سازی در موضوع شبّهات

۲-۳. راهبردهای برنامه سازی در موضوع شبّهات ماهواره ای

۳. فرایند شبّه پردازی در شبکه های ماهواره ای در یک دهه ی اخیر

۲-۳. ماجرای شهادت حسین علیه السلام ، به روایت وهابیت

۴. منطق فهم دین و روش شناسی کشف شبّه

۵. آشنایی با فهرست و دستهبندی مغالطات

۶. فهرست شبّهات عاشورایی

۷. معرفی منابع و پایگاه های عاشورائی

۲-۱. آسیب شناسی جامعه ی داخلی و رسانه ی ملی در برابر هجوم رسانه ای شبکه های وهابی

۲-۱. آسیب شناسی جامعه ی داخلی و رسانه ی ملی در برابر هجوم رسانه ای شبکه های وهابی

استفاده از ماهواره در کشور، سال به سال رو به افزایش است. (۱) از سوی دیگر، ایجاد بحثهای چالشی و مناظرهای و بهظاهر آزاد، که توسط ماهوارهها دامن زده میشود، امروزه طیفهای گوناگونی از مخاطبین را به خود جلب کرده است. این شرایط باعث شده است که تلاش وهابیها از جهت تضعیف فرهنگ دینی و یا عاشورایی، اگرچه کمرنگ باشد، ولی از جهت نشر شبّهات بسیار تأثیرگذار و فراگیر باشد. (۲) متأسفانه در میانهی این هجوم فراگیر، از سوی رسانهی ملی واکنش مناسب مستقیم و غیرمستقیم کمتر

رخ داده و شاهد ضعف عملکرد، هم در نظام رصد و هم در نظام برنامه‌ریزی کلان در مواجهه با شبهات و جریانهای

۱- گزارش مرکز پژوهشهای مجلس و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران. در این زمینه ر.ک: گزارش کمیسیون فرهنگی مجلس و گزارش نیروی انتظامی از گسترش آسیبهای فرهنگی و اجتماعی. گزارشهایی که بخشهایی از آن بر روی تلکس خبر گزاریه‌ها در فصل تابستان ۹۳ قرار گرفت.

۲- به گواهی آمارهای غیررسمی مراکز پاسخگویی به شبهات دینی خصوصاً «مرکز ملی پاسخگویی» و به گواهی گزارشهایی که مبلغین اعزامی از سوی نهادهای اعزام مبلغ به سراسر کشور ارائه میدهند.

ص: ۲۳

ضددینی و هم در فرایند برنامه‌سازیهای جزئی و موردی هستیم.

احساس خطر نسبتبه این شرایط است که مدیران و برنامه سازان سازمان را، به تدبیر جدی در نظام برنامه سازی معارفی (۱) و احساس مسئولیت در برابر شبها دینی و خصوصا شبها محرم و عاشورا فرا میخواند. و بسیج مواجهه با جنگ نرم شبکههای وهابی و ...، دفاع از ارزشهای عاشورایی مهمترین وظیفه است. زیرا اگر خط فرهنگی ما در جبهه راهبردهای نرم (روانی - تبلیغی) عاشورایی فرو ریزد، وادادگی و تحریف و انحراف آخرالزمانی در دیگر ارزشهای نرمانفزاری بهسرعت رخ خواهد داد. بدین جهت در پروژه راهاندازی کارگروه کلان مواجهه با شبها در سازمان، با اولویت شبها عاشورایی، میتوان اهداف زیر را دنبال نمود:

۲-۲. اهداف برنامه سازی در موضوع شبها

۲-۲. اهداف برنامه سازی در موضوع شبها

الف) ایجاد کارگروه رصد، مواجهه و مدیریت شبها ماهوارهای و تلاش برای خنثیسازی سریع و روزآمد سمپراکنیهای شبکههای ماهوارهای.

ب) تلاش برای تبدیل نظام دفاعی در برابر شبکههای مهاجم، به نظام هجومی و فعالسازی مسلمان ایرانی در عرصه جنگ نرم دینی، مبتنیبر فرهنگسازی روش جدال احسن با تمامی جریانهای باطل.

پ) تلاش برای پاسداری از ارزشهای انقلاب در برابر طراحی فرهنگهای انحرافی زوج جریان سلطه و وهابیت.

۱- متأسفانه نظام برنامه‌سازی مناسبی و معارفی در سازمان آشفته است و تولید برنامههای ضعیف و شتابزده و تکراری و غلبه‌ی مداحمحوری بدون تنوع و جذابیت -حتی در مقایسه با مجموعه آثار استودیویی فردی همچون ملباسم کربلایی- است که باعث شده امروزه بخش قابل توجهی از کلیپها و مستندها و شبها گفتاری شبکههای وهابی برآمده از همین نظام برنامه‌سازی غیرعالمانه سازمان باشد.

ص: ۲۴

ت) تلاش برای طراحی نظام دین‌پژوهی فطری و معرفی انسان شناسی فطری-شیعی؛ به مثابه‌ی یک معیار جامع برای تشخیص سره از ناسره در تمامی مواجهه‌های فکری-فرهنگی.

ث) تلاش برای تبذیل‌سازی هجومها و تهدیدهای معرفتی و فکری به فرصتی برای بالندگی فکری و معرفت و بصیرت.

ج) تلاش برای فعال سازی (۱) آحاد جامعه در مطالعات تطبیقی دین پژوهی و شیعه‌شناسی و عاشوراگرایی مبتنی بر عقلانیت و معرفت و بصیرت.

ناظر به تحقق اهداف فوق، برخی راهبردها که در سازمان، در زمینه‌ی شبهات ماهواره‌های در دو حوزه‌ی برنامه‌سازی و محتوایی باید مورد توجه قرار گیرند به شرح زیر می‌باشد:

۲-۳. راهبردهای برنامه سازی در موضوع شبهات ماهواره ای

اشاره

۲-۳. راهبردهای برنامه سازی در موضوع شبهات ماهواره ای

پس از آنکه مقام معظم رهبری دهه‌ی نود را دهه‌ی پیشرفت و عدالت نامیدند و ناظر به همزمانی این دهه با اوج زمان اجرای سند چشم‌انداز و تأکید مکرر معظمه بر مسئله‌ی «پیچ تاریخی»، همچنین با توجه به گستردگی هجومهای رسانه‌ای و گسترش کمی و کیفی شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی، به نظر میرسد برای شبهاتی همچون عاشورا و محرم در رسانه‌ی ملی و شبکه‌های گوناگون برونمرزی، ملی و استانی

۱- این هدف از آن جهت است که در تحولات چند ساله‌ی اخیر، همانند: بیداری اسلامی، مسئله‌ی پیاده‌روی میلیونی اربعین، پدیده‌ی داعش و ...، هم جامعه و هم رسانه‌ی ملی همواره عقبتر از تحولات و سرعت آنان بوده و یا در صورت آگاهیها از مسئولیتها و رسالتهای خود، بیخبر و غافل بودند. این مشکل از آنجا ناشی میشود که نظام برنامه‌سازی سازمان، ضعیف، دیر و کم محتوا و مهمتر از همه، بدون جهتدهی خاص به مخاطب داخلی می‌باشد.

ص: ۲۵

باید تحول و اتفاقات مهمی رخ بدهد تا در نهایت، صدا و سیما در رویدادی همانند دو ماه محرم و صفر و دیگر مناسبت‌های مذهبی، از نقش حاشیه‌های بیرون آمده و به فرمودهی امام راحل رحمه الله تبدیل به دانشگاه گردد. دانشگاهی فعال، مهم و اثرگذار در زمینه‌ی فرهنگ‌سازی و غنی‌سازی، که هدفش مدیریت و هدایت غیرمستقیم جشن‌های مذهبی و مناسبتی ناظر به اهداف روزآمد جامعه‌ی شیعی و سیاست‌های کلان نظام مقدس جمهوری اسلامی می‌باشد. با این اهداف کلانی که از رسانه انتظار می‌رود، میتوان راهبردها و استراتژی‌های دستیابی به اهداف را در سطوح زیر دستهبندی نمود:

یک) راهبردهای کلان در حوزه‌ی برنامه‌سازی و مدیریت سازمانی.

دو) راهبردهای محتوایی؛ شامل: راهبردهای اندیشه‌ای-کلامی، راهبردهای سیاسی، راهبردهای اجتماعی، راهبردهای فرهنگی.

راهبردهای کلان در حوزه‌ی برنامه‌سازی

راهبردهای کلان در حوزه‌ی برنامه‌سازی

تجربه‌ی برنامه‌سازی سازمان، در حوزه‌ی مناسبت‌های مذهبی نشان داده که متولی تولید این دسته از برنامه‌ها عمدتاً گروه معارف و یا گروه مناسبت‌های دینی-مذهبی در شبکه‌ها می‌باشد. گروه‌هایی که باوجود میل خود دارای اجبار به اتخاذ رویکرد تقلیل‌گرایی و حداقلی به مذهب و یا موضوع‌های مناسبتی بوده و از جهت ساختاری و منابع انسانی و منابع مالی و کنداکتور پخش هم، جزو ضعیف‌ترین گروه‌ها می‌باشند. ناظر به این ضعفها در کنار تعویض پیاپی مدیران است که باعث شده اغلب این گروه‌ها از برنامه‌ریزی کلان و بلندمدت و کسب آمادگی برای

برنامه‌سازی مناسبی دور بوده و در نتیجه محصول کار آنها هم، برنامه‌سازیهایی پراکنده و انفعالی و حداقلی باشد.

برای حل این مشکل -حداقل برای مناسبت بسیار مهم دو ماهه‌ی محرم و صفر- به نظر میرسد اتخاذ راهبردهای زیر در حوزه‌ی طراحی و برنامه‌ریزی ضروری باشد:

تشکیل شورای عالی شبهات ماهواره‌ای در صداوسیما با ترکیبی از مدیران و کارشناسان -هم از سوی کارشناسان مذهبی رسانه‌شناس و هم کارشناسان تخصصی شبهات- و برگزاری جلسات ماهیانه‌ی منظم برای رصد نیازها و آسیبها، شناسایی پیوسته اولویتها، برنامه‌ریزی عملیاتی به‌همراه تقسیم کار مهندسی شده بین شبکه‌ها، و جلوگیری از کار موازی و تکرار زدگی.

تشکیل شورایی از گروه‌هایی گوناگون در هر شبکه، برای فعالسازی حداکثری گروهها برای برنامه‌سازی در این زمینه و ضرورت توجه به تنوع فرمتها و قالبهای برنامه‌سازی نمایشی و غیرنمایشی و تنوع و گستردگی موضوعها و مفاهیم مهدوی، جهت عملیاتی شدن فعالیت حداکثری گروههای برنامه‌سازی در فرصت زمانی کافی و مطلوب و همراه با بسیج کردن منابع مالی کافی و فعالسازی تیمهای برنامه‌سازی توانمند.

تشکیل کارگروه علمی-پژوهشی تخصصی رصد در مرکز پژوهشهای سازمان، جهت جمع‌آوری مطالب به‌روز علمی در حوزه‌ی شبهات، در کنار شناسایی روزآمد نیازها، آسیبهای فکری که میتواند شبهات‌آفرین باشد و بازخوانی زمانمند اهداف و سیاستهای کلان نظام و رسانه‌ی ملی در هر سال -و شبهات

و هجوهای فرهنگی و فکری که میتواند متوجه آن بگردد- تا در نهایت این گروه ناظر به تنوع گروههای برنامه‌ساز انواع ایده‌ها، سوژه‌ها و موضوعهای برنامه‌سازی را پیشنهاد و ارائه دهد. (۱)

راهاندازی کارگروه ایده‌ها جهت تولید ایده‌ها و سوژه‌های عالمانه و روزآمد و متنوع از بین کارشناسان مذهبی رسانه‌شناس و خلاق؛ و ایده پردازان و نویسندگان برجستهی سازمان در گروههای مختلف برنامه‌سازی.

ایجاد ارتباط و پیوند مستمر با نهادهای نخبه و علمی چه در حوزهی شبهات و چه در حوزهای فرهنگی و اجتماعی جهت مشارکتدهی و فعالسازی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری آنها در فرایند برنامه‌سازی.

راهاندازی کارگروهی برای جذب و تألیف قلوب و تغذیهی ایده و برنامه، نسبتبه تمامی شبکههای شیعی فارسی، عربی، اردو، و ... (۲) با هدف ایجاد انجمن برنامه‌سازی شبکههای شیعی در موضوع شبهات و مدیریت توزیع پاسخها و دورسازی آنها از اندیشههای انحرافی و یا پاسخگویی تند و خلاف مصالح دینی. (۳)

۱- این گروه میتواند هر سال در قالب روش SWOT به رصد و شناسائی قوتها، ضعفها، فرصتها و تهدیدها در عرصهی شبهات و خصوصاً شبهات عاشورایی را در هم در سطح کشوری و هم در نگاهی کلانتر در سطح جوامع شیعی پردازد و متناسب با واقعیتها و نیازها و آسیبها و چشماندازها به برنامه‌ریزی کلان در حوزهی رسانه و برنامه‌سازی در سطوح گوناگون پردازد.

۲- این در حالی است که مخاطبان شیعی فراوان در گسترهی افغانستان و شبه قاره‌ی هند و یا در آسیای مرکزی و یا در آسیای جنوب شرقی و یا انبوه شیعیان و علویان ترک‌زبان در جغرافیای کشورهای ترک‌زبان مورد غفلت فراگیر سازمان قرار گرفته است.

۳- یادآوری میگردد در این زمینه اگر سازمان اقدامی عاجل انجام ندهد بهزودی هم در داخل و هم در جغرافیای شیعه امکان سوء استفاده فراوان برعلیه نظام توسط برخی از این شبکهها می‌رود.

توجه به رویکردهای گوناگون برنامه‌سازی و تلاش به برنامه‌سازی در همهی حوزه‌ها اعم از رویکرد اطلاع‌رسانی- آموزشی، رویکرد ارشادی- تربیتی، رویکرد تفریح و سرگرمی.

تلاش برای سفارش ایده‌های روزآمد پیشینی شده در فرصت کافی به جامعهی خطبا، مداحان و هنرمندان، برای دریافت محصولات نرم‌افزاری- رسانه‌ای- فرهنگی روزآمد در فرصت زمانی کافی که با مدیریت هوشمندانه و کلان رسانه از قبل آماده شده باشد و پرهیز از دعوت دقیقه نودی آن عزیزان بدون اینکه از جهت فرم و محتوا آمادگی پیشین و نوآوری لازم را داشته باشند.

راهبردهای محتوایی در موضوع شبها

مهمترین راهبردی که از سوی سازمان باید مد نظر قرار بگیرد، ایجاد نگاه جامع به هندسهی دین و موضوعات عاشورایی در فرصت دوماههی محرم و صفر - و در فرصتهای دیگر سالیانه- میباشد. نگاه جامعی که برآمده از مبانی عقلی و نقلی مکتب تشیع بوده و منجر به آشنایی کامل مدیران و برنامه‌سازان به حوزه‌های گوناگون معارفی و معرفتی مهدویت گردد. هدف کلان در این حوزه، دورسازی محرم و عاشورا از فضای صرفاً احساسی و عرفی‌گرایی، و جهت‌دهی آن بهسوی اهداف کلان نظام در حوزه‌های سبک زندگی و تمدن‌سازی دینی میباشد. در این زمینه باید آثاری تولید شود که هم تبیین جامعی از هندسهی معرفتی امامت و عاشورا داشته باشد و هم به معرفی ایده‌ها و سوژه‌های نمایشی و غیرنمایشی، تولیدی و غیر آن یاری رساند. همچنین یک مرکز برای

برنامه‌ریزی تولید محتوایی و جمع‌آوری آرشیوی از آثار موجود در سازمان راهاندازی گردد.

با این پیشدرآمد، فهرست راهبردها و استراتژیهای ارائه‌ی پیام در حوزه‌ی امامت-مهدویت و انتظار در رسانه‌ی ملی چنین خواهد بود:

۱. راهبردهای اعتقادی-بینشی

مهمترین آسیب در زمینه‌ی فرهنگ عاشورایی، نگرش احساسی همراه با افراط و تفریط به آموزه‌های حسینی است. در حقیقت هنوز پیوند عمیق عالمانه در سطح جامعه بین عاشورا و اهداف نظام اسلامی و رسالت‌های تمدنی و جهانی آن صورت نگرفته است. بدین جهت یکی از راهبردهای مهم رسانه، باید اصلاح نگرش مخاطبین به مهدویت و فرهنگ انتظار باشد؛ بدینگونه که: راهبرد معرفی تشیع در یک روش مقایسه‌ای و تطبیقی با دیگر ادیان و مذاهب، به‌عنوان تنها مکتب جامع عقلگرایی و احساسگرایی، در برابر تمامی مذاهب و فرقه‌های اسلامی و غیراسلامی که یا کاملاً سلفی و ضدفرهنگ دینی هستند و یا رو به فرهنگ‌های وارداتی آورده‌اند. پس یکی از راهبردهای سازمان در ایجاد بینشی عمیق و آگاهانه، باید آموزش‌دهی و نهادینه‌سازی روش دینشناسی مقایسه‌ای و تطبیقی عالمانه باشد. روشی که قرآنی-عقلانی بوده و قابل اجرا توسط آحاد جامعه در حد فهم و توان آنان می‌باشد.

الف) نقادی نظریات حداقلانگاری و یا به حاشیه بردن آموزه‌های عاشورایی (همانند احساسگرایی، یا تاریخگرایی و ...)؛ نظریاتی که با هدف اثبات سکولاریسم و یا تفکیک عاشورا از عرصه‌ی سیاست و

جامعه‌سازی مطرح شده‌اند و باعث ایجاد بخش مهمی از آسیبها در فرهنگ عاشورایی شده است.

ب) بازشناسی شخصیت جامع و کامل سیدالشهدا؛ راهبردی دروندینی برای ارتقای بخشی به ذهنیتهای ناقص و نارسای عاشورا باوران. متأسفانه برداشت اکثر افراد جامعه از سیدالشهدا علیه السلام برداشتی ناقص و شخصی و غالباً از آگاهیها و یا مطالعات سطحی و ناقص ناشی شده است؛ مانند اینکه امام در دوران قیام، شخصیتی منفعل داشته و یا اسیر شرایط بوده و یا تابع احساسات بوده و یا نگرش روزآمد سیاسی نداشته و ذهنیتهای متنوع و فراوانی که باعث نگرش احساسی و کلکسیون‌ی به عاشورا و فرهنگ عاشورا شده و آن را از متن زندگی و سبک زندگی‌سازی دور ساخته است.

پس وظیفهی برنامه‌سازان، تولید مجموعه برنامه‌هایی که به بازشناسی عالمانه شناخت شخصیت سیدالشهدا علیه السلام در حد فاصل ذهنیت مخاطبین تا واقعیت و حقیقت دینی خواهد بود و در قالب این مجموعه برنامه‌ها، ضمن آسایشناسی باورها، دفع شبهات، به ارائه باور درست دربارهی شخص و شخصیت امام و تعمیق آن یاری رسانند.

پ) ترویج نگاه عالمانه به زیارات حسینی؛ زیارات حسینی، بخش مهمی از معارف ناب عاشورایی است که حداقل در قالب کتاب مفاتیح الجنان در اختیار سطح وسیعی از جامعه قرار دارد. ولی نگاه به این زیارات، غالباً جزئی و ناقص و به‌صورت احساسی و عاطفی است. از سوی دیگر هم این زیارات مورد هجومی شدید دشمنان میباشد.

پس تبیین و دفاع درست و برنامه‌سازی مناسب برای زیارات حسینی، میتواند منجر به مواجههی عالمانه و انس مداوم با انواع و اقسام این

ص: ۳۱

ادعیه و زیارات شده و به سلاحی کارآمد در برابر شبهه‌افکنان تبدیل بگردد.

۲. راهبردهای سیاسی

در حوزهی سیاسی، برای تعمیق باورپذیری نسبتبه آموزهی عاشورا و شبهات محرم، چند راهبرد مهم باید مورد توجه قرار گیرد. فهرست برخی از این راهبردهای اولویتدار سیاسی چنین است:

الف) هشداردهی به جامعهی ایرانی که دور شدن از فرهنگ اصیل عاشورایی، ثمرهاش گمراهی و بارش انواع و اقسام فتنه‌های آخرالزمانی است.

ب) توسعهی بینش سیاسی جامعه، در موضوع دشمنشناسی با ارائهی تحلیل تاریخی درگیری حق و باطل در مسئلهی عاشورا.

پ) گسترش و تعمیق علاقه‌مندی و گرایش عمومی جهانی نسبتبه انقلاب و نظام از منظر پیامهای سیاسی-اجتماعی عاشورا؛ همانند ظلمستیزی و ظالم‌گریزی.

ت) راهبرد جهتدهی حضور مردم در سوگواریهای عاشورایی به عنوان حضوری دینی، انقلابی، سیاسی و حضوری در مسیر افزایش وحدت عمومی (سیاسی-اجتماعی) به‌ویژه در شرایط حساس داخلی و یا منطقیهای.

۳. راهبردهای اجتماعی

الف) خنثیسازی طرحهای دشمن، برای هجوم به جمعگرائی عاشورایی در قالب هیئت و حسینیه و بازسازی روزآمد سازی نظام جامعهی شیعی بر ساختار شور و شعور حسینی.

ص: ۳۲

ب) ارتقای سطح فضایل و اخلاق اجتماعی با تأکید بر احیاء اصول اخلاقی عاشورایی.

پ) ترویج عاشورا به‌عنوان نرم‌افزاری برای طراحی سبک زندگی دینی و جایگزینی «عاشوراگرایی صرفاً احساسی»، با «عاشورا زیستی عملی و فراگیر».

۴. راهبردهای فرهنگی

فرهنگ عاشورایی، امروزه گرفتار انواع گرایشهای عرفیگرایی و سطحزدگی شده و همین امر منجر به طراحی خیل عظیمی از شبهات ماهوارهای بر علیه مکتب تشیع شده است. از نظر آماری، بیشترین شبهات شبکههای ماهوارهای ناظر به فرهنگهای صرفاً احساسی شیعیان بوده که با افراط و تفریط همراه است. در این زمینه اگر فرهنگ عاشورایی به پالایش برسد، بهانهی بسیاری از شبهات و تخریبهها و هجمهها از دشمنان گرفته خواهد شد. از اینرو رسانه وظیفه دارد که جهت تعمیق و غنیسازی فرهنگ اصیل عاشورایی، به تولید آثار فاخر پرداخته و برای بهسازی فرهنگ حسینی برنامه‌ریزی کند. این امر مهم و رسالت سنگین، بر عهدهی مدیران و برنامه‌سازان رسانه خواهد بود که ابتدا خود را از فقر و ضعف آگاهی نسبتبه معارف عاشورایی و از بی‌تفاوتی نسبتبه آسیبهای فراگیر موجود در سطح جامعه دور نموده و آنگاه برای تولید آثار فاخر در این زمینه برنامه‌ریزی کنند. راهبردهای معطوف به این رسالت چنین است:

الف) فعالسازی نخبگان فرهنگی و هنری؛ رسانهی ملی میتواند با فعالسازی هنرمندان و نخبگان در قالب برنامههای گوناگون و متنوع

علمی، فرهنگی و هنری، بهتدریج با پرهیز از تولید آثار تکراری و یا پخش نواها و موسیقیها و محصولات موجود نازل و متوسط در سطح جامعه، زمینه‌ساز تولید آثار فاخر و ممتاز در حوزه‌های گوناگون فرهنگی و هنری و حتی در زمینه‌ی خطابه و تبلیغ دینی باشد. زیرا تبلیغ دینی از رسانه‌ی ملی نیاز به اقتضائاتی که دارد باید همیشه عالمانه و تخصصی و بروز باشد. در این زمینه، تولید آثار استودیویی - حتی در زمینه‌ی مداحیها و آواهای آیینی مذهبی - با توجه به گستردگی نیاز جامعه، باید در دستور کار برنامه‌سازان قرار بگیرد.

راهبردهای ناظر به مخاطب و شبکه

راهبردهای ناظر به مخاطب و شبکه

باتوجه به تنوع مخاطبین برنامه‌های سازمان صدا و سیما و گسترد بودن شبکه‌های رادیو و تلویزیون، بخشی از راهبردهای پیشنهادی، مربوط به تنوع مخاطب و تنوع شبکه‌ها به شرح زیر است:

الف) راهبرد برنامه‌سازی عاشورایی در شبکه‌های استانی؛ باتوجه به غلبه و حاکمیت سایه‌ی سنگین شبکه‌های ملی بر جامعه و فرهنگ کشور (۱) و خلأها و کمبودهای فرهنگی و برنامه‌سازی در این شبکه‌ها، در کنار غنا و قوت فرهنگهای بومی و محلی موجود و یا بالقوه؛ راهبرد طراحی و سفارش برنامه‌های بومی و استانی با رویکرد مخاطب‌کشوری میتواند باعث غنای فرهنگ و برنامه‌سازی عاشورایی و تنوع بخشی به آنها شود.

۱- این غلبه در مقام فرایند ارزشهای فرهنگی کلان نظام از بالا- به پائین لازم است، ولی وقتی رسانه‌ی ملی دچار ضعف در پیام میشود و یا نه دور از واقعیات میدانی کشور، گرفتار یکسوزنگری از جهت انتقال انحصاری ارزشهای فرهنگی پایتخت به سراسر کشور میگردد، باعث پیدایش آسیب فرهنگی میشود. آسیبی که نتایجش به حاشیه‌رفتن فرهنگهای اصیل و یا دینی-بومی و ترویج فرهنگ ترجمه‌شده‌ی وارداتی در سطح ملی می‌باشد.

راهبردهای شبکه‌های برونمرزی

راهبردهای شبکه‌های برونمرزی

۱. انتقال و ترویج فرهنگ عاشورا به‌عنوان بنیادترین پیام تشیع برای مخاطب غیرمسلمان؛ برنامه‌سازی عاشورایی برای مخاطب جهانی یکی از حوزه‌های مهجور در سازمان است؛ زیرا تلقی برنامه‌سازی دینی از عاشورا، برنامه‌سازی دربارهی شخص و شخصیت سیدالشهدا علیه السلام و یا آموزه‌های تاریخی عاشورا با نگرش دروندینی و روایت فرهنگ بومی شیعیان دربارهی عاشورا است. آموزه‌هایی که کمترین جایگاه را برای مخاطب خارجی غیرمسلمان ندارد. این در حالی است که عاشورای حسینی شیعه، مبتنی بر گرایشهای فطری انسانها تعریف شده و از این منظر میتوان انواع و اقسام برنامه‌ها را ناظر به این قابلیت فراگیر انسانی تولید کرد. (۱)

الف) تلاش برای جذب نخبگان جهانی؛ با محوریت تبلیغ برای مفاهیم بنیادین عاشورایی همانند عدالت و عبودیت توحیدی و ارزشهای اخلاقی و

ب) ضرورت معرفی راهبرد فرهنگ عاشورایی تشیع، که مبنای انقلاب اسلامی ایران است، به‌عنوان تنها نرم‌افزار رقیب برای نظام‌سازی و جهانی‌سازی آمریکایی و غربی.

۱- تلاش برای شناسایی مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مناطق گوناگون جغرافیایی با کمک دفاتر برونمرزی و کارشناسان شیعی آن مناطق و متناسب با فرهنگ آن سرزمینها باید صورت بگیرد. به‌عنوان نمونه برنامه‌سازی برای جغرافیای نژاد زرد (چین و کره و ژاپن) که در حال تجربهی توسعه و مدرنیسم است با برنامه‌سازی برای جامعهی آمریکای لاتین و جنوبی و یا حوزهی کشورهای اسپانیایی زبان و یا حتی برای جغرافیای منطقه هندوچین (کشورهایی همانند: تایلند و ویتنام و لائوس و مالزی) متفاوت خواهد بود. در این رصد میبایست از حداقلهای مشترک فطری انسانی تا موارد انحصاری و یا مشترکات دینی، فرهنگی، یا اجتماعی مورد شناسایی و موضوع برنامه‌سازی قرار گیرند. پس از رصد این سوژه‌ها و ایده‌ها، برنامه‌سازی میتواند با هدف برنامه‌سازی برای دو گروه مخاطب خاص در همان جغرافیاها و همچنین برای مخاطب عام جهانی صورت بگیرد.

پ) تبلیغ بر جاذبه‌های حسینی برای غیرشیعه و غیرمسلمان و جاذبه‌های تاریخی عاشورا در همگرایی فرهنگی شیعه و غیرشیعه در جغرافیای حضور شیعیان در گسترهی منطقهای و جهانی. (۱)

۲. انتقال پیام برای مخاطب مسلمان؛ اگرچه عاشورا رویدادی شناخته شده در جهان اسلام است، ولی شبهه‌پراکنی و تحریف گسترده‌ی وهابیت باعث شده که عاشورا را یک رویداد صرفاً تاریخی و بدون هیچگونه کارکرد فرهنگی تعریف کنند و یا برخی از ارزشهای عاشورایی، مانند شهادتطلبی را به عملیات انتحاری تفسیر کنند. با وجود اینکه در چند سال گذشته، تحت تأثیر مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین، میرفت تا عاشورا در جهان اسلام تبدیل به فرهنگی غالب گردد، ولی در یکی دو سال اخیر، به فرهنگی مهجور و یا تحریف‌شده تبدیل گردید؛ به‌خصوص در این سالها که داعش -برآمده از ازدواج پنهان غرب و وهابیت- چهرهای سیاه از اسلام به نمایش گذاشته تا جوان تحصیلکرده‌ی مسلمان، یا از اسلام گریزان شده و یا به ناصیگری روی آورد.

در این شرایط در فرصت دو ماهه‌ی محرم و صفر، برنامه‌سازان می‌بایست در یک زمانشناسی، نیازشناسی و آسایششناسی روزآمد، نسبتبه فضای فکری و فرهنگی و اجتماعی جغرافیا و جوامع اسلامی -و همچنین مخاطبین استانهای اهلسنت نشین داخلی- در مقام برنامه‌سازی، در نگاهی ترکیبی بین مقام جاذبه و دافعه عمل کنند، بدین

۱- بدین معنا که قوت اصالت و کارایی معنایی و دنیوی عاشورا در متن زندگی چنان بوده است که هرچا نشانی از شیعه و فرهنگ عاشورایی باشد، بهتدریج شاهد همراهی غیرشیعیان محلی با این فرهنگ هستیم. همانند جذب اهلسنت به فرهنگ عاشورا در خاورمیانه و یا جذب آرامنه و زرتشتیها به آن در ایران و یا هندوها در هند و ...

معنی که ضمن بزرگنمایی مشترکات امام حسین علیه السلام و اهل بیت شیعی و غیر شیعی، در یک نگاه تطبیقی به آسایشناسی عوامل ایستایی فرهنگی اسلامی در فرقه‌های دیگر با کمک تبیین عاشورای راستین پردازد.

۳. انتقال پیام برای مخاطب شیعی در گستره جهانی؛ نظر به رواج نگرش‌های فرقه‌ای و احساسی در جوامع شیعه و بیتوجهی از الزامات همزیستی جهانی با مسلمانان و غیرمسلمانان، متأسفانه بسیاری از شیعیان، در ایران، در جغرافیای تشیع، و در قالب اقلیتهای شیعی که در جغرافیای کشورهای اسلامی و یا غیراسلامی زندگی میکنند، نسبتبه اندیشه و فرهنگ عاشورا دارای قرائت و تفسیری انحصارگرایانه و درونفرقه‌ای بوده و حتی مراسمها و عزاداریهایی که برگزار میکنند، غالباً رویکردی درونگروهی داشته و کمتر سمت و سوی پیام‌آفرینی برای مخاطب جهانی دارد و متأسفانه از قابلیت‌ها و جلوه‌های فطری و جهانی عاشورای شیعی غافلند. بدین جهت کمتر توانستند شاعر عاشورایی را تدریجاً به فرهنگی شناخته‌شده و حامل پیام جهانی برای جهانیان تبدیل کنند.

رسانه، باید برای فعالسازی گسترده مخاطبان شیعی و مسلمان، در مسیر ایجاد پیامسازی جهانی و آخرالزمانی از فرهنگ عاشورایی تلاش داشته باشد. یکی از گروه‌های اجتماعی که میتواند به‌عنوان گروه هدف مورد توجه قرار گیرند، شیعیان ایرانی مهاجر و یا شیعیان دارای همزیستی با اهل سنت و یا مسیحیت هستند، تا در نهایت جامعه‌ی گسترده‌ی شیعه، از جامعه‌های منفعل و مواجهه با تهاجم فرهنگی، تبدیل به جامعه‌های فعال و مدعی ترویج فرهنگ‌های فطری و عاشورایی بگردند.

۳. فرایند شبیه پردازی در شبکه های ماهواره ای در یک دهه ی اخیر

اشاره

۳. فرایند شبیه پردازی در شبکه های ماهواره ای در یک دهه ی اخیر

برای بازشناسی چیستی و چگونگی شبیه، لازم است که در آغاز، خاستگاه پیدایش شبیه (۱) را شناخت. بدین جهت در این مرحله، ابتدا مبانی نگرش شیعه و عامه را، به ماجرای شهادت امام معرفی کرده، تا علت تفاوت نگرشها مشخص شود و آنگاه روایت عامه از این رویداد به اجمال ارائه خواهد شد.

۳-۱. مبنای دیدگاه شیعه و وهابیت به عاشورا

۳-۱. مبنای دیدگاه شیعه و وهابیت به عاشورا

سرچشمی تفاوت دیدگاه شیعه و وهابیت از نگرش کلامی در رخداد عاشورا مسئلهی امامت میباشد. خلاصهی این دو دیدگاه در بستر زمان، هم تفاوت واقعیت تاریخسازی و هم تفاوت نگرش تاریخی را بهدنبال دارد و نهادینه شدن فرایند دوگانهی نگرشهای کلامی-تاریخی در بستر جامعه، تفاوتهای فرهنگی را موجب شده است. خلاصهی تفاوت این دیدگاهها چنین است:

۱- شبیه: پوشیدگی کار و مانند آن و امری که در آن حکم به صواب و خطا نکنند. (منتهی الارب) گفته شده است که شبیه، اسم است از اشتباه و آن در اموری است که جواز و حرمت و صحت و فساد و حق و باطل اشتباه شده باشد. ج: شُبّهٌ و شُبّهات. (اقرب الموارد) اسم از اشتباه است و آن امر مابین حلال و حرام و درست و صواب است. (کشاف اصطلاحات الفنون، ج ۱، ص ۷۹۰) در شبیه، باطل بهطور عمدی و خواسته حضور دارد و شبهگر با آمیختن حق و باطل می کوشد کلام باطل خود را با رنگ و لعابی از حق به دیگران منتقل کند، از این روست که حضرت امیرمؤمنان ۷ فرمودند: «انما سمیت الشبهه شبهه لانها شبهت بالحق» از آن رو شبیه را شبیه نامیدهانند که به حق شبیه و همانند است. (وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۶۱)

ص: ۳۸

دیدگاه

شیعی

وهابیت

کلامی (۱)

پس از خاتمیت همان ادله‌ی عقلی و دینی‌ای که ضرورت نبوت را اثبات می‌کند، اصل امامت هم اثبات می‌گردد. امامتی که همانند نبوت با علم غیب و عصمت همراه بوده و مرتبه‌ی امامان معصوم اسلامی در مرتبه‌ی پیامبر خاتم است. عدد امامان به نص روایات شیعه و سنی، ۱۲ امام که اولشان علی و آخرشان مهدی است و حسنین هم به‌عنوان «سید اهل‌البیت» دو امام پس از امام علی هستند. وظیفه‌ی هر امام ناظر به شرایط زمان و مکان در دو جبهه‌ی حق و باطل پیشبرد تاریخ بشریت به سوی جامعه‌ی جهانی ظهور است.

پس از خاتمیت پیامبر، هیچ‌جانشینی برای دوران پس از خود معرفی نکرده و خلافت امری زمینی و ماهیتی سکولار دارد. خلیفه می‌تواند به هر روشی حتی به‌زور به حاکمیت برسد و تا مادامی که جامعه دارای خلیفه است، واجب الطاعه بوده گرچه فاسق و فاجر و ظالم باشد. اصل در سیاست اسلامی تقدم اصل رعایت امنیت و آرامش جامعه بر اصل عدالت می‌باشد، پس خروج بر حاکم ستمگر حرام است. (۲)

-
- ۱- برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه ر.ک: «شیعه در اسلام» از علامه طباطبائی؛ و «تاریخ تحول دولت و خلافت؛ از برآمدن اسلام تا برافتادن سفیانیان» اثری تحلیلی-تاریخی از رسول جعفریان.
- ۲- در این زمینه ن.ک: «نگرشی نو به تاریخ صدر اسلام»، ترجمه‌ی: «حقبه من التاریخ»، تألیف: عثمان بن محمد الخمیس، ترجمه‌ی: إسحاق بن عبدالله العوضی، موجود در سایت کتابخانه‌ی عقیده.

تاریخی (۱)

پس از رحلت پیامبر، جمعی از صحابه که در قرآن به صفات غیرایمانی توصیف شده‌اند، با نادیده انگاشتن نصوص قرآنی و نبوی، خلافت آسمانی امام علی را نپذیرفته و خود به انتخاب خلفا براساس کهلوت سن پرداختند. دوران ۲۵ ساله‌ی خاندانشینی امام علی و خلافت خلفای سه‌گانه، سرانجام چنان باعث گسترش انحراف و تحریف و فساد و ظلم در جامعه‌ی اسلامی شد، که خلیفه‌ی سوم در قیام مسلمانان کشته می‌شود و امام علی به انتخاب اکثریت مسلمانان آن روز به خلافت می‌رسد. ایشان مبنای خلافتش را احیای قرآن و سنت نبوی و حاکمیت عدالت اجتماعی و اقتصادی قرار داد. ولی انحرافهای نهادینه شده‌ی ۲۵ ساله، خیلی زود ابتدا خواص و سپس توده‌ی عوام مسلمانان را، پیش روی امام قرار داد. در این زمان خواص و عوام شیعه در اقلیت بودند که در جنگهای سه‌گانه، عده‌ی زیادی از آنان به شهادت رسیدند. در نهایت امام در جامعه‌ی با اکثریت غیرشیعی تنها ماند و سرانجام در غربت توسط خوارج به شهادت می‌رسد. اقلیت شیعه و اکثریت عامه، حتی در کوفه و حجاز امام حسن را مجبور به صلح و واگذاری مجدد خلافت به امویان می‌کند. دوران ۲۰ ساله‌ی خلافت معاویه سراسر احیای فرهنگ تحرفات و انحرافات به موازات شیعه‌ستیزی گسترده است. آخرین بدعت معاویه تبدیل خلافت به سلطنت موروثی و انتخاب یزید فاسق به ولایتعهدی است. امری که در زمان امامت امام حسین رخ می‌دهد و ایشان آن را نمی‌پذیرد. مرگ معاویه، خلافت یزید و اصرار او برای بیعتگیری و تسلیمسازی امام حسین، ابتدا ایشان را پناهنده مکه و در نهایت وادار به قیامی ذلت‌گريزانه می‌کند که هدفش جلوگیری از پیروزی نهایی باطل اسلامی نما، و تضمین ادامه حیات حق به سوی چشمانداز ظهور است.

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: «معالم المدرستین»، ترجمه شده با عنوان: «نشانه‌های دو مکتب در اسلام»؛ ج ۳، از علامه مرتضی عسکری.

پس از رحلت پیامبر اگرچه ارتدادهایی بیرون از جغرافیای حجاز رخ داد، ولی همهی صحابه مسلمان بوده و با همدیگر برادر و مهربان بودند و ترتیب خلافت و خلفا هم به انتخاب صحابه بوده و رویدادهای منجر به قتل خلیفهی سوم و جنگهای سهگانه هم ناشی از فتنهی فردی یهودیزاده به نام عبداللهبن سبا در کنار اجتهاد خطای برخی صحابه و تابعین بوده است. در عین حال تمامی صحابه‌های که در برابر امام علی جنگیدند، بر ایمان و عدالت بودند. صلح امام حسن هم ناشی از دیدگاه دنیاگریزی به همراه اعتقادی که ایشان به صلاحیت معاویه داشت صورت گرفت. معاویه هم، خلیفهای بود که اجماع و وحدت را به جهان اسلام بازگرداند. اگر چه در ماجرای ولایتعهدی یزید افراط کرد ولی از عدالت ساقط نشد. حادثهی کربلا هم از سوء تفاهم بین امام حسین و یزید ناشی شد و وقتی تبدیل به بحران شد که کوفیانی که اکثرشان شیعی بودند به آن دامن زدند. پس از دعوت امام، نهتنها او را تنها گذاشتند بلکه به رویش شمشیر کشیدند تا به جوائز یزید برسند، ولی خود گرفتار خشم آسمانی و انتقام شدند. یزید هم خود از حادثهی کربلا تبری جست. (۱)

۱- برای مطالعهی بیشتر در این زمینه ر.ک: «حقیقت زندگی حسین شهید»، ترجمه ی: «القول السدید فی سیره الحسین الشهید»، مؤلفان: محمد سالم الخضر و محمد الشیبانی، موجود در سایت کتابخانه ی عقیده.

فرهنگی (۱)

حادثه‌ی کربلا، نقطه‌ی عطف مواجهه‌ی نفاق اسلامی با ایمان خالصانه است. بدین جهت هم در پیش آگاهی‌های نبوی علوی که در منابع فریقین وجود دارد و هم در فرهنگ سازی‌های معصومین پسینی، تبدیل به رمز توحید راستین و عدالت‌طلبی و ذلت‌گریزی پیوسته می‌گردد. بدین جهت هر آنچه که از سوگواری اجتماعی در چارچوب شریعت اسلامی قرار داشته باشد در مسیر پاسداشت عاشورا حجیت داشته و بلکه به آن توصیه شده است. این پاسداشت بر محوریت شور و شعور دینی، عاملی تاریخی خواهد بود برای حفظ دین تا آنگاه که شرایط برای ظهور منجی موعود بر بستر ارزشهای عاشورایی فراهم گردد.

حادثه‌ی کربلا، حادثه‌ی دلخراش بوده است. امام و یارانش مأجور و قاتلانش در دوزخ می‌باشند. پس با این قضاوت در محکمه‌ی آسمانی، این جریان صرفاً حادثه‌ی تاریخی است که چون برخی از اتهامات را بر صحابه و تابعین وارد میکند باید مسکوت گذاشته شود. اصولاً در اسلام چیزی به نام فرهنگ دینی آن هم فرهنگ سوگواری و عزاداری نداشته و همهی شعائر حسینی بدعت است.

۱- درباره‌ی نگرش وهابیت درباره‌ی حرمت و بدعت تمامی شئون فرهنگ عاشورایی ضمن مراجعه به تمامی آثار وهابیت در ممنوعیت توسل و سوگواری و بنای بقاع متبرکه، میتوان به سایت عقیده مراجعه کرد و پس از جستجوی کلید واژه‌های عاشورا و محرم و حسین و عزاداری، گستردگی و تنوع، آثار مکتوب فارسی و عربی آنان را در این زمینه شاهد بود.

بنابر آنچه از نگرش شیعه و سنی (با تمرکز بیشتر بر نگرش وهابیت (۱)) بیان شد، معلوم گشت که در مقام شبهه‌شناسی شبکه‌های وهابی، نیاز به فرقه‌شناسی و وهابیت‌شناسی تاریخی و روزآمد است. تا وقتی شبهه‌های مطرح شد، خود همانند شبهه‌گر و شبهه‌ساز و در مقام پاسخ‌دهی دچار مغالطه و کلی‌گویی و انحراف از مسیر و ناکارآمدی علمی نگردیم. پس لازم می‌شود شبهه‌شناسی محرم و عاشورا، التفات به تفاوت قرائت‌های فرقه‌های میان «امام حسین شیعی» و «امام حسین در قرائت وهابی-سنی» از لحاظ مبانی، مدعا و نتایج هستیم. تفاوت‌هایی که تمامی حوزه‌های «تفاوت‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی، تاریخ‌شناسی و ...» را شامل می‌گردد.

نکته‌ی دیگر در این زمینه، معرفی معیارهای حق و باطل به مخاطبین شیعه و عامه و حتی غیرمسلمان است.

بدیهی است که در این معیاردهی، ضمن اینکه معیارهای عقلانی و علمی (۲) کارایی فراوان دارد، برای مخاطبین اهل سنت، استفاده از ظرفیتها

۱- زیرا نگرش اهل سنت غیروهابی در زمینه‌های کلامی و تاریخی با وهابیت تفاوت چندانی ندارد، ولی از جهت فرهنگی، اهل سنت غیروهابی دیدگاه‌های تنگ‌نظرانه‌ی وهابیت را نسبتبه فرهنگ سوگواری و شعائر دینی ندارند، بلکه در بسیاری از کشورهای اسلامی اکثر اهل سنت نوعی از همراهی را با فرهنگ عزاداری شیعه دارند. اگرچه امروزه متأسفانه تحت تأثیر تبلیغات فراگیر وهابیت و ضعف عملکرد رسانه‌های شیعه در بزرگنمایی سوگواری اهل سنت در جغرافیای اهل سنت، این جلوه‌ی تقریب بین مذاهب به شدت در حال کم‌رنگ شدن است.

۲- در مواجهه با اهل سنت، خصوصاً جوانان و تحصیل‌کردگان و روشنفکرهای آنان، توجه‌دهی آنان به مطالعه‌ی عقلانی دین و تاریخ، میتواند کارایی بسیار داشته باشد. زیرا دستگاه معرفتی اهل سنت مانند مسیحیت، بیشتر بر ایمان تعبدی استوار است تا ایمان عقلانی. از سوی دیگر در برخی شاخه‌های دینی‌پژوهی هم، روشها و یا نتایج مطالعات علمی میتواند معیاری مناسب برای کشف حقیقت باشد. به‌عنوان نمونه: نگرش اهل سنت و خصوصاً وهابیت نسبتبه رویدادهای تاریخ صدر اسلام، نوعی تعطیلی تفکر و اندیشه و قضاوت است. در این نگرش، دیندار ناچار میشود که برابر پیچیدگی رویدادهای تاریخی با نگرش سطحی، همه را حمل بر صحت نماید و از پرسشگری و تلاش برای کشف چرایی و چیستی و چگونگیها پرهیز کند. بدین جهت افکار متأثر از آزاداندیشی علمی و آکادمیک، تحمل نگرش‌های تعصب محور ایمانی سنتی را کمتر دارد و اگر در مقام دفع شبهه و یا جذب مخاطب تحصیلکرده، بر روشهای اسلام‌پژوهی عقلانی و تاریخی علمی تأکید شود، زمینه برای گسترش شبهات محرم محدود و تنگ میشود.

و فرصتهای متون علمی عامه (حدیثی، تاریخی، کلامی) ضروری است و برای مخاطبین شیعه هم که در کنار تمامی منابع و روشهای مذکور، ادله معتبر دروندینی حجیت تام و تمام خواهد داشت.

اینک براساس ضرورت توجه به تفاوت نگرشها به مسئله عاشورا، و بهعنوان پیش درآمدی بر شبههشناسی و مغالطهشناسیهای عاشورایی، به اجمال روایت و قرائت تاریخی عامه-وهابی را از رویداد قیام سیدالشهدا علیه السلام روایت میشود:

۲-۳. ماجرای شهادت حسین علیه السلام، به روایت وهابیت

۲-۳. ماجرای شهادت حسین علیه السلام، به روایت وهابیت (۱)

برای فهم روش مواجهه با شبهات وهابیت ابتدا می بایست در یک نگاه اجمالی قرائت آنها از عاشورا مورد بازخوانی قرار گیرد. بدیهی است که پیش نیاز انجام این قرائت در نظر گرفتن تمامی نگرش های متفاوت شیعه و غیر شیعه در این زمینه است. تا در مقام مطالعه جزء به جزء این

۱- کلمات و جملات کجشده در متن، بخشهایی از مغالطه‌های وهابیت در گزارش تاریخ و یا در انتساب قوانین سیاسی و اجتماعی و فرهنگی به اسلام است. دقت در کثرت موارد علامت زده شده در یک نگاه اجمالی، بیانگر گستردگی و تنوع و عمق و بعضا پیچیدگی مغالطات و شبهات وهابیت در مسئله عاشورا است که به این مهم در فصل بعد پرداخته خواهد شد.

ص: ۴۵

روایت زاویه های انحراف و تحریف شناخته گردد. اهمیت این نکته در این است که عاشورا خود یک واقعه تاریخی است که دارای پیش فرض ها و نتایج کلامی می باشد. یعنی در مطالعه عاشورا و یا تاریخ دینیدر مواردی که به زندگانی معصوم و انسان کامل می پردازد همواره باید به موارد زیر توجه داشت:

- اول این که تلاش شود تا واقعه تاریخی فراتر از نگرش های فرقه ای کشف شود.

دوم این که نگرش و بینش اعتقادی قهرمان و ضد قهرمان تاریخی ، فارغ از تحلیل ها و تفسیرهای پسینی و معاصر کشف شود

- سوم این که تحلیل و تفسیر بزرگان معصوم پسینی (در شیعه) و یا غیر معصوم اما مرجع (در غیر شیعه مثل امامان فقه و حدیث و کلام عامه) که بعد از رویداد تاریخی بوده اند ؛ مورد مطالعه قرار گیرند.

- و در نهایت این رویداد در نگرش های علمی معاصر از جهت تحلیل های سیاسی و جامعه شناختی و ... مورد مطالعه قرار گیرد.

اگر این فرایند در مواجهه با قرائت وهابیت از عاشورا مد نظر مدیران و برنامه ریزان و برنامه سازان و کارشناسان باشد، آنگاه به راحتی موارد تحریف و انحراف خود را نشان داده و تکلیف نوع مواجهه به آسانی روشن خواهد شد.

بدین جهت در این مرحله تلاش می شود یک قرائت اجمالی وهابیت از عاشورا معرفی گردد تا در مراحل بعد بتوان ضمن گونه شناسی شبهات موجود، اصول و مبانی روش مواجهه مورد معرفی قرار گیرد.

بدین جهت در همین جا تاکید می گردد که مبادا تصور گردد که این روایت نوعی از اشاعه شبهات است. چرا که هم کارکرد اسنادی برای

مباحث پسینی دارد. و هم برای پاسخگوئی تفصیلی خواننده را به منابع تفصیلی که توسط همین واحد و همین مرکز تولید شده است ارجاع می دهد. و هم این که در مواردی که در متن روایت شبهات علامت گذاری شده است از جهت آشنائی با روش شناسی مواجهه اصول گلی پاسخ در هر یک از شبهات مورد معرفی قرار خواهد گرفت.

منابع تولید شده از سوی واحد های گوناگون مرکز پژوهشهای سازمان در قم به شرح زیر می باشد:

- طرح و تحقیق فیلمانه امام حسین ، ۲ جلدی، واحد خدمات رسانه ای، ۱۳۸۸ : در این اثر به صورت مفصل هم علل قیام امام از جهات سیاسی و کلامی و اجتماعی بررسی شده و هم فرایند قیام معرفی گردیده است.

- شبهه های مطرح شده در شبکه های ماهواره ای درباره قیام عاشورا و عزاداری برای امام حسین، مدیریت تحلیل و رویکردشناسی، اداره کل خدمات رسانه ای، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، نشر محرمانه، مهرماه ۱۳۹۲ : در این اثر مهمترین شبهات عاشورائی وهابی ها معرفی و به صورت مفصل مورد پاسخگوئی قرار گرفته است.

- نقد و بررسی سریال الحسن و الحسين، مدیریت تحلیل و رویکردشناسی، اداره کل خدمات رسانه ای، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، نشر محرمانه ، شهریور ۱۳۹۰ : در این اثر ضمن نقد و بررسی سریال تمامی ادعاهای وهابیت در مقطع تاریخی از قتل عثمان تا شهادت امام حسین مورد پاسخگوئی قرار گرفته است.

- آیین برنامه سازی محرم، واحد خدمات رسانه ای، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۹: در این اثر ناظر به تاکید بر روش بینا رشته

ص: ۴۷

ای در پاسخگوئی به شبهات، پیشنهاد های برنامه سازی بینارشته ای عاشورائی که کارکرد تبیینی و یا پاسخگوئی به شبهات دارد، معرفی شده است.

این که با این پیش در امدی که از ضرورت ارائه این قرائت مفصل بیان شد و در کنار معرفی منابع مورد ارجاع در پاسخگوئی و توجه دهی مجدد به پاورقی ها در ذیل هر شبهه، به روایت وهابیت از عاشورا توجه فرمایید:

سجودی(۱) در این زمینه چنین روایت میکند(۲): دوستان شیعه! شما درباره ی قتل حسین، راست و دروغ زیاد شنیده‌اید. اینک ما میخواهم حقیقت را همانطور که بود، برایتان باز گو کنیم:

حضرت حسین در سال ۴ هجری به دنیا آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله ما به او علاقه‌ی زیادی داشت. در مسند احمد نوشته شده که حضرت یعلی العامری (رضی الله عنه) از صحابه‌ی پیامبر، روایت کرده که روزی

۱- او کارشناس شبکه‌ی وهابی «کلمه» است که بهطور همزمان در شبکه‌های ماهواره‌ای و در پایگاه‌های اینترنتی بر علیه شیعه فعال است و در سایت «عقیده» که آرشیو متون وهابیت است، آثار متعددی از او به فارسی وجود دارد.

۲- این روایت مستند به مجموعه برنامه‌های ایشان، در محرم دوسال گذشته و متونی است که در سایتهای وهابی گذاشته است و یادآور میگردد که اهمیت این گزارش و روایت فشرده و متمرکز در این است که معمولاً در کتابهایی که در رد شبهات است، مصادیق و موارد شبهه بهصورت پراکنده و ناقص ذکر میشود. این امر برای مخاطب عام شاید مناسب باشد، ولی برای مخاطبین خاص، خصوصاً مدیران و برنامه‌سازان رسانه، روشی غلط و ناکارآمد است، زیرا معرفی ناقص شبهه نه در معرفی آسیبها و نه در مقام جواب کارایی نداشته و متخصصین عملاً از اطلاعات کافی از زمینه‌های پیدایش یک شبهه، متن کامل آن و نتایج آن محروم میشوند و بهتبع آن برنامه‌هایی که تولید میگردد ابتر و ناقص و کم‌اثر خواهد بود. ضمن اینکه امروزه با سهولت دسترسی به شبکه‌های ماهواره‌ای پایگاه‌های اینترنتی، دیگر خودسانسوری کاربردی در مقام نقد شبهات ندارد.

ص: ۴۸

رسول‌الله صلی الله علیه و آله با من می‌آمدند، برای دعوت به میهمانی؛ در راه حسین را دیدند که دارد با کودکان بازی میکند. جلوی مردم، پیامبر صلی الله علیه و آله دست هایش را باز کرد تا حسین را بگیرد و حسین از جلویش فرار میکرد و به اینسو و آنسو میدوید، تا بالاخره رسول‌الله صلی الله علیه و آله او را گرفت و یک دستش را زیر چانه و دست دیگرشان را بر سر حسن گذاشت و لبهایش را بوسید و فرمود: «حسین منی وأنا من حسین، أحب الله من أحب حسینا؛ حسین از من است و من از حسینم، الله دوست بدارد کسی را که حسین را دوست میدارد.

جابر بن عبدالله روایت میکند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «من سیره أن ينظر إلى رجل من أهل الجنة، فلينظر إلى الحسين علي» (۱).

پس زمینه‌ی قیام حسین بر علیه یزید

ماجرا برمیگردد به خلافت رسیدن حضرت علی و مخالفت معاویه با علی و جنگ آندو با یکدیگر و حمله‌ی حضرت علی به شام و عدم توفیق او در شکست دادن معاویه بهخاطر کارشکنی لشکریانش (۲).

۱- یعنی هرکس که خوشحال می شود که نگاه کند به مردی از بهشتیان پس نگاه کند به حسین علی.

۲- کلمات و جملات کجشده در متن، بخشهایی از مغالطه‌های وهابیت در گزارش تاریخ و یا در انتساب قوانین سیاسی و اجتماعی و فرهنگی به اسلام است. دقت در کثرت موارد علامت زده شده در یک نگاه اجمالی، بیانگر گستردگی و تنوع و عمق و بعضا پیچیدگی مغالطات و شبهات وهابیت در مسئله عاشورا است که به این مهم در فصل بعد پرداخته خواهد شد. ولی در یک نگاه اجمالی به این شبهه باید توجه داشت که: عدم پیروزی امام علی در صفین ناشی از ترکیب مکر عمرو بن عاص و زره‌های معاویه و فریب خوردن مسلمانان متحجر غیر شیعه‌ای بودند که در دوران خلفا تربیت شده بوده و از اسلام فقط ظواهر آن را می‌دیند. و به جای تولی کامل از راهبر معصوم، همانند منافقان زمان پیامبر با روحیه خود تفسیر گری و خود تحمیل گری بر ولی زمان تربیت شده و دچار تقدم و تاخر بر او می شدند.

اما پس از آنکه علی رضی‌الله عنه، مخالفان داخلی (شیعه‌های خوارج شد^(۱)) را قتل عام کرد، دوباره تصمیم حمله به شام را گرفت تا کار معاویه رضی‌الله عنه را یکسره کند، که دست ناپاک ابن‌ملجم ایشان را مهلت نداد و شهید شد. پس از شهادت ایشان، لشکر علی با حسنبن علی رضی‌الله عنهما بیعت کردند، اما حسن که در زمان حیات پدر نیز با جنگ مخالف بو^(۲)د، حالا که اختیار در دستش بود با معاویه صلح کرد و شرط گذاشت و توافق کردند که امیر معاویه بعد از خود خلافت را بهشورا بسپارد.

حسین بهشادت با این صلح مخالف بو^(۳)د و خواستار ادامه‌ی راه پدر، یعنی تداوم جنگ بود، اما مجبور به اطاعت از برادر بزرگترش شد، و بعد از مرگ حضرت حسن^(۴)، حسین چون با امیر معاویه بیعت کرده بود،

۱- شیعه خوارج شده از اصطلاحات جعلی وهابیت در همین یکی دو سال اخیر است. آنان این واژه را در برابر واژه «سنی دوازده امامی/ سنی شیعی مسلک و ...» که در منابع تاریخی و یا ادبیات سیاسی/ کلامی وجود دارد جعل کرده اند تا از حالت دفاعی به حالت هجومی روی آورند. البته پیدایش جریان وحشی داعش که کاملاً یادآور خوارج تاریخی هستند به راحتی می‌تواند بستر طنز را در هجو این واژه سازی وهابیت فراهم سازد.

۲- این ادعا ضمن این که متناقض با تمامی روایات مورد اتفاق شیعه و سنی درباره عصمت امام علی و حسنبن می باشد، با سیره اخلاقی اهلیت هم مخالف است که تا امام بزرگتر بود، معصوم بعدی تقدم و یا تاخر و یا اعتراضی به ایشان نداشت. و از سوی دیگر با سیره امام حسن در زمان خلافت امام علی هم مخالف است چرا که ایشان هم در دعوت کوفیان به جنگ جمل و هم در سخت ترین صحنه های جنگ صفین و نهروان در کنار پدر بود. و پس از خلافت هم تصمیم جدی ایشان جنگ بود و تنا پس از خیانت ها و ریزش ها تن به صلح داد. پس این ادعا متوقف بر تحمیل پیش فرض های پسینی بر وقایع تاریخی و روایات قطعی فریقین است.

۳- جالب ترین نقض به این شبهه، سیره امام حسین به مدت ۹ سال است که تا معاویه زنده بود با وجود نقض مکرر صلحنامه از سوی معاویه ، اصلاً امام حاضر به زیر پا گذاشتن نعهده برادر نشد. در اینجا مغالطه دیگری هم که صورت گرفته است، برخی مخالفت ها و یا پرسش های یاران امام با صلح را به پای امام حسین نوشته اند. در حالی که مخالفت موقت و کوتاه امثال حجر بن عدی و سلیمان بن صرد خزاعی ربطی به امام نداشت.

۴- واژه مرگ برای این است که شهادت امام حسن را به مرگ طبیعی ربط داده و ضمن نفی اصل شهادت، دامن معاویه را از اتهام شهادت ایشان مبرا سازند. این در حالی است که در منابع تاریخی علت شهادت امام را به زمینه چینی های معاویه برای ولایتعهدی امام نسبت داده اند. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: (مقتل المعصومین ع): فرهنگ شهادت معصومین، شریفی محمود ، صاحبی مسلم ، لطیفی محمود ، جعفری سیدعلیرضا ، احمدیان محمود ، گروهی از فضلاء، نشر معروف، قم)

ص: ۵۰

ساکت بر جای خود نشست و حلم و روش حکومتداری معاویه نیز، بهانه‌های برای شورش به دست کسی ننمید(۱)د، تا امیر معاویه وفات یافت. ولی قبل از وفات فرزندش را ولیعهد کرده بود. بزرگان اسلام با این انتخاب موافق نبودند اما چاره‌های جز بیعت ندیدند، تا مبادا خونریزی و فتنه‌های بزرگتر رخ دهد(۲).

اما پسران علی و زبیر رضی الله عنهم، یعنی حسین بن علی و عبداللہ بن زبیر، اصلاً زیر بار بیعت نرفتند و تصمیم به قیام گرفتند. از سوی دیگر یزید به والی مدینه، ولید بن عتبہ، دستور داد که از هر دو بیعت بگیرد و اگر بیعت نکردند آنها را تحت فشار قرار دهد. اما آندو حاضر به بیعت نشدند و راه مکه را در پیش گرفتند.

ماه شعبان بود که حسین به مکه رسید و در آنجا به او خبر رسید که مردم کوفه نیز بیعت با یزید را قبول ندارند و خواهان خلافت حسین هستند.

۱- این جمله به ظاهر دلالت بر حسن سیرت معاویه دارد. در حالیکه واقعیت تاریخی این است که ترکیب خفقان و شیعه کشی با تزویر و تطمیع و کیسه های زر معاویه بود که زمینه برای قیام را از بین برده لود. در این زمینه کافی است به جنایات زیاد بن ابیه در کوفه در آن زمان اشاره شود. در این زمینه رک: طرح و تحقیق فیلمنامه امام حسین (ع)

۲- این ادعا مبتنی بر این پیشفرض وهابیت است که برای دفع فتنه، تمامی اصول امر به معروف و نهی از منکر سیاسی و شرط عدالت در ساختار حکومتی تعطیل می گردد. ادعایی که مخالف صریح عقل و قران روایات نبوی است. و سکوت برخی صحابه و تابعین در آن زمان هم نه مستند به منابع دینی، بلکه مستند به سیره جعلی خلفا بود. سیره ای که هم امام علی و هم حسن بن علی تأکید داشتند که حجیتی ندارد و آنان جز سیرت پیامبر که مستند حجیت اش قران و عقل است، سیره دیگری را قبول ندارند. و نتیجه حجیت بی در و پیکر سیره خلفا و صحابه، ایجاد کردن اصل باطل: اجتهاد در برابر نص است.

تصمیم حسین برای فرستادن نماینده به عراق

حسین رضی الله عنه، برای پی بردن به حقیقت ماجرا، پسر عموی خود را که مسلم نام داشت، مأمور کرد که به کوفه برود و از اوضاع آنجا برایش گزارشی بفرستد، و نامهای هم توسط او، به بزرگان کوفه فرستاد و در آن نوشت: بهدرستی که برادرم و پسرعمویم و مردی از اهل بیتم را بهسوی شما فرستادم تا حقیقت امر را ببیند و مرا آگاه کند که اگر راغب به خلافت من باشید، سوی شما حرکت کنم.

مسلم، پسر برادر ناتنی حضرت علی، یعنی پسر عقیل بود. مسلم از مکه بهسوی کوفه حرکت کرد. در راه کوفه به مدینه رسید. همراهان او در این سفر سه نفر بودند. در مدینه دو راهب را با خود برداشت که یکی از این راهنماها خودش، راه را گم کرد و از تشنگی هلاک شد! مسلم بهخاطر سختی سفر پیش رو، دلش نمیخواست به کوفه برود. پس از نیمه‌ی راه به حسین نامه داد که مرا از این مأموریت معذور مدار. اما حضرت حسین نپذیرفت و نوشت که بهسفرت ادامه بده. اینجا باز ثابت میشود که امامان شیعه غیب نمیدانستند. اگر حسین غیب میدانست، نیازی نبود که مسلم را برای کسب خبر به کوفه بفرستد (۱).

باری، مسلم به کوفه رسید و به خانهای مختار ابیعیید رفت. همزمان با این، یزید والی نرملی کوفه را برکنار کرده و مرد زیرک و بیرحمی بهنام عبیداللهبن زیاد را به کوفه فرستاده بود. ترس از عبیداللهبن زیاد باعث شد که مسلم همی جای خود را در کوفه عوض کند تا مبادا دستگیر شود. نخست در خانهای یکی از بزرگان کوفه، بهنام هانین عروه مخفی شد، اما

۱- در این زمینه هم در فصل دوم این اثر اصول پاسخ گوئی معرفی شده است. و هم در کتاب شبهات محرم که در سال گذشته تولید شد به صورت مفصل پاسخ ها ارائه شده است.

ص: ۵۲

وقتی شك عبيدالله را دید به خانهی یکی از مبلغان شیعه بهنام مسلمین عوسجه رفت(۱) و در پنهان، کار خود را ادامه داد و ۱۲۰۰۰ نفر با او مخفیانه بیعت کردند. او این را که دید، نامهای به این مضمون برای حسین فرستاد:

دیدهبان قوم، به قوم خود دروغ نمیگوید، تمام مردم کوفه با تو هستند،(۲) همینکه نامهی مرا دیدی، فوراً حرکت کن. حسین نامه را که دید، تصمیم به حرکت گرفت. اما او تنها نمیرفت و همراه خویش، همهی قبیلهی خود، از زن و مرد و کودک را به کوفه میبرد. پس خبر پنهان نماند و همه دانستند که حسین می‌رود به کوفه، تا به کمک کوفیان بر علیه یزید بجنگد.

مخالفت اصحاب و تابعین و فامیل حسین با حرکت او بهسوی کوفه

حسین از کسی نظر نخواست اما ناصحان آمدند و ایشان را نصیحت کردند؛ از جمله برادرش، محمد حنیفه به او گفت: چنین نکن و خودت نرو، بلکه نمایندگان را به شهرها بفرست. اگر مردم با تو بیعت کردند که خوب، اگر نکردند در دین تو نقصانی و کمی واقع نمیشود. اما حسین نپذیرفت.

حسین میدانست که ابنعباس با قیام او مخالف است، پس سعی کرد تا کارش را از او مخفی کند تا زیاد با نصایح آزارش ندهد(۳)، پس وقتی

۱- این ادعا یا اشتباه لفظی است. و یا ناشی از تلاش وهابیت برای جعل تاریخ حکایت دارد. چرا که ابن عوسجه از یاران نزدیک مسلم بن عقیل بود ولی مسلم هیچگاه به خانه او نرفت.

۲- در این زمینه باید توجه داشت که نامه مسلم بیانی کلی و گزارشی از بیعت گران است نه توصیفی از تمامی کوفیان. چرا که هم امام و حضرت مسلم و هم تمامی ناظران تاریخ؛ می دیدند که کوفه شهر هزار قبیله و هزار فرقه است. پس امکان اجماع آنان بر یک امر آن هم بر مبنای اعتقادی وجود ندارد. پس وهابیت در اینجا با تحریف در متن قصد اثبات خطا برای اهیت دارد.

۳- نکته جالب در تفاوت سیره امام و سیره دشمنانش این که اصولاً امام در تمامی فرایندهای قیامش امری پنهانی نداشت. و در هر مرحله از قیام، پیش از انجام آن را با یک سخنرانی عمومی به اطلاع دوست و دشمن می رساند. همانند سخنرانی خروج از مکه و یا سخنرانی موقع شنیدن خبر شهادت حضرت مسلم و یا سخنرانی مواجهه با لشکر حرّ و یا ... و تنا رفتار شبه مخفیانه امام، خروج ناگهانی و شبانه ایشان از مدینه به مکه بود. که این حرکت برای امویان مخفی و ناگهانی بود نه برای ابن عباس

ص: ۵۳

که ابن عباس شتابان پیش او آمد و گفت: ای پسر عمو! شنیدم می‌خواهی بروی کوفه؟ ای پسر عمو اگر آنها امیر شهر را کشته باشند و شهر را گرفته باشند پس کارت درست است، اما اگر امیر منتخب یزید در کوفه زنده و مسلط بر شهر کوفه باشد، پس آنها ترا برای قتل و فتنه دعوت کرده‌اند و دروغ می‌گویند. نرو. حسین گفت: باشد. استخاره میکنم. (۱)

اما ابنعباس دریافت که می‌خواهد برود. فردایش باز آمد و گفت: ای پسر عمو! نمیتوانم صابر باشم. اگر رفتی هستی برو یمن. آنجا شیعه‌های پدیرت هنوز هستند و دست یزید بهتو نمیرسد. ای پسر عمو! مردم عراق اهل خیانت و پیمان شکنی هستند، میترسم تورا بکشند. اما چون حسین را مصمم به رفتن دید، گفت:

پس کودکان و زنان را نبر. میترسم تورا و آنها را بکشند، همانطور که عثمان و زن و بچه‌اش را کشتند.

حتی که ابنعباس گفت: قسم به خدایی که غیر از او الهی نیست، اگر میتوانستم موی سرت را میکشیدم و نمیگذاشتم بروی اما حسین مصمم بود که برود.

۱- امام از آغاز قیامش تصمیم جدی خود را برای قیام ابراز داشته بود. از سوی دیگر هم انبوه روایات نبوی در نزد صحابه موجود بود. پس در این زمینه نه امام تردیدی داشت که انتساب جعلی استخاره کردن را به ایشان داد و نه تلاش صحابه در برابر امام از روی جهل بود. تلاش آنان از سر تکلیف گریزی و یا جلوگیری از شهادت امام بود. با وجودی که می دانستند گریزی از این امر نیست. پس آنان در این تلاش هایشان نه حجت شرعی داشتند و نه مطابق پیش بینی های نبوی عمل نکردند. ولی وهابیت قصد دارد آنان را بر حق و امام را بر خطا معرفی نماید.

ص: ۵۴

مخاطب گرامی! همانطور که دیدید هر دوی اینها، یعنی هم محمدحنیفه برادر حسین، و هم ابعباس پسر عموی حسین، با فکر او مخالف نبودند. آنها هم قبول داشتند کار حسین در مخالفت با یزید درست است، اما با روش او مخالف بودند. محمدحنیفه گفت: نرو نمایندگان بفرست و ابعباس گفت: به یمن برو، آنجا جایی مناسبتر است. آینده نشان داد که نظر آنها ظاهرا درستتر بود. اما شیعه، چون امامان را عقل کل میدانند، هرگز قبول نمیکند که حرکت حسین به کوفه، از لحاظ نظامی یک حرکت مناسب نبود(۱).

حضرت ابنعمر نیز وقتی شنید، حسین و ابنزبیر قصد قیام دارند، هر دو را نصیحت کرد که چنین نکنند و وقتی از قصد حسین برای رفتن به عراق باخبر شد، خود را به او رساند و گفت کجا میروی؟ گفت عراق، اینها اوراق بیعت مردم کوفه است.

حضرت ابنعمر گفت: ای حسین! الله پیامبرش را بین دنیا و آخرت مخیر کرد که یکی را انتخاب کند و ایشان آخرت را برگزید و شما از خون و گوشت رسول الله هستید. این دنیا به شما نمیرسد، برگرد! (۲) و

۱- وهابیت با تاکید بر معصوم نبودن امام قصد اثبات بر خطا بودن امام را داد. و مدرکش هم در این مدعا تمرکز بر شکست ظاهری امام است. آنان در این مسیر با بی اهتتایی به نگرش فلسفه تاریخی و فرایند مکتب سازی بر بستر عاشورا، تلاش دارند عاشورا منحصر به واقعه تاریخی و ناشی از یک تصمیم خطا معرفی نمایند. این در حالی است که تمامی روایات نبوی که مقام عصمت و طهارت حسنین (ع) را اثبات می کند نقیض مدعای وهابیت است. و همانگونه که سیرت نبوی بازتاب تاریخی و تاریخ سازی داشته و حجت در تمامی زمانها و مکانها می باشد، سیر علوی و حسنی و حسینی و .. هم چنین است.

۲- در منابع اموی که به ارث به وهابیت رسیده از یک سو تلاش می شود اهلیت غیر معصوم نشان داده شود. و از سوی دیگر آنان را محروم از تمامی حقوق سیاسی و اجتماعی و دنیوی به تصویر کشد. بدین معنا که اهلیت فقط انسان های با ریشه پاکی هستند که باید به عبادت و دینداری فردی پرداخته و از عرصه سیاست و اجتماعی فاصله گیرند. این سخن ضمن عدم استناد به منابع دینی پر از تناقض است. و حداقل نقیض آن انتخاب امام علی توسط صحابه تابعین به خلافت است و ...

ص: ۵۵

حضرت حسین قبول نکرد و ابن‌عمر او را در آغوش گرفت و گفت: با تو خداحافظی میکنم، مثل خداحافظی کردن با یک مقتول. و بعد از واقعه کربلا، ابن‌عمر گفت حسین را نصیحت کردم. لازم نبود بعد از آن کارهایی که اهل عراق با پدر و برادرش کرده بودند، به آنجا میرفت.

حتی ابن‌زبیر که خودش مخالف سرسخت یزید بود و بیعت نمی‌کرد و قصد قیام داشت، باز با رفتن حسین به عراق مخالف بود و به او گفت: کجا می‌روی؟ بهجایی که پدرت را کشتند و برادرت زخمی کردند؟! و حسین نصیحت او را هم قبول نکرد.

جعفر طیار برادر حضرت علی را حتما میشناسید. او پسری بهنام عبدالله داشت. همین که عبدالله از تصمیم حسین برای رفتن به کوفه آگاه شد، پسرانش محمد و عون را با نامه‌های پیش حسین فرستاد که برگرد مدینه و دست از این کار بردار. وقتی انکار حسین را دید، عبداللهبن جعفر با خود فکر کرد شاید حسین از والی مدینه می‌ترسد! پس پیش او رفت و از او خواست که به حسین سخت نگیرد، و به او امان بدهد. عمرو بن سعیدبن عاص والی مدینه به عبدالله گفت: هرچی میخواهی بنویس من امضا میکنم. حضرت ابوواقد الیثی میگوید: خبر از نیت قیام حسین علیه یزید و به عراق رفتنش که بهم رسیده، شوکه شدم و به او گفتم: نکن که هلاک میشوی. گفت من حتما چنین میکنم. ابوبکر بن عبدالرحمن حارث میگوید: به حسین گفتم میدانی که دوستت دارم. ولی نمیدانم که نصیحت من پیش تو چهقدر ارزش دارد؟ حسین گفت: ای ابوبکر! تو از کسانی هستی که نه خیانت میکنی، نه کسی به تو

بدگمان است. ابوبکر بن عبدالرحمن گفت: دیدی که اهل عراق با پدر و برادرت چه کردند! آنها بندگان دنیا و نوکران درهم و دینار هستند. همان کس که بهتو وعده‌ی کمک داده، با تو خواهد جنگید! از تو می‌خواهم به خودت رحم کنی. حسین گفت: ای پسر عمو می‌روم و هرچه الله اراده کرده، خواهد شد. فرزدق شاعر معروف می‌گوید: حسین را در مکه دیدم. گفت: از مدینه چه خبر؟ گفتم: تو محبوبترین شخص در پیش مردمانی، و تقدیر در آسمان است و شمشیر با بنی امیه است! و گفتم: اونها تورا ذلیل خواهند کرد. نرو. اما حسین حرفم را نپذیرفت. عبدالله بن مطیع به حسین گفت: ای حسین! پدر مادرم به فدایت، ما را از وجود خودت محروم نکن و به عراق نرو. اگر اینها تو را بکشند ما را نیز به بردگی خواهند گرفت.

آیا از دیدگاه شریعت، قیام حسین درست بود؟^(۱) قبول داریم که بزرگان اسلام با یزید بیعت کردند، اما این هم مثل روز روشن است که آنها هرگز یزید را بهترین فرد امت نمی‌دانستند. ولی دیدند که خونریزی بی‌فایده است. بنابراین از سر ناچاری بیعت کردند. کتمان نمی‌کنیم که بعضی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و دیگران، اصلاً حرکت حسین رضی‌الله عنه را جایز و شرعی نمی‌دانستند^(۲). مثلاً صحابی رسول

۱- در این زمینه کافی است ضمن دسته بندی آیات قرآنی در مباحث سیاسی و یا در موضوع امر به معروف و نهی از منکر، به تمامی روایات نبوی درباره قیام حسینی که در منابع فریقین است توجه شود تا معلوم شود دیدگاه شریعت هم به صورت کلی و هم به صورت جزئی درباره قیام امام چیست و وهابیت در این زمینه چه فریب کاری های فراوانی انجام می دهد تا مسلمانان را به ظلم پذیری و تحمیق و انحطاط سیاسی اجتماعی بکشانند.

۲- اگر چه برخی از صحابه از امام در خواست هایی مبنی بر تاخیر انداختن قیام داشتند، ولی دیدگاه آنها نه حجیت شرعی داشت و نه بر اساس مصلحت بود بلکه دیدگاه تکلیف گریزانه بود. در این زمینه یکی از راهبردها معرفی دسته بندی صحابه اموی و علوی و خنثی بر اسا گزاره های مستند تاریخی می باشد تا معلوم گردد که دلیل نصیحت گری از سوی برخی از صحابه چه بود. و چرا همانها اغلب در سال بعد در قیام حره مردم کوفه بر علیه یزید شرکت کردند.

ص: ۵۷

الله (صلی الله علیه وسلم)، ابوسعید الخدری رضی الله عنه که به حضرت حسین گفت: «از الله بترس و در خانه بشین و امام را اطاعت کن» (۱) و جابر بن عبدالله رضی الله عنه نیز به او گفت: «از الله بترس و باعث خون و خونریزی نشو».

وهابیت از لحاظ شرعی، به حسین ایرادی نمیگیرند، زیرا حسین اصلاً با یزید بیعت نکرده بود و انتخاب یزید (تبدیل خلافت به پادشاهی) خود یک بدعت بود و تغییر بدعت، در صورت داشتن قدرت، لازم است. (۲) حسین به دلایل آشکار، از یزید به خلافت سزاوارتر بود: اول اینکه ممدوح رسول الله صلی الله علیه وسلم بود. دوم: بهشتی بود. سوم اینکه نسبتبه یزید، محبوبیت بیشتری داشت. چهارم: او عالمتر از یزید بود. اما همانطور که فرزدق شاعر گفت: شمشیر و پول و سلطه، پیش بنیامیه بود. پس چرا حسین با وجودیکه قدرت نداشت، قیام کرد؟ (۳) جواب اشکال این است که حسین تصور میکرد قدرت دارد. او

۱- ضمن این که در اصل صحت این ادعا آنها را از ابوسعید خدری که ضد اموی است باید تحقیق شود، باید دانست که در این ادعا قصد اثبات مقام امامت و خلافت شرعی برای یزید می باشد. امری که بسیاری از علمای اهل سنت آن را قبول ندارند.

۲- این ادعا بحثی فقهی است که باید دامنه اش در فقه مورد بررسی قرار گیرد. و اگر این بحث مطلقاً پذیرفته شود تمامی مبانی جهاد و جنگ با مسلمانان خطاکار زیر سوال می رود. ضمن این که نقض دیگر آن رفتار بسیاری از وهابیت است که وقتی به ادعای خود با بدعتها در جهان اسلام روبرو می شوند و قدرت بر تغییر ندارند دست به ترور و مسلمان کشی می زنند. در حالی که امام نه تنها تروری مرتکب نشد بلکه تنها فریاد اعتراضی بر داشت که اگر انجام نمی شد اصل دین در خطر بود. یعنی وقتی اصل دین در خطر باشد از جهت فقهی موضوعش شهادت طلبی و قیام در برابر ظالمین است..

۳- تلاش امام به حرکت در آوردن جامعه بود. در اینجا به جای محکومیت امام باید علل انحراف و سکوت و ظلم پذیری جامعه اسلامی ای که تربیت شده خلفا بود بررسی شود نه این که امام متهم شود.

ص: ۵۸

برای مطمئن شدن، پسر عمویش را فرستاد که با چشم خود ببیند که آیا مردم او را می‌خواهند یا نه. پس او حسب توان تحقیق کرد، ولی چون غیب نمیدانست، اصلاً تصور نمیکرد که کل داستان یک تله و دام باشد.

شاهد بر این مدعا که حسین نمیخواست با لشکر کم در مقابل لشکر بزرگ بجنگد، این است که وقتی محاصره شد، از آنها خواست راه را برایش باز کنند تا خودش پیش یزید برود یا به مدینه بر گردد، (۱) ولی توطئه‌گران، خوابهای دیگری برای او دیده بودند. حسین وقتی قیام کرد که تصور میکرد، لشکر بزرگی دارد. حسین فکر میکرد کوفه را بگیرم خود به خود، مکه و مدینه و یمن نیز سقوط میکنند.

اگر شخصی بگوید حسین در مقابل این حدیث که «هرکس بمیرد و بیعت امامی بر گردنش نباشد، پس بر جاهلیت مرده» چه جوابی دارد؟ می‌گوییم جواب بسیار آسان است! اولاً: خود حسین، امام بود و مردم با او بیعت کرده بودند. (۲) دوماً: بیعت یزید، حداقل برای حسین الزامی نبود. زیرا او اصلاً بیعت نکرده بود تا از بیعت یزید خارج شود. سوماً: حدیث صحیح داریم که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) با نام و نشان، حسین را سرور جوانان در بهشت میداند. پس چگونه ممکن است که کسی بر جاهلیت بمیرد و در همان حال در بهشت، سرور و آقا باشد؟ (۳) پس

۱-۲۴ به این اتهام در فصل بعد پرداخته شده است. و معلوم شده که این جمله را امویان به امام نسبت داده اند تا نشان دهند بین امام و یزید مشکلی نبوده است. در حالیکه انبوه سخنرانی های امام در طول قیام بر خلاف این اتها کذب است.

۲- تناقضی جالب در اینجا وجود دارد: مگر در یک زمان می توان با دو نفر بیعت کرد. و در صورت تحقق چنین امری معیار تشخیص حق و باطل چیست؟ و یا اصولاً هر دو بر حق هستند؟ و یا ...

۳- این سخن نمونه از تناقض های وهابیت در مقام جمع بین روایات گوناگون نبوی است. و همین نبود هندسه جامع و تلاش برای جمع بین اهلیت غیر معصوم و امویان برحق یکی از زمینه های طنز وهابیت است که می تواند مورد برنامه سازی قرار گیرد.

ناممکن است بتوانیم این حدیث (مردن بر جاهلیت را) بر کار حسین تطبیق دهیم. البته هیچ عالمی از ما نیز چنین تأویلی نکرده و در کتب ما چنین چیزی نیست. (۱) فقط جسته و گریخته از نادانان چیزهای شنیده‌ام. و حرف نادان چه ارزشی دارد؟

کوشش یزید برای نیامدن حسین رضی‌الله عنه به کوفه

شاید هیچ شیعی‌های نداند که خود یزید نیز سعی کرد تا حسین را از رفتن به کوفه بازدارد. پس نامه‌های به ابنعباس نوشت که در آن وقت، بزرگ بنیه‌اشم و داناترینشان بود. و با لطف و نرمی، از او خواست مانع از کارهای حسین شود و اجازه ندهد به کوفه برود. به ابنعباس نوشت که تو اهل کوفه را میشناسی (۲). در نامه شعری طولانی هم به عربی نوشت که بین ما و شما خویشاوندیست و از این حرفها. ابنعباس در جواب نوشت: «من سعی خود را میکنم تا حسین را از کارش منصرف کنم.» از نامه‌ی یزید در میابیم که او در توطئه‌ی بهدام انداختن حسین در کوفه نقشی نداشته (۳) و فراموش نکنیم که مکه هم تحت سلطه یزید بود. البته

۱- نکته جالب در این زمینه این که وهابیت با فرار از بحث شرایط امام و خلیفه، معتقد به امامت شرعی هر فاسق و فاجری است. و در نتیجه در تحلیل قیام امام در پارادوکس می افتد. و یا امروزه در جریانی مثل سوریه از توجیه مخالفت با حکومت مرکزی سوریه و یا تعدد حکومت‌ها در جهان عرب و تعدد خلیف‌ها در می ماند. پس در این ادعا به راحتی می تواند تناقضات کلامی و تاریخی و میدانی وهابیت را به نمایش گذاشت.

۲- مغالطه‌ای که هدفش نمایش جامعه کوفه مستقل از جریان خلافت است. و گوئیا کوفیان مردمانی خود سر بودند که حتی تحت فرمان یزید هم نبودند و....؛ در این زمینه رک به فصل سه و شبهه کوفیان امام کش تا معلوم شود که کوفه شهری شیعی بوده و یا شهری برآمده از طراحی اجتماعی خلفا می باشد.

۳- در این زمینه رک به کتاب طرح و تحقیق فیلمنامه امام حسین، فصل‌های معاویه شناسی و یزید شناسی تا تفاوت شخصیت تاریخی یزید و شخصیت او در قرائت وهابی معلوم گردد.

ص: ۶۰

درست است که قداست مکه، مانع از حمله به حسین بود، اما باز باید قبول کنیم که یزید دلش نمیخواست علیه حسین شدت عمل بهخرج دهد. شاید که یزید میدانسته در جنگ با حسین، در هر حال، خودش هم بازنده میشود.

سوء استفادگی شیعه از قتل حسین

شهادت حسین یک سانحه عظیم در تاریخ اسلام است. اما از این بدتر هم اتفاق افتاد. بدتر، همانا سوء استفادگی شیعهها از این مصیبت برای پیشبرد اهداف خودشان است. شیعه برای رسیدن به این هدف، در نقل حادثه، غلوهای زیادی کرده است. مثلا میگوید زنان و کودکان حسین اسیر گشتند و به آنها بیاحترامی شد. این ادعا سراپا دروغ است. نه عمر بن سعد به آنها بیاحترامی کرد، نه ابنزیاد به آنها توهین نمود. (۱)

یزید هم به بهترین صورت از آنها استقبال کرد. وقتی دختر حسین گفت: ای یزید! آیا آل محمد را به کنیزی میگیری؟ یزید جواب داد: نه! که آزادگانی گرانقدر هستند. به پیش دختران عمویت برو و بین حال آنها چون حال توست. منظور یزید از دختران عمو، زنان خاندان ابوسفیان بود. زیرا فراموش نکنیم که بنیامیه و بنیهاشم هر دو از قبیلهی قریش، و با هم فامیل هستند. فاطمه دختر حسین میگوید: داخل خانه شدم و یک زن از زنان آلسفیان را ندیدم. مگر آنکه گریه میکردند و اشک میریختند. اما شیعه کارش دمیدن در فتنه است و دروغهایی می گوید که بعضی از این دروغهای زننده هم توهین به اهلیت است.

۱- پارادوکس جالب وهابیت این است که در عاشورا هیچ توهین و جسارت و جنایتی نبوده است؟ پس آیا قتلی هم نبوده است؟ آیا شهدای کربلا را با احترام سر بریده اند؟ و یا این که چرا در جایی دیگر جنایت گری ها را تنها به کوفیان نسبت داده اید.

ص: ۶۱

اما چرا یزید دستور داد تا اهل بیت حسین و اهل خانه یارانش به شام بیایند؟ برای این که مبادا در برگشت به آنها بیاحترامی شود (۱). بهدستور یزید آنها با احترام به شام برده شدند و یزید پیکری برای بزرگان بنی‌هاشم فرستاد و دستور داد تا ریش سفیدان و پیران آنها بیایند، و در برگشت همراه اهل بیت باشند و بهترین سواری را برایشان فراهم کرد و پول فراوان، برای راحتی خرج و مخارج سفر به آنها داد، و برای محکمکاری، سی نفر از سواران بنی‌امیه را همراه کاروان کرد. و گفت: شما فقط همراه هستید، در کار آنها دخالت نمیکنید. هر جا استراحت کنند، یا هر وقت حرکت کنند، شما حق حرف زدن ندارید. فقط همراه باشید تا به مدینه برسند. اهل بیت حسین را، کسی از خانه‌هایشان اسیر نکرده بود. حسین خودش آنها را همراه خود آورد. اگر در صحرا رها میشدند خوف هلاکت آنها می‌رفت. چون مردی همراهشان باقی نمانده بود. (۲)

بنابراین هدایت آنها به کوفه، و بعد به شام از سر ناچاری بود. وقتی مرد کسی را میکشی باید زنش را تحت حمایت بگیری تا به جای امن خود برگردد. حالا یزید این کار را برای الله کرد، یا نیتش بستن زبان مردم بود، این مهم نیست.

مهم این است که با اهل بیت حسین، خوشرفتاری شد. حتی ابنزیاد

- ۱- مگر در آن زمان بین جنگجویان و مردم تفاوتی بود. مگر همگی مردم جامعه اموی نبودند، حالا چطور شده که سربازان اموی از مردم نسبت به اهل بیت دلسوزتر شده‌اند؟
- ۲- مغالطه فراافکنی جنایت‌ها به سوی امام، یعنی امام چون آنها را به کربلا- آورد پس خودش مقصر است؟؟؟؟!! در زمینه علت همراهی اهل بیت با امام، رجوع کنید به کتاب آئین برنامه سازی محرم، تا معلوم شود اهداف امام از آوردن اهل بیت چه بوده و چگونه ایت راهبرد موجب خشم وهابیت قرار گرفته است چرا که آنان تحمل رسوایی امویان را ندارند

ص: ۶۲

سختگیر همین که زنان را در کوفه دید، دستور داد تا به ایشان خاکی جدا بدهند و غذا برایشان میفرستاد.

پس آنچه که روحانیون شیعه سر منبرها با صدای سوزناک میگویند، فقط برای تحریک احساسات مردم است و حرفهایشان حقیقت ندارد. فراموش نکنیم که یزید هرگز از مرگ حسین اظهار خوشحالی ننمود، بلکه گریست و ابنزیاد را لعنت کرد. پس به مصلحت او نبود که مردم را بیشتر عصبانی کند.

ما نمیگوییم یزید از قتل حسین مبراست، بلکه او مسبب اول و اصلی است. در زمان خلافت او این کار شد. ما او را گناه کار اول میدانیم، اما میگوییم که حتی برای ظاهرسازی هم که شده، باید با کشتن حسین، خود را مخالف نشان میداد و با اهلیتتش خوشرفتاری مینمود. ما میگوییم شیعه بیجهت دارد موضوع را بهطرف دیگر برمیگرداند و دروغهای شاخدار میگوید. (۱)

حرکت حسین بسوی کوفه

هشتم ذیحجه در حالیکه حاجیان میرفتند به منی، حسین بهسوی کوفه حرکت کرد و این نشان از این دارد که او عجله داشت. والا میتوانست این کار ۵ روز بعد، یعنی پس از مراسم حج انجام دهد، والی مکه او را از سفر منع کرد. حسین گفت: «لِی عَمَلِی وَ لَکُمْ عَمَلُکُمْ أَنْتُمْ بَرِئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ» (یونس، ۴۱) عمل من برای من، و عمل شما برای شماست! شما از آنچه من انجام می دهم بیزارید و من (نیز) از آنچه شما انجام می دهید بیزارم.» گفتن این آیه در جواب والی،

۱- در این زمینه رک به فصل بعد، شبهه فرهنگی

نشان از خشم و ایضا اراده‌ی حسین دارد. همچنین نشان‌دهنده‌ی این است که در مکه و مدینه بنیامیه چندان قوی نبودند و حسین و دیگران آزادی عمل بیشتری داشتند. (۱) خبر حرکت حسین، از هیچکس پنهان نماند و ابتزاید، تدابیر امنیتی زیادی را به‌کار بست. خلیه‌ها را گرفت و بست، و به خلیه‌های دیگر پول داد تا با یزید همراه شوند و راه خروج کوفه و بصره را نیز بست، تا حسین از اوضاع کوفه باخبر نگردد.

در یک ایستگاه معروف بین مکه و کوفه، یعنی در منطقه‌ی (شراف) خبر قتل مسلم و هانی و عبداللهبن بقطر و خیانت اهل کوفه به حسین رسید. خبر بسیار تکانه‌دهنده و دردناک بود. حسین که خیانت شیعه را در کوفه دید (۲) به یارانش گفت: هرکس می‌خواهد، می‌تواند برگردد. خیلی‌ها برگشتند و ناصحان گفتند: ای حسین! تو هم برگرد. ولی برادران مسلمبن عقیل گفتند: والله بر نمی‌گردیم (۳) تا انتقام خون برادر خود را نگیریم، و یا که شهید شویم. مردم از دور حسین پراکنده شدند و فقط کسانی با او ماندند که در مکه با ایشان همراه شده بودند.

حسین به حرکت خود به جلو ادامه داد که ناگهان یکی از سربازانش فریاد زد نخلی میبینم. آن نخل نبود، حرین یزید با لشکریانش بود. حر با هزار سوار آمد و به حسین گفت: مأمورم بمرمت کوفه. حسین گفت: نه! بلکه برمیگردم به مکه. حر گفت: این ممکن نیست. حسین صندوق بیعت نامها را به حر نشان داد. حر گفت: من خبر ندارم باید با من بیایی

۱- در این زمینه رک به کتاب طرح و تحقیق فیلمان امام حسین، فصل‌های جامعه‌شناسی مکه و مدینه؛ تا معلوم بگردد پس از رحلت پیامبر اهلیت او در حجاز چه جایگاهی داشتند.

۲- رک: همان؛ فصل کوفه‌شناسی و همین اثر فصل بعد، شبهه کوفیان ...

۳- در این شبهه اتهام امام منفعل و ار پذیری او از شرائط مطرح شده است. در این زمینه رک به کتاب آئین برنامه‌سازی محرم. و تمامی روایات نبوی که از قبل مسیر قیام را برای امام معرفی کرده و این روایات در منابع فریقین است.

کوفه. حسین گفت: نمی‌آیم! حر نصیحتش کرد که جنگ کنی میمیری، از خدا بترس. چون عزم حضرت حسین را دید گفت: پس نه بیا کوفه، نه برگرد به مدینه، تا من از ابنزیاد کسب تکلیف کنم. حسین قبول کرد و راه خود را بهطرف کربلا کج کرد.

جالب است که بدانیم، اوقات نماز، این دو گروه یکجا جماعت میخواندند و پیشنهاد هم حضرت حسین بود. این نشان میدهد که جنگ آنها مذهبی نبوده و ناممکن است (۱)، چون حسین با دست باز نماز میخوانده و پشت سرش یزیدیان با دست بسته، این مذهب فقهای شیعه، قرن‌ها بعد به میان آمد.

در کربلا، لشکر عمر بن سعد و شمر بن ذی‌الجوشن و حصین بن تمیم با حسین روبه‌رو شدند. فقط سعد ۴۰۰۰ سرباز داشت که قرار بود برود ری، امارت آنجا را بگیرد و با دیلمیان بجنگد، اما ابنزیاد از او خواست که نخست کار حسین را یکسره کند. چون عمر بن سعد قبول نکرد ابنزیاد گفت: سه کار باهات میکنم: از امارت ری عزلت میکنم و میکشمت و خانها را به آتش میکشم! و عمر بن سعد با اکراه قبول کرد که به جنگ حسین برود.

مذاکره ی عمر بن سعد و حضرت حسین

حسین به دو صندوق بزرگ اشاره کرد و گفت: من بهدعوت اهل

۱- مغالطه وهابیت برای معرفی تمامی جنگ های امام علی و امام حسن و امام حسین به عنوان یک سوء تفاهم، در حالیکه مطالعه سخنان دو جبهه حق و باطل در تمامی این رویدادها حاکی از جنگ دینی به معنی درگیری حق و باطل است. در این جا نکته دیگر این که مرام و معرفت حر بن یزید ریاحی در حضور در نمازهای امام را نباید به پای امویان نوشت. این هم مغالطه دیگری است که

...

ص: ۶۵

کوفه آمدم حالا که نمیخواهند برمیگردم مدینه . عمر بن سعد برای ابنزیاد، این سخن حسین را نوشت. ابنزیاد که نامه‌ی سعد را دید شعری خواند که معنایش این بود: حالا که بگير من افتادی، داد و فریاد بیفایده است و راه نجاتی نداری! و در جواب نامه‌ی سعد نوشت: بسم الله الرحمن الرحيم. نامه‌ی تو به من رسید. فهمیدم چی نوشتی. به حسین بگو با یزید بیعت کند. بعد از این بیعت، ما دربارهی او تصمیم میگیریم. والسلام.

عمر فهمید که ابنزیاد صلح نمیخواهد و حسین قبول نکرد. اما چون دید اوضاع خطرناک است، به ابنسعد پیشنهاد دیگری کرد. به عمر بن سعد گفت: بگذارید پیش یزید بروم یا بروم در مرزی از مرزها برای جهاد.

این پیشنهاد حسین رضی الله عنه، چند نکته را برایمان روشن میکند و آن اینکه حسین حالا حس کرد که شاید کشته شود، اما میدانست که یزید او را نخواهد کشت. برای همین میخواست پیش او برود. عمر بن سعد برای ابنزیاد نوشت که مشکل دارد حل میشود، حسین میخواهد برود پیش یزید، باید که موافقت کنی و ابنزیاد موافقت کرد. اما شمر که در مجلس ابنزیاد نشسته بود گفت: این درست نیست! باید حسین تسلیم تو شود و تو او را بفرستی پیش یزید. ابنزیاد به عمر بن سعد همین را نوشت که حسین باید تسلیم شود. حسین گفت: نه. والله، می جنگم و تسلیم نمیشوم.

جنگ و شهادت حسین

صبح روز جمعه ۱۰ محرم سال ۶۱ دو لشکر عزم جنگ کردند. نفرات حسین خیلی کم بودند، زنان را پشت سر گذاشت و در پشت سر، آتش

روشن کردند تا از عقب مورد حمله قرار نگیرند و جنگ شروع شد. حسین به یارانش گفت: می‌توانید بروید. اما یکی هم نرفت و با سلحشوری جنگیدند تا همه مردند. حسین در آغاز، در جنگ شرکت نکرد. اما آخر کار، شمشیر به‌دست گرفت و با حرارت جنگید. از لشکریان سعد کسی جرأت نکرد که او را بکشد و همه خود را از او دور می‌کردند. اینجا شمر ترسید اوضاع منقلب شود پس داد زد معطل چیستید؟ بکشیدش. زرعه‌بن شریک تمیمی ضربهای به حسین زد. ضربهی دوم را سنان‌بن انس زد که به سر حسین اصابت نمود و گفته میشود که عمرو بن بطار او را شهید کرد و گفته میشود که سرش را شمر از بدن جدا کرد و برای ابنزیاد فرستاد. از یاران حسین ۷۲ نفر شهید شدند و از سربازان عمر سعد ۸۲ نفر به هلاکت رسیدند. بعد از شهادت حسین، عمر بن سعد اجازه نداد کسی وارد خیمه‌ی زنان حسین شود و زنها و بچه‌ها را به پیش ابنزیاد فرستاد.

سخنان شیعه‌ها در سر منابر، در خصوص حمله‌ی سربازان به زنان، یاوه‌گویی است و فقط برای تحریک بیشتر احساسات مردم این دروغها را می‌گویند. در این جنگ، فقط حسین شهید نشد. بلکه ۱۸ نفر از اهل بیت رسول‌الله صلی الله علیه وسلم شهید شدند. از پسران عقیل ۴ نفر، و از اولاد علی ۶ نفر یعنی حسین و ۵ برادرش. شیعه‌ها فقط عباس علمدار را می‌شناسند. اما حسین برادری به نام ابوبکر و برادری به نام عثمان و برادری به نام محمد هم داشت. حالا- شیعه نام ابوبکر و عثمان را ذکر نمی‌کنند، با نام محمد چه دشمنی دارد که فقط از بین برادران حسین که در کربلا شهید شده‌اند فقط از عباس نام می‌برد؟ از اولاد حسین دو نفر، و از اولاد حسن، سه نفر شهید شدند که باز نام یکی از

ص: ۶۷

آنها ابوبکر بود و از نوه‌های جعفر بن ابیطالب، دو نفر، جان به جان آفرین تسلیم کردند.

آسیبشناسی این روایت

دقت در این گزارش تاریخی نشان می‌دهد که در قرائت وهابیت از تاریخ، تلاش میشود تا فرایندی ترکیبی از مبانی کلامی و تاریخی بر واقعیات تاریخی تحمیل گردد، تا مبتنی بر نوع قرائت خاص، ضمن نشان دادن جانبداری حداقلی نسبت به شهادت امام، این رویداد را از هرگونه حاملهای فرهنگی تهی سازد.

برای تحقق این هدف در این روایت، ابتدا تلاش میشود که در روایت تاریخی، یکسویه نگری حادثه، آن هم از زاویه امام و یارانش به مخاطب ارائه شود تا این روایت به کمرنگسازی نقشهای جبهه باطل منجر شود. سپس در مقام تحلیل رویداد و از منظر مبانی بینشی سعی میشود تا تصویری سکولار از امام و قرائتی زمینی از عاشورا ارائه گردد. در واقع، در این روایت اصولاً چیزی به نام درگیری حق و باطل معنا ندارد. (۱)

۱- البته اهل سنت در جنگهای امام علی علیه السلام با دشمنانش، بهصراحت معتقد به مراتب مختلف حقانیت بین دوطرف هستند. مثلاً در جنگ صفین، هم علی و هم معاویه اجتهاد کردند. منتها امام در اجتهادش بر حق، و معاویه در اجتهادش صرفاً بر خطا بوده است؛ نه اینکه او بر باطل باشد. چرا که آنها هر دو مسلمان و از صحابه هستند. ولی در مورد داستان عاشورا، این دفاع از یزید، نزد علمای اهل سنت دچار سرگردانی در نگرش است. عدهای او را تکفیر و لعن میکنند، عدهای ساکت بوده و عدهای او را مانند معاویه، مجتهد مخطئ میدانند. ولی وهابیت همگی از یزید دفاع کرده و او را مسلمان و غیرقابل لعن و دارای اجتهاد خطا در این ماجرا میدانند. ضمن اینکه امروزه زمزمه اشتباهات امام حسین در قیامش بهتدریج ورد زبان وهابیت شده است. در دیدگاه آنها امام هم بر خلیفه وقت خروج کرده و هم یک جنگ بیفایده را راه انداخته است. «مجموع فتاوی ابنتیمیه»، ج ۴، ص ۴۸۱-۴۸۴. و «نگرشی نو به تاریخ صدر اسلام»، عثمان بن محمد الخمیس، ترجمه: إسحاق بن عبدالله العوضی، ص ۱۵۰ به بعد.

ص: ۶۸

سپس در بستر تهی سازی امام حسین و عاشورا از تمامی ظرفیتهای قدسی و آسمانی، تلاش میشود تا تمام بنیانهای فرهنگی عاشورا بهطور کلی تخریب شده و عاشورا تبدیل به یک مسئله تاریخی ساده گردد؛ که هرچه از آن کمتر بدانیم به صلاح امت اسلامی باشد. پس در این قرائت فرایند زیر انجام می گیرد:

فرایند

روایت تاریخی حداقلی

تهی سازی قدسی

نفی کارکردهای فرهنگ سازی

نمونهی شبهات

- اختلاف سیرهی تاریخی حسنین در موضوع واحد.
- خطای برداشت امام، در فهم واقعیات کوفه و کوفیان.
- امام قدرت بر قیام و شرایط آن را نداشت ولی قیام کرد.
- در نبرد عاشورا هیچ جنایت و اهانتی صورت نگرفته است.
- امام غیب نمیدانست.
- امام به نصایح صحابه‌های که همتراز او بودند توجهی نکرد.
- حادثهی سوء برداشت بین دو طرف همانند سوء برداشتهای دشمنان امام علیه السلام علی بود.
- حال که چنین است دلیلی برای یادکرد عاشورا در هر سال وجود ندارد.
- و هر عملی که به نام یادکرد عاشورا صورت بگیرد، بدعت است.

۴. منطق فهم دین و روش شناسی کشف شبهه

اشاره

۴. منطق فهم دین و روش شناسی کشف شبهه

در مواجهه با شبهات، ساده‌ترین روش مواجهه، تلاش برای یافتن جوابهای نقضی است. در این روش بهجای حل اشکال، تلاش میشود بر مبنای پیشفرضهای شبهه‌ساز و فتنه‌گر، مصادیق و موارد نقض را در مذهب و آئین او یافت و آنگاه خود را از شر هجومهای سنگین او رها کنید.

این روش وقتی کارائی دارد که هدف شبهه، فقط دفع فتنهی شبهه‌گر باشد. ولی امروزه که شبهه‌سازی از جهت کارکرد مبتنیبر ابزارهای رسانهای نقش تخریب مبانی و ارزشها و جامعه‌ی حق را دارد. در مقام حفظ جامعه‌ی ایمانی و یا در مقام باز کردن راه برای جهانی‌سازی دین حق، روش شبهه‌ستیزی مبتنیبر جواب نقضی، به تنهایی کارائی ندارد و کارکرد جوابهای نقضی به حداقل درجه‌ی اثرگذاری تنزل مییابد.

پس مبتنیبر ضرورت دفاع و تبلیغ جهانی همزمان از دین و مذهب حق در برابر شبهات، باید بهدنبال یک نظام روش پاسخدهی غالب بود.

مهمترین هدفی که در جستوجوگری از نظام پاسخجویی جامع انتظار میرود، پویاسازی دینداران در مواجهه با کلیت شبهات ضددینی است. یکی از مشکلات فرهنگی در جامعه‌ی حق این است که در صورت مواجهه‌ی حداقلی با شبهات، اگرچه میتوان بعضاً و

ص: ۷۰

به صورت مقطعی پاسخ برخی از شبهات را داد، ولی نمیتوان به طور کلی دینداران را در برابر امواج جدیدتر و مدرنتر شبهه، واکنش کرد. خصوصاً که در فرایند تاریخی پیشرفت فرهنگی، حتی شبهات هم یک سیر ترکیبی-تکاملی دارند و با هر ضربهای که از جبهه حق دریافت میکنند، سعی میکنند خود را پیچیده‌تر و علمیت‌تر و گسترده‌تر سازند.

پس در مواجهه با شبهات، ابتدا جستوجو از یک معیار جامع کلی برای محک و ابطال‌سازی کلیت شبهه ضروری است. روشی که در عین جامعیت، فراگیر بوده و قابلیت استفاده برای همه و یا اغلب دینداران را داشته باشد.

اینک به جای معرفی مصداقی شبهات و ارائه پاسخی پراکنده به معرفی معیار و ملاک و محکی مهم در مواجهه با هر شبهه و بلکه در مقام هجوم به هر مدعی مذهب و دین و فرقه می‌پردازیم. این روش، روش دین‌پژوهی و شبهه‌ستیزی فطری می‌باشد. روشی که مبتنی بر این دیدگاه است که چون حق، یکی بیشتر نیست (۱) و باطل دارای تکثر است؛ پس وقتی برای شناخت حق واحد، معیار داریم، نیازی نیست در مواجهه با تکثر باطل به مطالعه تفصیلی بپردازیم.

در تاریخ مواجهه حق و باطل، همواره شاهد یک راه حق-فقط-و

۱- این دیدگاه مبتنی بر این اصل است که چون خداوند واحد است و نظام توحید در جهان هستی وجود دارد، پس حق هم جز یکی نخواهد بود. در برابر این دیدگاه، نظریه کلام جدید: پلورالیسم دینی است که قائل به تکثر حق می‌باشد. در این دیدگاه، اصولاً حق محض، ضرورتی ندارد و یا قابل شناخت نیست. ولی از آنجا که هر فرقه‌های دارای بهره‌ای از حق است، پس حق هم همانند باطل میتواند متکثر باشد. در این زمینه ن.ک: «پلورالیسم دینی از منظر قرآن و سنت» از محمد ولی خواه.

ص: ۷۱

فراوانی راههای باطل بوده و هستیم. بر این مبنا باطل، تمامی راههای غیرحق را دربر میگیرد و از آنچه که اندکی از حق فاصله دارد تا آنچه که در ضدیت تام و تمام با حق است را شامل میشود. در این مواجهه، مشکل وقتی بیشتر است که درصد درهم آمیختگی حق با باطل بیشتر باشد. زیرا آدمی دارای فطرت حقطلب است و براساس آن، از باطل محض گریزان است. امام علی در همین زمینه میفرماید: «إِنَّمَا يَدُءُ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تَتَّبِعُ وَأَحْكَامُ تُبْتَدِعُ يُخَالِفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ وَيَتَوَلَّى عَلَيْهَا رِجَالٌ رِجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِزَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخْفَ عَلَى الْمُزْتَادِينَ وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لِبْسِ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَايِدِينَ وَ لَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِعْفًا وَ مِنْ هَذَا ضِعْفًا فَيُمَزَّجَانِ فَهَذَا لِكَيْ يَسْتَوَلِيَ الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ وَ يَنْجُو الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسَيْنِي؛ (۱) آغاز ظهور فتنه ها همانا پیروی از هواهای نفسانی (پست و آرزوهایی است که از نفوس شریر و هواپرست برمی خیزد) است. و احکام باطلی است که نوبه نو ظهور می کند. که در اجرای آن مخالفت با کتاب خدا شروع می شود و مردمانی متولی آن احکام نو ظهور می شوند و بر غیر آیین خدایی دست به دست تولیت آن را به یکدیگر می سپارند. پس اگر باطل از آمیختگی با حق جدا شود بر مردمی که در اندیشه و جستوجوی حقتند پوشیده نمی ماند و اگر حق از لباس باطل برهنه و خالص شود، زبان دشمنان حق از آن بریده گردد. ولی (برای فریب در میان توده) مشتبی از باطل و مشتبی از حق گرفته و با هم مخلوط می گردد. در اینجاست که شیطان (دستاویزی به دست آورده) بر اولیای خود مسلط می شود. در این هنگام فقط کسانی نجات می یابند که از جانب خدا نیکی برایشان پیشبینی شده است.»

ص: ۷۲

برای حق و باطل‌شناسی باید در جستوجوی یک روش جامع و کامل و فراگیر بود، تا ناچار نگردیم در هر هجوم جدید باطل و در هر شبهه‌افکنی آن، دچار تحیر و سرگردانی شویم. برای رسیدن به نظام پاسخگویی جامع، باید دانست که این روش جامع بر سه‌گانگی زیر استوار است:

چرا که شبهه، گزاره‌های پیچیده و مغشوش است که هدفش گمراه سازی مخاطب انسانی است. پس برای خنثیسازی آن در یک فرایند معکوس، باید از یکسو حقیقت ماهیت وجود انسانی را شناخت، تا دانست حق و باطل در موضوع شخصیت و زندگانی آدمی چیست. آنگاه در مقام کشف نوع و درجه‌ی پیچیدگی غل و غش شبهه، باید با دانش ضدشبهه (مغالطه) آشنا بود؛ درنهایت ابزار خنثیساز است، یعنی گزاره‌های علمی و متقنی که نقشی ابطال‌پذیری گزاره‌ی شبهه‌ناک را بهعهده دارند؛ گزاره‌هایی که ناظر به تنوع مسائل آدمی و تنوع شبهات، به گستره‌ی تنوع علوم انسانی و علوم دینی مییابند. در روش‌شناسی مواجهه با شبهات، باید به سه مورد توجه داشت:

۱۴. ضرورت توجه به دین پژوهی فطری، به مثابه ی معیار حق و باطل شناسی

۱۴. ضرورت توجه به دین پژوهی فطری، به مثابه ی معیار حق و باطل شناسی

امروزه اینترنت و ماهواره یکی از دردسرهای آخرالزمانی شده است. تا

دیروز یک نفر در طول صد سال عمر خود، اگر با انواع و اقسام ادعاها هم روبه‌رو میشد، به‌زحمت از تعداد انگشتان دستش تجاوز میکرد. ولی امروزه در زیر سایه‌ی فضای مجازی با کمک امواج و سیمها، از چهارطرف و بالا و پائین، بلکه در جایجای خانه و محل کارش پر شده است از بازار پر سر و صدای مدعیان داخلی و خارجی و شرقی و غربی، اسلامی و غیراسلامی.

حال این پرسش مطرح است که: در این شلوغ بازار، آیا یک راهکار جامع و کلی که بتواند برای همگان راه را از بیراهه پیش روی ما بگذارد، وجود دارد؟ وقتی هم عقل و هم ادیان آسمانی همه ی ما را به دین‌پژوهی علمی و تحقیقی دعوت میکنند، معنایش چیست؟ آیا به این معناست که باید تکتک مدعیان و ادعاها را زیر ذرهبین قرار داد؟ یا معنایش ضرورت وجود داشتن یک معیار جامع دین‌پژوهی است؟

در این شرایط، هر راهی که آدرس به اینطرف و آنطرف بدهد باعث سرگردانی بیشتر است. زیرا وقتی هدف راه حق و مهمی این مدعیان باطل، معرفی راه سعادت و کمال و رشد پیش روی ما است، به نظر میرسد که اگر نگوئیم تنها راه بلکه بهترین راه برای به‌دست آوردن معیار و میزان تشخیص حق و باطل در مسیر زندگی و انتخاب حق، خودمان باشیم. یعنی چون هدف این همه سر و صدا، خود من هستم پس چه معیاری بهتر از خودم. این همان است که در دین می‌گویند: «من عرف نفسه فقد عرف ربه» (۱) هر کس خودش را شناخت همانا خواهد شناخت. مبتنی بر این روش

۱- شرح غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۳۲. در همین زمینه قرآن می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (مائده، ۱۰۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید مراقب خودتان باشید. اگر شما خود هدایت یافتید، کسی که گمراه شده به شما زبانی نمی‌رساند. بازگشت شما به سوی خداست پس شما را از آنچه می‌کردید آگاه نمود.» البته در روایات گوناگونی در ذیل حدیث فقد عرف ربه، فقد عرف قدره، ... آمده است.

میتوان برای هر انسانی براساس خودشناسی، معیارشناسی جامعی را تعریف کرد که اصول کلی این روش اجمال چنین است:

اصل اول: خودشناسی جامع؛ معنی خودشناسی این است که تمامی آنچه که از ابعاد وجودی قوا و استعدادها و ظرفیتهای که در درون ما است را بشناسیم. چرا این کار را بکنیم؟ برای اینکه سعادت و کمال به معانی شکوفا نمودن هر آنچه استعداد و قابلیت است که در درون ما وجود دارد. پس شرط اول شناختن کامل، شناخت تمامی ظرفیتهای انسانی خودمان است. برای این مهم باید جدولی کامل از ظرفیتهای وجودی خود، با عنوان جدول انسانشناسی تهیه کرد.

البته هریک از این ابعاد، خود زیر مجموعههای فراوان دارد و دانستن آن مجال دیگری میطلبد. ولی باید دانست فردی که انسانیت خود را

پذیرفت، باید تا وقتی که به رشد جامع نرسد از پای ننشیند. به‌عنوان نمونه در همان تقسیم‌بندی اول که تقسیم‌بندی آدمی به جسم و روح است، باید بدانند معنای این تقسیم‌بندی این است که هر انسانی اگر خودش را در نظر بگیرد، و به مطالعه‌ی خود، فارغ از هر چیز دیگر پردازد می‌فهمد که جسم برایش جایگاه و کارکرد ساختارزایی و ابزاری دارد و موتور محرکه و نرم‌افزار آن روح و گرایش‌های فطری روح است. مسئله‌ی فطریات چیزی است که در نگاه دینی برای تعریف انسان و در تعریف روش دین‌پژوهی جایگاه مهمی می‌یابد. زیرا تمامی زندگی آدمی و تمامی اعضا و جوارح آن را همین فطریات است که مدیریت می‌کند.

پس در مقام انسان‌شناسی، شناخت فطریات بسیار ضروری است. جدول فطریات در آدمی چنین است (۱):

۱- از جهت مدرک و استناد این تقسیم‌بندیها، معیار علم حضوری و وجدانی هر انسانی به ظرفیتهای وجودی خود است. ولی برای مطالعه‌ی علمی بیشتر در این زمینه، ر.ک: مجموعه آثار شهید مطهری، بحث فطرت و تفسیر علامه طباطبائی، ذیل آیهی فطرت: روم، ۳۰.

در جمع بین این دو جدول است که هویت وجودی آدمی و مسائل زندگی او و دامنه‌ی سعادت و کمال تعریف می‌گردد و دقت در این دو جدول و کمی تلاش برای فهم روابط بین این ابعاد است که نشان می‌دهد چگونه بسیاری از انسانها دچار از خودبیگانگی هستند و معلوم می‌سازد که به‌موازات غفلت از معرفت وجودی (بما هو هو؛ ادراک ذاتیات مشترک انسانی) چهقدر از شناخت جایگاه خود، در بستر زمان و مکان هم فاصله داریم. (۱)

در این مرحله لازم است که فرد در بازشناسی خود، در حوزه‌های سه‌گانه‌ی انسانشناسی ذاتی (جسم و فطرت و جنسیت و رشدشناسی، ...) و انسانشناسی تاریخی (سیر تاریخی حق و باطل در زمانه‌ی معاصر) در نهایت تا آنجا که امکان دارد با کمک عقل، علم و دین سعی کند به بیشترین شناخت از خودش و واقعیت‌های پیرامونش بپردازد.

اصل دوم: نیازشناسی کامل و فراگیر؛ اگر جدول انسانشناسی و یا خودشناسی کامل باشد، فایده‌اش این است که هر فرد انسانی را با دامنه‌ی نیازها، خلأها و فرصت‌های پیش روی زندگیش آشنا میکند. یعنی به او نشان می‌دهد که در مسیر سعادتجویی و کمالخواهی، به ظرفیتها و تواناییها میتواند رشد بدهد.

۱- زیرا کمال و سعادت اموری انتزاعی و کلی نیستند و در بستر واقعیات وجودی آدمی باید محقق شوند و از آنجا که هویت زمینی آدمی در تعیین زمانی و مکانی قرار دارد. پس در انسانشناسی و در مقام تعریف معیار کمال هم در کنار خودشناسی و انسانشناسی ذاتی، انسانشناسی تاریخی و جغرافیایی هم باید صورت بگیرد. مبتنی بر این نگاه است که معیار سبک زندگی دینی-شیعی، بر تولی و ارتباط پیوسته معرفتی، ایمانی، رفتاری دیندار با ولی زمانه تعریف میشود. هرگاه یک دیندار در عین ادعای دینورزی، احساس و یا ادعا بینازی نسبتبه معصوم را نماید، از نگاه دینی دچار لغزش و ریزش و انحراف و تحریف شده است.

درست همانند وقتی که فردی با جسم خود آشنا میشود بهطور همزمان به مسئلهی غذا، لباس، خواب، ورزش، سلامتی و بهداشت آن توجه دارد، همانگونه است شاخه‌های دیگر این نیازشناسی که ضرورت توجه و برنامه‌ریزی را بر همه‌ی نیازهای خرد و کلان درونی انسان اثبات میکند.

اصل سوم: ساماندهی جدول نیازها؛ وجود آدمی تقسیم بندی های فراوان دارد. از جدول انسانشناسی گرفته تا تقسیم بندی سهگانه‌ی دینی آدمی به سطوح تو درتوی (ابعاد معارفی، ابعاد ایمانی، ابعاد رفتاری). همه‌ی اینها معنایش این است که پس از فهم دامنه‌ی نیازها، ضرورت دستبندی و اولویتبندی نیازها، وظیفه‌ی بعدی هر انسانی است. براساس این اولویتهای است که نقطه‌ی شروع حرکت برای حق و باطلشناسی و شناخت مسیر کمال تعریف میشود و آدمی میتواند گام بهگام بهسوی کمال و رشد جامع برسد. نمونه‌ای از ابعاد وجودی و استعدادهای انسانی که تعریفگر دامنه‌ی نیازهای کلی انسانی است:

دقت در جدول نیازها دو نکته را یادآوری میکند. اول توجهی به مسئله‌ی تنوع نیازهاست که نیاز به برنامه‌ی جامع پاسخ را اثبات میکند. یعنی راه نجات و کمال فقط راهی است که برای همگی پرسشهای آدمی - فارغ از مسئله‌ی اولویتها- پاسخ داشته باشد. مسئله‌ی دیگر: توجهی به ضرورت هندسه و نظام متعادل و معقولانه‌ی در مقام اولویتبندی بین نیازها میباشد.

اصل چهارم: آغاز حرکت و داشتن یک عمر زندگی فعال و پویا؛ فرایند حرکت از جدولهای انسانشناسی به جدول نیازشناسی اگر درست انجام شود، خواب و راحت را از آدمی خواهد گرفت و خود به خود او را به حرکت درخواهد آورد. اینجاست که آدمی به جای زندگی انفعالی و وادادگی، خود به کنشگر فعالی تبدیل میگردد که فقط می خواهد بداند، داشته باشد و ارتقا یابد و به حد نهائی خود در تمام زمینها برسد. بدینگونه است که آدمی به طرح جامع زندگیش خواهد رسید و مدیریت زندگی و افسار آن را به دست خود خواهد گرفت.

وقتی آدمی یک طرح جامع داشته باشد که مال خودش -هماهنگ با واقعیات و دامنهی مسائل و نیازهایش- باشد، هیچگاه در مواجهه با مدعیان بیرونی و انواع و اقسام ادیان و مذاهب درمانده نخواهد شد. زیرا در این صورت او دارای معیار و ملاکی جامع، برای محک زدن است.

از آنجا که این جدول از نظر ریشه داشتن در واقعیات انسانی، متعلق به همهی انسانها است -چرا که همه انسانها در طینت و فطرت مشترک هستند- این محک و معیار تبدیل به گفتمان مشترک جهانی بین انسانها خواهد شد. یعنی داشتن معیار جهانی و فطری دینپژوهی، که هم عقل و هم تمامی پیامبران، انسانها را به آن دعوت میکردند؛ یک دینپژوهی فطری-عقلانی.

براساس این الگو، هر آنکه فطریات خود را شکوفا نماید و جدول نیازهایش را سند چشمانداز خود قرار دهد، فرا میگیرد که: با هر مدعیای روبهرو شد، در یک نگاه به دامنهی نیازها و مسئلههایش، نباید با او مواجههی انفعالی داشته باشد، بلکه باید با او فعال برخورد کند و بهجای شنیدن شبهات، با پرسشگری پیایی میزان جامعیت ادعا و یا هندسه روابط ادعاهایش را محک بزند. ابتدا باید از اولویتها و مسائل کلانتر شروع کند و گام بهگام پیش برود. در طرحی که خود براساس فطریات تنظیم کرده، نه در هندسهی مخلوط از حق و باطلی که مدعی تبلیغ می کند. چرا که این او است که با کمک طرح جامع، میداند که هدفش چیست؟ خواستهای چیست؟ تا کجا میخواهد بداند؟ برای چه می خواهد بداند؟

اگر این روش را درست عمل کند، دیگر این طرف مقابل نیست که

بلندگو به دست گیرد و هرچه بخواهد بگوید و بیافد. انسان دیندار اندیشمند، میدانند چه میخواهد، باید از کجا شروع کند و به کجا برسد. مبتنی بر این طرح و روش که بر مبانی عقلانی و دلیلهای قرآنی و حدیثی است که حتی در بدترین شرایط آخرالزمانی، آدمی دچار کجراهه و بیراهه نخواهد شد. (۱).

مطابق این روش دیگر هیچ کس با هیچ فرقه ای در خلأ و ناگهانی و جدای از واقعیات زندگی مواجهه نمی شود، بلکه آن را بر معیارسنجش با نیازها و خواسته هایش مورد تحلیل و آنالیز قرار خواهد داد. پس مطابق روش دین پژوهی فطری، معیار شناخت راه و مکتب حق از باطل چنین است:

برای تمام نیازهای انسانی پاسخ داشته باشد.

پاسخش عقلانی و یا مطابق دلیل های معتبر دینی باشد.

بین پاسخهایش هماهنگی باشد. (۲)

در بستر تاریخ تجربی تاریخی نارسائی نداشته باشد.

شخصیتهای بنیانگذار ادعا و رهبران اصلی در بستر تاریخ، انسان کامل و جامع در انسانیت و قابل الگوگیری فراگیر باشند.

۱- «وَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسِكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ»؛ (مائده، ۱۰۵) ای کسانی که ایمان آوردهاید مراقب خودتان باشید. اگر شما خود هدایت یافتید، کسی که گمراه شده به شما زیانی نمی رساند. بازگشت شما به سوی خداست پس شما را از آنچه می کردید آگاه نمود.»

۲- معنی این سخن این است که: در مقام دینپژوهی تطبیقی و یا در مقام شبههشناسی باید توجه داشت که صرف جذابیت یک موضوع بزرگنمایی شده ما را فریب دهد. بلکه آن موضوع عقائدی و یا فقهی و یا اخلاقی را در هندسهی جامع اعتقادات یا نظام دستورات فقهی دید. و گرنه با یکسونگری دچار نگاه کاریکاتوری و جزءنگر به آموزه‌های دینی خواهیم شد.

مطابق این نگاه، بهراحتی چند فرقه و مذهب و مکتب را آسیب شناسی میکنیم و از منظر همین فرایند محک میزنیم:

یهودیت: مذهبی بهشدت نژادی است، که سابقهی تاریخی درخشانی هم ندارد.

مسیحیت: به احساسات توجه افراطی کرده ولی در بسیاری از موارد عقلانیت را تعطیل کرده است.

وهابیت: خاتمیت را به معنی تعطیلی انسان معصوم در بستر تاریخی گرفته و پس از خاتمیت به دینداری سکولار در سیاست معتقد است و یا در بسیاری از مسائل و احکام اجتماعی دچار آشفتگی است. بهگونهای که امروزه در کشورهای عربی (۱) در مسئلهای همانند نظام حقوق خانواده (۲) یا رو به فقه جعفری آورده و یا مخلوطی از نظام حقوقی غرب و اسلامی را پذیرفتهاند.

بهائیت: شعار آزادی را بهمعنی شعار آزادی از تکلیف و عمل گرایی دینی و همراهی با نظام استعمار و تمدن غربی تعریف کرده و عملاً تبدیل به ابزاری برای استکبار شده است.

پس هرگاه در مقام دین پژوهی معلوم شد که در این ادیان و مذاهب و یا فرقهها، از جامعیت یا از هماهنگی بین پاسخها

۱- همانند کویت.

۲- همانند تعریف نظام و حقوق خانواده، زیرا در فقه عامه، از یکسو در ازدواج سختگیری کرده و شرط «دو شاهد عادل» را گذاشته است، ولی در طلاق نهتنها شاهد نیازی نیست، بلکه اجرای صیغهی طلاق در هر حال و زمانی حتی در زمان عصبانیت، بلافاصله موجب تحقق طلاق میشود و حتی اگر بر زبان، لفظ سهطلاقه جاری گردد، فیالمجلس حکم سهطلاق جاری میگردد؛ یعنی جدائی بین همسران بسیار راحت است ولی ازدواج امری همراه با قید و شروط است.

نشانی نیست، دیگر نیازی به مطالعه تکتک گزاره‌های آن ادعا نیست و ناچار نیستیم برای اثبات حقانیت خود دلیل بیاوریم. همینکه طرف مقابل ناکامی و یا ناکارآمدیاش اثبات شد، باطل بودنش آشکار خواهد شد. البته ادامه دادن به این روش در جزئیات، واقعیات آشفته مدعیان را روشنتر خواهد کرد. (۱)

باید یادآور شد که از امتیازهای این روش، امکان ترکیب این روش با دینپژوهی تطبیقی و مقایسه‌ای است. میتوان پس از تهیه جدولهای انسانشناسی و نیازشناسی، به نظامبخشی پرسشها پرداخته و فهرستی از پرسشها را به ترتیب اهم و مهم تهیه کرد و آنگاه بر مبنای لیست پرسشها به مقایسه‌ی انواع و اقسام پاسخهای فرقه‌ها نسبتبه همدیگر پرداخت، تا معلوم شود که اکثر ادیان و فرقه‌ها چگونه بهراحتی با یک نگاه تطبیقی با دین حق، از جهت عدم جامعیت در پاسخدهی به نیازها و یا از جهت ناهماهنگی بین پاسخها، بهراحتی طبل رسوایشان زودتر از زمانی که تصور میشد به صدا درخواهد آمد.

خلاصه ی کلام

در دنیای پر سر و صدای مدعیان و در بمباران شبهه‌ها، مهمترین روش برای مواجهه داشتن یک محک، معیار محکمی است که فارغ

۱- البته در این مرحله مسئلهی دیگری را که دین پژوه باید مورد توجه قرار دهد، نوع پاسخدهی مدعی به اشکالات وارده است. مثلاً وقتی به مسیحیت دربارهی تثلیث اشکال میشود، باید به مطالعه‌ی نوع پاسخها نشست و از ساده‌انگاری کشف شبهه، خود را برحذر داشت. چرا که باطل همواره در پیشرفت زمان خود را روزآمد میسازد. بدین جهت برای محکزی و یا شبهه‌ستیزی، باید روزآمدی باطل را هم مورد مطالعه قرار داد. همانند طراحی نظریهی «پلورالیسم دینی» در «کلام جدید مسیحی» برای اثبات «حقانیت نسبی مسیحیت» در دوران معاصر.

از موضوع جزئی شبهه، بنیان ادعا و سازمان فکری مدعی را مورد هجمه قرار دهد. ضمن اینکه تکیه‌گاه محکمی در اختیار مؤمن قرار میدهد تا با اطمینان دین‌پژوهی عقلانی-فطری، نباید سریع از فراوانی سرو صداها و یا از تبلیغ کاریکاتوری برخی ادعاها، هراس به خود راه دهد و بهجای درگیر کردن خود به پاسخدهی (گرفتار شدن در پارادایم شبهه‌گر) با استخراج پرسشهای اصلی در موضوع شبهه، شبهه را از یک شبهه تاریخی تبدیل به یک پرسش کاربردی معاصر کرده و آن را به شبهه‌گر بازگرداند و آنگاه نحوه پاسخدهی او را به نظاره نشیند. در موضوع عاشورا و محرم هم، میتوان چند پرسش برآمده از دامنه‌ی نیازها و استعدادهای درونی خود را پیش روی مدعیان قرار دهیم:

(۱) تعریف شما از ولی امر مسلمین چیست؟ آیا او انسان کامل و یا حداقل افضل و اعلم افراد زمانه باید باشد یا نه؟

(۲) در جمع بین آیات و روایات فراوان دینی، ناظر به فقه سیاسی و اجتماعی که بر اولویت عدالت و یا اهمیت توجه به امر به معروف و نهی از منکر تأکید دارد، چرا اصل امنیت بهمعنی رضایت به ظلم و فساد حکومتی در فقه عامه مقدم شده است؟ اصولاً نظامنامه‌ی فقه عامه برای زندگی سیاسی در دنیای معاصر چیست؟ (۱)

۱- اهمیت این گونه مباحث از آنجا ناشی میشود که به مطالعه‌ی دو دوره‌ی سیاسی جوامع مسلمان سنی در تاریخ معاصر پردازیم. یکی دوران پس از سقوط امپراطوری عثمانی و حضور مستقیم ارزشهای تمدن غرب در جهان اسلام است و دیگری در مقطع تحولات ناظر به بیداری اسلامی در منطقه است. در مرحله‌ی اول پس آشکار شدن نظام خلافت سنتی، اغلب کشورهای منطقه بهسوی ناسیونالیسم و یا امارات منطقه‌ای رفتند. در ساختار جدید فقه سیاسی عامه هم، به اقتضای اولویت اصل امنیت، به لزوم اطاعت مطلق از حاکمان منطقه‌ای فتوا میداد. تا آنگاه که عمق و طول فسادهای سیاسی و اجتماعی این نظامها، نه دینداران بلکه جوانان تحصیلکرده و البته مسلمان را به خیابان کشاند. در این شرایط نظامهای فقهی عامه، آخرین گروهی بودند که به انقلابها پیوستند و اولین گروهی بودند که به آن خنجر زدند. امروزه با تحولات مصر و لیبی و سوریه و عراق شاهد سرگردانی شدید فقه سیاسی عامه هستیم. در این سرگردانیهای تاریخی غلبه اصل امنیت بر عدالت و حرمت قیام و انقلاب، باعث شد تا رخداد انقلاب اسلامی ایران بر مبنای ارزشهای عاشورایی یک قرائت جدید در جهان اسلام باشد. بهگونهای که باعث پیدایش گروههای مبارزی در فلسطین همانند جهاد اسلامی و حماس گردد. اگرچه نزد آنان هم، این نظریه‌ی قیام و انقلاب هنوز تبدیل به یک نظام نامه سیاسی-دینی مشخصی نشده است.

ص: ۸۴

(۳) در مسئله‌ی عاشورا، و ناظر به حجیت سیره‌ی صحابی، در جمع بین قیام حسینی، سکوت برخی از صحابه، بیعت جمعی دیگر با یزید، مسئله‌ی حق و باطل تاریخی چه میشود؟ در مقام تعارض سیره‌های موازی، وظیفه‌ی ما چیست؟

(۴) آیا در دین حق فرهنگ به معنی آداب و رسوم جایی دارد یا دینورزی به معنی عبودیت فردی متحجرانه بیش نیست؟ چرا در دیدگاه شما روزهی عاشورا در امتداد روزه گرفتن یهود در این روز مستحب است، ولی عزاداری حسینی که طبق آموزه‌های نبوی است غیرشرعی است؟

۲۴. لزوم کاربرد روش بینارشته‌ای در مقام دین‌شناسی و پاسخ‌گویی به شبهات

۲۴. لزوم کاربرد روش بینارشته‌ای در مقام دین‌شناسی و پاسخ‌گویی به شبهات

در روش‌شناسی پاسخگویی به شبهات باید توجه داشت که در اکثر قریب به اتفاق شبهات از ابزار مغالطه (۱) برای شبهه‌سازی استفاده شده

۱- مُغَالِطَه، سَفْسَطَه یا مَغَالِطَه (به پارسی سره: دژفرونود) (به انگلیسی: fallacy) استدلالی است که از نظر علم منطق به یکی از دلایل زیر نادرست باشد: نخست آنکه دست کم یکی از مقدمات گزاره نادرست باشد؛ دوم آنکه مقدمات گزاره، متضمن نتیجه‌ی گزاره نباشد. مغالطه، جزئی از برهان است که به‌طور قابل اثباتی در منطق آن ایراد وجود دارد و بنابراین کل برهان را نامعتبر می‌سازد. مغالطه برای وارونه کردن حقیقت به کار میرود. (خردادآذر، مغالطات نوین، ص ۱۰)

است. شبهه و مغالطه ادعایی است که به فرمودهی امام علی علیه السلام مخلوطی از آموزه‌های حق و باطل است و همواره از جهت زبانی، مرکب از چند ادعا جمله‌ی آشکار و یا پنهان است. پس در منطق پاسخگویی باید توجه داشت که پاسخگویی یکسویه غالباً پاسخی ناقص بوده که همچنان باعث حیات شبهه در سطحی کمرنگتر می‌شود و برای ریشه‌کن کردن شبهه‌ها و مغالطات دینی، خصوصاً باید ابتدا به آنالیز شبهه پرداخت و تمامی قضایایی که پیشفرضهای شبهه هستند و یا مقدمات برهانی آن را تشکیل میدهند را شناخت، تا در مقام پاسخگویی، رویکرد و منطق پاسخ جامع و فراگیر را در دستور کار قرار داد.

این امر از آنجا ناشی میشود که امروزه ترابط و تعامل رشته‌های گوناگون علمی نسبتبه همدیگر بسیار زیاد شده است. این امر در مورد آموزه‌های دینی هم صدق میکند. در دین اگرچه آموزه‌های وحیانی ثابت و همواره حجت است. ولی ناظر به عرضهی پرسشها و نیازهای تخصصی زندگی مدرن معاصر به دین، مسئله‌ی رویکرد بینارشته‌ای در دین‌شناسی معنا مییابد. این به معنی وادادگی فهم دین به علم و خصوصاً علوم انسانی سکولار نیست، بلکه بدین معنی است که در مقام نیازشناسی میتوان پرسشها را از علوم روز گرفته و پاسخ را با تمامی ظرائف و دقائقش از دین و یا عقل دینی کشف نمود. (۱) البته در مقام

۱- بهعنوان نمونه حضرت آیتالله سیستانی در مورد رابطهی علم و دین در دانش اصول فقه میفرمایند: الدور الثالث. وهو عبارة عن المرحلة الفعلية التي نعيشها. بيان ذلك: أن الفترة التي نعيشها الآن بمقتضى العوامل الاقتصادية والسياسية تمثل الصراع الحاد بين الثقافة الإسلامية والثقافات الأخرى على مختلف الأصعدة، فلا بد من تطوير علم الأصول و صياغته بالمستوى المناسب للوضع الحضارى المعاش. وقد ركزنا فى بحوثنا على بعض الشذرات الفكرية التي تلتقى مع حركة التطوير لعلم الأصول من خلال الاستفادة من العلوم المختلفة قديمها و حديثها كالفلسفه و علم القانون و علم النفس و علم الاجتماع و من خلال محاوله التجديد على مستوى المنهجية و على مستوى النظريات الكبرى. (الرافد فى علم الأصول، تقرير بحث السيد السيستاني للسيد منير، ص ۱۸)

ص: ۸۶

پاسخگویی به شبّهات در کنار روش بینارشته‌های در متن رهیافتهای علمی، گهگاه اصل روششناسی علوم هم کارائی بسیار در تشخیص سره از ناسره خواهند داشت. (۱) دانشهایی که در زمینه‌ی دینپژوهی و شبّه شناسی چه از جهت روششناسی و چه از جهت نتایج، کارائی فراوانی دارند به شرح زیر هستند:

انسانشناسی

فلسفه

اقتصاد

علوم ارتباطات

تاریخ

اخلاق

منطق

سیاسی

هنر

جغرافیا

الهیات

جامعه‌شناسی - مطالعات فرهنگی

آینده‌پژوهی

معارف اسلامی

مطالعات زنان

ادبیات

تعلیم و تربیت

روانشناسی

تربیت بدنی

حقوق

مدیریت

۱- به عنوان نمونه در مطالعات تاریخی صدر اسلام، روش‌شناسی علمی در کشف تاریخ توصیفی و انگاه استفاده از مباحث فلسفه تاریخی، بهرحتی می‌تواند بنیان پیشفرضهای غیرعلمی و هابیت و عامه را نسبتبه تاریخ صدر اسلام تخریب نماید و از رویدادهای صدر اسلام قرائتی عالمانه در اختیار مخاطب قرار دهد.

ص: ۸۷

در اهمیت کارائی این نگاه بینارشته‌ای در مقام پاسخگویی، ذکر این نکته کافی است که یکی از فواید مهم دینپژوهی فطری اثبات غیر عقلانی بودن و غیرعلمی بودن ادعاهای باطل است.

البته این سخن خود ادعاست که با مشاهدهی نقائص و یا تناقض های مذاهب باطل به ذهن تبادر میکند و یا شواهد آن خود را نشان میدهد. ولی برای علمیسازی و مستندسازی این ادعا، استفادهی گسترده، هم از روش های علمی در تاریخپژوهی و جامعهشناسی و روانشناسی و ... و هم، استفاده از قوانین آنها، اثباتگر مدعا خواهد بود. بهعنوان نمونه با محک روش بینارشته‌ای به برخی از شبهات وهابیت دربارهی بدعت بودن عزاداری و یا شیعه بودن قاتلین امام و یا دفاع از شخصیت معاویه دقت نمایید:

شبهه ی ۱: عزاداری برای امام حسین بدعت و حرام است!

آنالیز علمی شبهه

مبنای پاسخدهی

مخاطب

انسانشناسی، با توجه به مباحث

انسانشناسی کمال و انسان کامل شناسی دینی و فطری

- عزاداری امری فطری است و اصل در ان جواز است.

- شهادت انسان کامل حزن ملکوت را به همراه دارد.

- عزاداری بر انسان کامل حکمش با انسان معمولی تفاوت دارد.

جهانی

شیعی

تربیتی

عزاداری برای انسان معصوم، باعث قرب و تعالی است.

شیعی

تاریخی

استناد عزاداری بر معصوم و غیرمعصوم به سنت و سیرت نبوی و صحابه.

وهابی

ص: ۸۸

فرهنگی

بررسی تطبیقی اسلام فرهنگی شیعه و اسلام ضد فرهنگی وهابی از جهت سرمایه‌های اجتماعی و پویایی و استقلال فرهنگی

شیعی، سنی، جهانی

شبهه ی ۲: قاتلهای شهدای کربلا شیعه هستند، چون همگی کوفیاند!

آنالیز علمی شبهه

مبنای پاسخ دهی

مخاطب

تاریخی

تاریخ پیدایش و تحولات اجتماعی-فرهنگی کوفه

سنی، شیعه

روانشناسی - شخصیت‌شناسی

شخصیت‌شناسی جانیان کربلا

جهانی، سنی، شیعه

جامعه‌شناسی

مطالعات آماری جامعه‌ی کوفه و دست‌بندی گره‌های فکری و مذهبی در این شهر، در آستانه‌ی قیام.

سنی، شیعه

تعلیم و تربیت

بازخوانی تربیت دینی کوفیان در دو دوره‌ی ۲۰ ساله‌ی خلافت خلفا و دوره‌ی ۲۰ ساله‌ی خلافت معاویه؛ در مقایسه با دوران ۴ ساله‌ی حضور امام علی علیه السلام در کوفه.

سنی، شیعی

اقتصاد

مقایسه تطبیقی نقش انگیزه‌های اقتصادی در تصمیم‌گیری‌های مسلمانان در دو دوره نبوی و آستانه‌ی قیام امام.

سنی، شیعی

ص: ۸۹

شبهه ۳: معاویه از صحابه بوده و عادل است و در خطاهایش اجتهاد کرده و ...!

آنالیز علمی شبهه

مبنای پاسخدهی

مخاطب

روانشناسی

آنالیز شخصیت معاویه براساس روایات فریقین

شیعه، سنی

تعلیم و تربیت

اسلام و ایمان معاویه و امویان

شیعه

سیاسی

اهداف سیاسی معاویه از خلافت

توجیه وسیله برای رسیدن به هدف در سیاست معاویه؛ چه برای خلافت خود و چه خلافت یزید.

شیعه، سنی

اقتصاد

معاویه و ایجاد نظام حکومت در سایه زر و زور و تزویر.

سنی

مدیریت

تضادهای مدیریت سیاسی-اجتماعی معاویه با قرآن و سیره نبوی.

شیعی، سنی

دقت در این جدولها و شیوه‌های در مقام پاسخگویی بیانگر این واقعیت است که رسالت اول رسانه‌ی ملی و برنامه‌سازان در مقام صیانت جامعه‌ی اسلامی در برابر شبهات، نه درگیرسازی خود در

ص: ۹۰

برنامه‌سازیهای خرد و جزئی و مقطعی، بلکه تلاش برای ارتقای دانش و بینشهای اسلامی و دانشهای مرتبط با زندگی دینی برای دینداران است. در همین زمینه از جهت روششناسی به‌علت فراگیری دانش آموزی در جامعه و رشد سطح علمی کشور، باید تلاش شود که به انواع و اقسام مخاطبهای فرهیخته‌ی داخلی و خارجی، مسلمان و غیرمسلمان و شیعه و غیرشیعه، دانش استفاده از آموخته‌های علمی خود را در زمینه‌ی دینپژوهی و مواجهه با شبهات آموزش داده شود، تا بر مبنای قرابت مکتب تشیع با قطعیات علمی و قرابت غیرشیعه با روش و نتایج علم و عقل، این سرمایه‌ی فرهنگی در مواجهه با شبهات فعال گردد.

نکته‌ی دیگر در مقام پاسخگویی به شبهات این است که، استفاده از روش بینارشته‌ای باعث تنوع بخشی به پاسخها میشود. تنوع از جهت محتوایی را در جدولهایی که ارائه شد، شاهد بودیم، ولی در کنار تنوع محتوا و تنوع فرم، نکته‌ی جالبتر، ترکیب این دو تنوع با همدیگر است. بدین معنی که در مقام ارائه‌ی پاسخ میتوان براساس نوع پاسخ و یا پاسخهای موجود به طراحی ساختار فرمی پرداخت؛ ساختاری که نه از بیرون بر متن تحمیل شده بلکه از متن جوابها برخاسته‌اند. فرمهای محتوایی متنوعی که عبارتند از:

(۱) روش گاهشماری تاریخی و ادوارشناسی؛ در این روش فرایند و سیر جریان باطل و یا جبهه‌ی حق را در آن اندازه که به رفع شبهه کمک میکند به مخاطب ارائه میگردد. این گاهشماری از آن جهات اهمیت مییابد که در اسلام دانش تاریخ جایگاه ویژه‌ای دارد. چه تاریخ اسلام و شیعه‌ی معصومین و ... و چه فرایند تاریخی یک فرقه و یا اندیشه‌ی یک

ص: ۹۱

فرقه. این گاهشماری توصیفی می‌تواند تنها شامل یک جبهه و یا به‌صورت موازی سه جبهه سیاه و سفید و خاکستری را شامل شود. بدیهی است مشاهده‌ی توصیفی رویدادهای تاریخی، زمینه را برای تحلیل درست و جامع فراهم می‌سازد.

۲) نقشه‌های جغرافیایی؛ این روش در جایی به‌کار می‌رود که سخن از رویدادهای تاریخی و واقعیت‌های مکانی و یا دارای مقدمات مکانی تاریخی و یا معاصر، معطوف به تاریخ دینی و یا تاریخ دین داران باشد.

۳) اینفوگرافی اطلاعات جالب و جذاب؛ از آنجا که در فرایند شبهه‌پراکنی می‌توان با یک شبهه به‌راحتی ساختمان آسمانی و یا معرفتی دینداران را هدف قرار داد، ولی برای بازسازی باید زحمت بیشتری کشیده شود. در این صورت براساس همان روش بینارشته‌ای می‌توان از چند زاویه و به‌صورت موجز به شبهه حمله کرد تا اطمینان و آرامش بیشتری برای مخاطب ایجاد شود.

- در نهایت استفاده‌ی گسترده از جدول شخصیت‌شناسی دانش‌هایی همانند روانشناسی است. بر مبنای جدول انسان‌شناسی، روانشناختی، هر انسان اعم از معصوم و یا معمولی، زن یا مرد، سفید و یا سیاه و یا خاکستری، در تمامی ابعاد جدول ظرفیت‌های انسانی مشترک و شبیه هستند. بدین جهت نمی‌شود ادعا کرد که یک انسان تاریخی در عین عدالت (صحابه) به‌راحتی خطا و معصیت بکند، جاهل باشد و ... و در نهایت انسان نیکی هم باشد. یا براساس یک افتخار در گذشته، برای همیشه مصون از محاسبه‌ی اعمال باشد. بدین جهت در دفع شبهات تاریخی، دانش شخصیت‌شناسی جامع هر فرد، آن هم براساس منابع مورد اتفاق فریقین می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

ص: ۹۲

از روشهای دیگر محتوایی در مواجهه با مدعیان، براساس روش انداختن توپ در زمین حریف، بازخوانی جایگاه اندیشه‌ی رقیب در دنیای معاصر از جهت میزان مقبولیت و یا ارزش علمی و یا کارآیی برای نظامسازی میباشد. همانند اینکه وقتی وهابیت به جلوه‌های گوناگون و غنی فرهنگ دینی شیعی و سبک زندگی شیعی اعم از عاشورا و جشن‌های انتظار میتازد، بدون اینکه جایگزینی معرفی کند، باعث می‌شود که در جغرافیای نفوذش، توده‌های مردمی یا تحصیلکردگان از جهت فرهنگی بهسوی فرهنگ‌های وارداتی غربی اقبال نمایند.

در گام بعدی- در این اثر- برای روششناسی مواجهه با شبهات دینی، در مقام توجه‌دهی به برنامه‌ریزان و برنامه‌سازان سازمان، در مواجهه با شبهات عاشورایی، تلاش میشود تا از دانش مغالطه‌شناسی منطق در این زمینه استفاده شود. البته کارایی دانش مغالطه در زمینه‌ی شناسائی کیفیت و کمیت مغالطه در هر شبهه است و در مقام کشف حقیقت مغالطه و در مقام پاسخگویی، روش بینارشته‌های کارایی فراوانی دارد. ناظر به این واقعیت‌های علمی و تخصصی است که در بخش راهبردها بر راهاندازی کارگروه تخصصی شبهات در سازمان تأکید شد.

۳۴. شناخت منطق فهم مغالطات عاشورایی

۳۴. شناخت منطق فهم مغالطات عاشورایی

در مقام شبهه‌شناسی دانستیم شبهه در حقیقت درهم آمیختگی حق و باطل برای فریب جامعه هدف است. این رویداد وقتی رخ میدهد که در تقابل حق و باطل، شبهه‌سازان، یا در طرف حق و یا در طرف

باطل و در مزج بین آنان یکی از فنون مغالطه را صورت بدهند. همانند اینکه وقتی در حق کوچکنمائی و یا در باطل بزرگنمائی صورت بگیرد، زمینه برای پیدایش شبهه ایجاد میشود.

پس در مقام شبهه‌شناسی باید شگردهای وهابیت و دیگر دشمنان مکتب و نظام را در مقام شبهه‌سازی شناخت تا در مقام عمل اقدامی جامع و کامل انجام داد. این امر نیازمند دانش مغالطه است. زیرا در مقام طراحی راهبرد مواجهه، باید بدانیم که در دنیای قدیم ممکن بود طراحی شبهه و پاسخگوئی به آن کاری ساده باشد، ولی امروزه و در بستر دنیای ارتباطات و اطلاعات برای طراحی شبهات تمامی شبکه‌های وهابی و معاند، متکی بر کارگروه‌های علمی هستند، تا کارائی و میزان اثرگذاری خود را فزونی بخشند. شاهد این مدعا این که در مقام طراحی شبهه و یا در مقام تقویت و نهادینه‌سازی آن، شبکه‌های وهابی پس از نشر شبهه بلافاصله سعی میکنند تا هر آنچه از گزاره‌های متشابه و یا ضعیفی که در منابع شیعه، و حتی منابع دستچندم متنی معاصر در محصولات فرهنگی شیعه، یا از فایل‌های صوتی و تصویری خطبا و مداحان و یا رجال دینی یافت میگردد، برای خود شاهدی بیاورند. واقعیتی که نشان از کارگروه تخصصی آنان در زمینهی رصد و صید زمینه‌های شبهه‌پراکنی در شبکه‌های ماهوارهای وهابی میباشد.

در بیان وجود برنامه‌ریزی وهابیه در ارتقای کمی و کیفی شبهات خود، کافی است که به آنالیز فرایند شبهه‌پراکنی آنان در یک دهه از فعالیت این شبکه‌ها پردازیم:

ص: ۹۴

بن مایه های کلی شبهات شبکه‌های وهابی در فرهنگ عاشورایی

سالهای آغازین

تلاش برای دفاع از مقدسات وهابیت که مورد هجوم شیعیان بود. همانند دفاع از معاویه و یا توجیه رفتارهای یزید و ...

بازسازی خود

تلاش برای مصادره‌ی اهلیت و امام حسین به نفع خود و ترسیم شخصیتی غیر شیعی و در زیر مجموعه‌ی صحابه از امام.

اکنون

تلاش برای شیعه‌نمائی قاتلین امام و تمامی معترضان بر امام علی علیه السلام و جعل عنوان «شیعه‌ی خوارج و یا خوارج شیعی»^(۱).

بدیهی است با این وضعیتی که این تبلیغات پیش می‌رود، در بستر پیچیده‌تر شدن مغالطات به‌کار رفته در این شبهات، زمینه برای تهییج سهلتر و گسترده‌تر جوانان وهابی برای شیعه‌کشی را فراهم می‌سازند. در راستای این هدف، شبکه‌های وهابی با انتساب تمامی تفرقه‌ها و خیانت‌های صدر اسلام به شیعه (همانند داستان جعلیای که با عنوان اینسبا و سبائیه درست کرده‌اند) جریانی عظیم و فعال از تقریب‌گریزی و بلکه شیعه‌ستیزی در جهان اسلام و خصوصا در منطقه‌ی خاورمیانه را به راه انداخته است. این تهدید، به‌خصوص در سال جاری که منطقه و خصوصا کشور عراق از فتنه‌ی داعش، روزگار

۱- به‌عنوان نمونه در آغاز، شبکه‌های وهابی کوفیان را عمدتاً شیعی، اما ابنزیاد و عمر بن سعد را سنی میدانستند. ولی در سال جاری تلاشهایی را آغاز کرده‌اند تا اثبات کنند که حتماً یزید از قتل امام برکنار بوده و یا خطایش کم است و در برابر، مجرم اصلی ابنزیاد است و بر سبب برخی منابع شیعی او از اصحاب امام علی بوده است!

ص: ۹۵

سختی را میگذراند، می تواند بسیار جدی باشد. بدین جهت می‌طلبند که رسانه‌های فارسی و غیرفارسی سازمان در دو ماهه‌ی محرم و صفر برنامهریزی منسجم، متمرکز و فعال و روزآمدی را در برابر این تهدید بالفعل در پیش بگیرند.

بنابراین در این جنگ نرم گسترده است، باید با تخصص به مواجهه‌ی آنان رفت (۱) و دانشی که بیشترین کمک را در این مسیر میکند دانش «مغالطه‌شناسی» است. شناسائی انواع مغالطه‌ها و شناسائی کارائی و جایگاه هر یک از مغالطه‌ها، میتواند کلید حل بسیاری از شبهه‌ها باشد. بدین جهت در این مرحله با دسته بندی و فهرست اجمالی مغالطات آشنای می شویم:

۵. آشنایی با فهرست و دسته‌بندی مغالطات

اشاره

۵. آشنایی با فهرست و دسته‌بندی مغالطات

ما در طول روز با انواع مغالطات روبه‌رو میشویم و حتی خود گهگاه آن را هوشمندانه و یا ناخواسته به‌کار می‌بریم. دسته‌بندی کلی مغالطات به شرح زیر است: (۲)

مغالطه های شکلی.

مغالطات ابهام.

مغالطات عدم دقت برای گمراه سازی.

مغالطات نقل.

مغالطات ادعای بدون استدلال.

۱- زیرا از قدیم هم گفته‌اند که: یک دیوانه سنگی به چاه می‌اندازد که صد عاقل از در آوردن آن عاجزند.

۲- به نقل از «منطق کاربردی» از سید علی اصغر خندان.

ص: ۹۶

مغالطات مقام نقد.

مغالطات مقام دفاع.

مغالطات صوری.

مغالطه در استدلال پیشفرض نادرست.

مغالطه‌ی ربطی.

اینک زیرمجموعه‌ی هریک از این موارد ارائه میگردد تا در مرحله‌ی بعد با نوع و میزان استفاده از مغالطات در شبهات عاشورایی آشنا شویم:

مغالطه های شکلی

مغالطه های شکلی

مغالطه های شکلی به مغالطه هایی گفته می شود که در شکل بحث می توان آن ها را دید و نیازی به فهمیدن محتوای بحث برای پیدا کردن این نوع مغالطه ها نیست. تمامی مغالطه های شکلی نوع مشخصی از مغالطه های ناپیرو (Non sequitur) هستند.

مغالطات ابهام

مغالطات ابهام

مغالطه‌ی اشتراک لفظ استفاده از واژه هایی که دارای دو یا چند معنا هستند، بدون قرینه ای که بر معنای مورد نظر دلالت کند.

کژتابی یا ابهام ساختاری: بهکارگیری جمله ای که می تواند به دو یا چند گونه بیان و فهمیده شود.

مغالطه‌ی ابهام واژه: استفاده از واژه های مبهمی که قابلیت تفسیرهای گوناگون دارند.

ص: ۹۷

اهمال سور: عدم ذکر سور قضیه و تلقی آن بهعنوان قضیه ای کلی.

تعریف دوری: تعریف دو شیء یا لفظ مبهم به یکدیگر در حالیکه برای شناخت هریک نیازمند به شناخت دیگری باشیم.

مغالطات عدم دقت برای گمراه سازی

مغالطات عدم دقت برای گمراه سازی

مغالطه‌ی کنه و وجه: معرفی یک صفت یا یک جنبه‌ی خاص از یک پدیده بهعنوان ذات و اساس آن.

علت جعلی: معرفی امری بهعنوان «علت اصلی» که علت نیست یا بخش کوچکی از علت است.

بزرگ نمایی: جلوه دادن جنبه یا جنبه‌های خاصی از یک واقعیت به صورت بزرگ تر و مهم تر از آن چه هست.

کوچک نمایی: جلوه دادن جنبه یا جنبه‌های خاصی از یک واقعیت به صورت کوچک تر و کم اهمیت تر از آن چه هست.

مغالطه‌ی متوسط: مغالطه‌ی آماری برای بیان اطلاعات خاص مورد نظر.

نمودار گمراه کننده: استفاده از نمودارهای مغرضانه برای بیان اطلاعات آماری.

تصویر گمراه کننده: استفاده نادرست از اندازه‌ی تصویری که نشانه داده‌های آماری بهکار می رود.

مغالطات نقل

مغالطات نقل

دروغ: عدم مطابقت خبر با واقعیت.

ص: ۹۸

توریه: بیان سخنی که معنای آن بهظاهر درست است اما آن چه مخاطب از آن درک می کند نادرست و دروغ است.

نقل قول ناقص: نقل گرینشی بخشی از سخنان دیگران بدون توجه به پیام اصلی او در مجموعه سخنانش.

تحریف: کاستن و افزودن محتوای یک متن .

تفسیر به رأی یا تفسیر نادرست: تفسیر یک سخن مغایر با اغراض گوینده و موافق با اغراض شخص.

مغالطهی تأکید لفظی: تکیه و تأکید بر برخی از الفاظ یک قضیه و استنباط معانی که موردنظر گوینده نیست.

مغالطات ادعای بدون استدلال

مغالطات ادعای بدون استدلال

استدلال از راه سنگ: ایجاد زمینه ای برای طلب نکردن دلیل از سوی مخالفان و سلب امکان نقادی مدعای موردنظر.

اتهام نادانی: ادعای این که آن مدعا بسیار واضح و بدیهی است و نیاز به استدلال ندارد.

مسموم کردن سرچشمه: نسبت دادن یک صفت منفی و مذموم به مخالفان آن مدعا یا کسانی که تردید می کنند.

مغالطهی تله گذاری: نسبت دادن یک صفت مثبت و ممدوح به موافقان آن مدعا یا مخاطبانی که آن را می پذیرند.

مغالطهی توسل به جهل: این که مدعای موردنظر نفی نشده است یا دلیلی برخلاف آن نیست، پس آن درست است.

مغالطهی طلب برهان: درخواست از مخاطبان که اگر مدعای موردنظر را نمی پذیرند، بر ضد آن دلیل بیاورند.

مغالطه‌ی طرد شقوق: با ذکر عیوب شقوق مختلف، مطلوبیت شق مورد نظر را اثبات کردن.

مغالطه‌ی تکرار: تکرار مدعا بهجای استدلال برای اثبات آن.

فضل فروشی: تظاهر به داشتن کمالات و فضل بسیار، برای اینکه سخن او پذیرفته شود.

کمیت گرایی افراطی: استفاده‌ی نابه جا از اعداد و ارقام برای نشان دادن دقت زیاد مدعا.

مغالطه‌ی بیان عاطفی: استفاده از کلماتی با بار ارزشی مثبت بهجای استدلال‌های موافق یک مدعا و بالعکس.

عبارات جهت دار: استفاده از کلماتی با بار ارزشی مثبت و منفی بهجای استدلال یک مدعا.

مغالطه‌ی توسل به احساسات: تأثیر روانی بر مخاطب و استفاده از احساسات و عواطف برای منحرف کردن او از مقام استدلال.

تهدید: جای گزین کردن زور بهجای استدلال؛ یعنی اگر مدعای موردنظر را نپذیرد، آسیبی به او خواهد رسید.

تطمیع: جای گزین کردن منفعت طلبی به جای استدلال؛ یعنی اگر مدعای موردنظر را بپذیرد، نفعی به او می رسد.

جلب ترحم: جای گزین کردن ترحم و دلسوزی بهجای استدلال؛ یعنی تشویق به پذیرفتن سخن شخص قابل ترحم.

آرزواندیشی: جای گزین کردن امید و آرزو بهجای استدلال.

عوام فریبی: استفاده از هیجان جمعی، گرایش به تفاخر بهجای استدلال.

مغالطه‌ی توسل به مرجع: استفاده از نظر افراد مشهور بهعنوان حجت و دلیل برای یک مدعا.

ص: ۱۰۰

مغالطه‌ی تجسم: فرض و گمان یک جسم عینی و خارجی به‌زای هر یک از الفاظ و کلمات.

مغالطه‌ی توسل به احتمالات: بهره‌گیری از احتمالات به‌جای استدلال.

مغالطه‌ی جزمی‌گرایی: مطرح کردن مدعا و اجازه ندادن تشکیک در آن.

مغالطات مقام نقد

مغالطات مقام نقد

پارازیت: ایجاد وقفه در ارائه‌ی یک سخن یا پیام و یا ایجاد مانع در رسیدن آن به مخاطب.

اتهام ابهام: مبهم و نامفهوم شمردن سخنی که مبهم نیست.

تکذیب نادرست: دروغ و غیرواقعی معرفی کردن یک مدعا.

ساده‌انگاری مدعا: پیش پا افتاده تلقی کردن یک مدعا.

اتهام مغالطه: مغالطه‌آمیز معرفی کردن سخنی که مغالطه‌آمیز نیست، بدون ارائه‌ی دلیل برای آن.

مغالطه توسل به شخص: نقد گوینده به‌جای نقد گفته او.

توهین: ناسزا و فحش دادن.

مغالطه‌ی منشأ: اشاره به این که سرچشمه و اصل موضوع مورد نقد، از شخصیت مذمومی بوده است.

مغالطه‌ی پهلوان‌پنبه: ترسیم یک مدعای ضعیف و نقد آن به‌جای نقد مدعای اصلی.

مغالطه‌ی کامل‌نامیسر: رد همهی راه‌های موجود با اشاره به نقاط ضعف آن‌ها و یا مقایسه با کامل‌نامیسر.

ص: ۱۰۱

ارزیابی یک طرفه: تنها به نقاط ضعف یا قوت موضوعی اشاره کردن و نادرستی یا درستی آن را نتیجه گرفتن.

مغالطه‌ی رد استدلال: از نادرست بودن یا مغالطه آمیز بودن دلیل یک مدعا، نادرستی خود آن را نتیجه گرفتن.

مناقشه در مثال: به جای رد مدعا، در مثال‌ها و مصادیق آن تردید کردن.

مغالطه‌ی تخصیص: رد یک مدعای کلی با اشاره به حالتی خاص و غیرطبیعی که در آن حالت آن مدعا صادق نیست.

بهانه: نپذیرفتن سخنی بهعلت برخی اشکالات جزئی.

مغالطه‌ی جمع مسائل در مسئله‌ی واحد: ادغام سؤالات در سؤالی که مبتنی بر پیش فرض‌هایی است که مخاطب قبول ندارد.

مغالطات مقام دفاع

مغالطات مقام دفاع

عوض کردن موضوع بحث: بحث را به بیراهه کشاندن.

نکته‌ی انحرافی: منتفی کردن زمینه‌ی پاسخ‌گویی با یک نکته‌ی بی ربط.

شوخی بی ربط: استفاده از طنز و لطیفه برای پوشاندن ضعف خود و تشویش اذهان عمومی.

مغالطه‌ی توسل به واژه‌های مبهم: در مقام توجیه یک مدعای نادرست، به تفسیر دلخواه از واژه‌های مبهم پرداختن.

توسل به معنای تحت اللفظ: در مقام توجیه یک سخن، مطرح کردن این ادعا که منظور اصلی معنای تحت اللفظ برخی از واژه‌ها بوده، نه معنای متبادر به ذهن.

ص: ۱۰۲

مغالطه‌ی تغییر تعریف: در مقام توجیه یک سخن، مطرح کردن این ادعا که از برخی واژه‌ها معانی خاص دیگری مورد نظر بوده است.

مغالطه‌ی تغییر موضع: در مقام توجیه یک سخن، مطرح کردن این ادعا که آن سخن از دیدگاه و نقطه نظر خاصی بیان شده است.

مغالطه‌ی استثنای بی اهمیت: پذیرش مثال نقض، اما غیرمهم و بی تأثیر جلوه دادن آن.

مغالطه‌ی از طریق تخطئه‌ی مخاطب: اشاره به این که خود منتقد هم مرتکب همان خطایی شده که از آن انتقاد می‌کند.

تبعیض طلبی: درخواست این که ملاک‌های نقد مدعای او با ملاک نقد مدعای دیگران متفاوت باشد.

مغالطه‌ی حفظ پیش فرض: بی توجهی به شواهد خلاف و اصرار بر مدعا.

پذیرش ظاهری نقد: اشاره به انتقاد و پذیرش ظاهری آن‌ها و باقی ماندن بر مدعای خطا.

مغالطات صوری

مغالطات صوری

عدم تکرار حد وسط: تکرار نشدن حد وسط بهطور کامل و دقیق.

مغالطه‌ی وضع تالی: در یک قضیه‌ی شرطی، با فرض تالی، تحقق مقدم را نتیجه گرفتن.

مغالطه‌ی رفع مقدم: در یک قضیه‌ی شرطی، با رفع مقدم، وضع تالی را نتیجه گرفتن.

مغالطه‌ی مقدمات منفی: نتیجه‌گیری از قیاسی با مقدماتین سالبه.

ص: ۱۰۳

مغالطه‌ی مقدمات ناسازگار: استنتاج از قیاس دارای مقدمتین متناقض.

مغالطه‌ی افراد غیر موجود: از قضایای کلی، نتیجه‌ی جزئی گرفتن.

ایهام انعکاس: برای موجه کلیه، عکس کلیه و برای سالبه‌ی جزئی، عکس قائل بودن.

سوء تألیف: تعمیم یافته بودن حدی موضوع یا محمول در نتیجه، بدون تعمیم آن در مقدمات قیاس و نیز استنتاج از قیاسی که حد وسط آن در هیچیک از دو مقدمه‌ی تعمیم یافته نیست.

مغالطه در استدلال پیشفرض نادرست

مغالطه در استدلال پیشفرض نادرست

سنت‌گرایی: هر پدیده یا عقیده‌ی به یادگارمانده از گذشته، درست و پذیرفته است و هر عقیده‌ی بی سابقه، مردود و نادرست است.

تجددگرایی: هر پدیده یا عقیده‌ی نو و جدید، مقبول و درست است و هر عقیده‌ی به یادگارمانده از گذشته مردود است.

فقر‌گرایی یا توسل به برتری فقر: افراد فقیر و تهی دست دارای شخصیت مثبت و افکار درست هستند.

ثروت‌گرایی یا توسل به برتری ثروت: افراد ثروتمند و متمول دارای شخصیت مثبت و افکار درست می باشند.

مغالطه‌ی توسل به اکثریت: هر موضوعی که اکثریت مردم نسبت به آن موافق باشند، درست است.

مغالطه‌ی علت شمردن مقدم: در دو حادثه‌ی متوالی، حادثه‌ی اول، علت حادثه‌ی دوم است.

ص: ۱۰۴

مغالطهی علت شمردن مقارن: دو دو حادثهی هم زمان، یک حادثه، علت حادثهی دیگر است.

مغالطهی ترکیب: اگر اجزای مجموعه ای دارای وصفی باشند، کل آن مجموعه نیز دارای آن وصف خواهد بود.

مغالطهی تقسیم: اگر کل مجموعه دارای وصفی باشد، اجزای آن مجموعه نیز دارای همان وصف هستند.

مغالطهی میانه روی: در هر بحثی با دو نظریه یا طرح مخالف، باید نظر میانه را انتخاب کرد.

مغالطهی قمارباز: در وقوع یک امر محتمل، نتیجه مراتب قبلی در مراتب بعدی مؤثر است.

مغالطهی ربطی

مغالطهی ربطی

مغالطهی مضمیر مردود: ذکر نکردن یکی از مقدمات که در واقع نادرست است.

مغالطهی فصل امر: استفاده از قیاس استثنایی منفصله در حالیکه قضیهی شرطیهی منفصله، حقیقیه یا مانعه الخلو نیست.

ذوالحدین جعلی: میان مقدم و تالی قضایای شرطی، رابطه ای وجود ندارد و یا قضیهی فصلی، حقیقی نیست.

خلط نسبت: استفاده از نسبت های غیرمقارن و غیرمتعدی بهعنوان نسبت های مقارن و متعدی.

مغالطه دلیل نامربوط: استنتاجی که در آن نتیجهی منطقی مقدمات نسبتبه نتیجه گرفتهشده، اعم، اخص یا مباین باشد.

مصادره به مطلوب: استفاده از نتیجه در مقدمهی استدلال.

ص: ۱۰۵

استدلال دوری: بهکار بردن مقدمه‌ای که صحت آن وابسته به صحت نتیجه‌ی استدلال است.

تعمیم شتاب زده: صادر کردن حکم کلی با نمونه‌ی ناکافی.

مغالطه‌ی تمثیل: تسری دادن حکم یک چیز به چیزی دیگر که در صفتی شبیه چیز اول باشد.

پس از شناخت انواع و اقسام مغالطات باید دانست که در شبهه‌سازی ممکن است از یک تا چند مغالطه صورت بگیرد. بدین جهت دقت و موشکافی در هر شبهه و شناسائی تزویر و وارونه‌سازیهای حداکثری آن میتواند ریشه‌ی شبهه را بخشکاند. پس در فرایند مواجهه با شبهه باید فرایند زیر را طی کرد:

به نمودار مربوطه در نسخه pdf مراجعه شود.

دقت در این فرایند است که ضرورت راهاندازی کارگروه‌های فوق تخصصی شبهات دینی را در رسانه‌ی ملی توجیه مینماید. پیچیدگی فرایند و نیازمندی آن به دانشهای گوناگون و ضرورت تسلط کارشناسان این عرصه به دو رشته‌ی دینپژوهی و زبان رسانه، بیانگر

ص: ۱۰۶

این واقعیت است که وانهادن این مهم به نظام برنامه‌سازی پراکنده و شعاری، خود بسترساز هجوم مضاعف شبکه‌های معاند خواهد شد. بدین معنی که ضعف عملکرد در شبهات و مغالطات گزاره‌های مغالطات در مقام نقل، آنان را تشویق به تکرار و تعمیق مغالطه در مراحل بعد میکند.

۶. فهرست شبهات عاشورایی

اشاره

۶. فهرست شبهات عاشورایی

شبکه‌های وهابی فارسی در تجربه‌ی ۵ ساله، در مواجهه با عاشورا، ابتدا تلاش بر مواجهه‌ی دفاعی و توجیهی در برابر فرهنگ عاشورایی داشتند، ولی به‌تدریج ناچار شدند واقعیت عاشورا را بپذیرند. زیرا هم از طرف مخاطبان مورد پرسش فراوان قرار گرفته و هم توسط شبکه‌های ماهواره‌های شیعی رسوا میشدند.

در گام دوم آنها همزمان با تولید سریال‌الاسباط و همراه با جریان کلی وهابیت و با هدف ایجاد مرزبندی نهایی بین شیعه و سنی در بستر تحولات معطوف به بیداری اسلامی، تلاش بیسابقه‌ای را در دو سال اخیر آغاز کرده‌اند تا به مصادره‌ی عاشورا و وهابیسازی و کوچکسازی آن پرداخته و در برابر، شیعه را جریانی متأخر از عاشورا و مبتنی بر قرائت خرافی از عاشورا و بانیان عاشورا و بدعت گزاران پس آن معرفی کنند.

بدین جهت در این سالها آنان با ترکیب خوانش تاریخی و معاصر از عاشورا و رصد تمامی گستره‌ی فرهنگ عاشورایی شیعه و ریشه‌ها و پیشینه‌های آن، با تمام قوا تلاش برای تخریب فرهنگ عاشورایی شیعه را آغاز کرده‌اند. امروزه هر آنچه که کارائی و کارکرد شبهه‌پراکنی داشته

ص: ۱۰۷

باشد را بر علیه شیعه و عاشورا به کار میگیرند. بدین جهت مجموعه شبّهات ماهوارهای شبکتهای وهابی و غیراسلامی را میتوان از جهت محتوایی، فرمی، کارائی، روند زمانی و ... تقسیمبندیهای گوناگونی نمود. در اینجا بر مبنای تقسیمبندی علوم دینی، فهرستی از مهمترین شبّهات آنان ارائه میشود.

انواع شبّهات

انواع شبّهات

شبّهات مبنایی

شبّهات کلامی

شبّهات ناظر به عوامل بسترساز حادثهی عاشورا

شبّهات میدانی

شبّهات تاریخی

شبّهات ناظر به نوع روایت از حادثهی عاشورا

شبّهات بازتابی

شبّهات فرهنگی

شبّهات ناظر به فرهنگ عاشورا و عزاداری

محور کلی شبّهات

محور کلی شبّهات

۱. شبّهات مبنایی

کلامی:

تفاوت سیره‌ی حسنین، دلیل بر عدم عصمت و مجتهد بودن آنان است.

کربلا حادثهای همانند قتل عثمان است و ریشهاش در سبائیه است. (۱)

۱- سبائیه در نگرش تاریخی عامه، جریانی است که در دوران عثمان ایجاد شد و باعث قتل عثمان و ایجاد شیعه شد و از خلافت امیرالمؤمنین ۷ تا جریان کربلا را مدیریت کرد. البته درباره‌ی نحوه‌ی این اثرگذاری از صلح امام حسن ۷ تا عاشورا به تفصیل چیزی نمی‌گویند. درباره‌ی واقعیت این ادعا ر.ک: عبداللهبن سبا و دیگر افسانه‌های تاریخی، نوشته‌ی علامه عسکری.

ص: ۱۰۸

تبرئهی امویان - خصوصاً معاویه و کمتر یزید- از حادثهی عاشورا.

تفکیک سیدالشهدا علیه السلام از تشیع، و قیام امام هیچ ربطی به شعائر تشیع ندارد.

از جهت دست‌پنندی فکری امام و یارانش از مسلمانان (عامه) و دشمنانش شیعیان بیعتشکن بودند.

حسین بن علی علیه السلام از صحابهی برجسته بود که در حادثهی عاشورا، اجتهاد کرد و در اجتهادش هم متأثر از کوفیان بود.

امام از صحابهی برجسته بود، ولی دارای علم غیب و ... نبود.

امام حسین و شعائر حسینی کارکرد شفابخشی و ... ندارد.

عزاداری امام حسین فایده‌ای برای امام و شیعیان ندارد و عملی بیهوده است.

اقدامات سیاسی اهل‌بیت مثل خلافت امام علی و قیام حسین، موجب اختلاف در جامعه و خلافت معاویه و یزید باعث اجماع و مورد رضایت تابعین بود.

پس از مرگ، آدمی دیگر تمام میشود و دیگر وجودی ندارد که به او توجه شده و برایش عزاداری شود.

شیعه یعنی کسی که از حسین دعوت کرد. پس تمامی دعوت‌گران امام شیعه بودند و همانها او را کشتند.

ص: ۱۰۹

فقهی:

روزهی روزعاشورا مستحب است. چرا آن را ترک کرده اید؟

حرمت توسل و عزاداری و نذری و بنای بقاع متبرکه.

عزاداری بدعت و امری حرام است.

نشانی از عزاداری در سیره نبوی و صحابه یافت نمیشود.

در اسلام سب و لعن وجود ندارد.

با وجود خطا و جنایتگری یزید، در جواز لعن او بین علمای اسلام اختلاف است.

۲. شبهات میدانی

تاریخی:

رویداد کربلا قیام و حماسه نبود بلکه یک رویداد ناخواسته و ناشی از سوء برداشت ها و خیانت ها بود

شیعه و امام کشی که نقطهی اوجش در کربلا است.

کوفه، شهر شیعه‌نشین است، پس تمام فتنه‌های کوفه زیر سر شیعیان است.

سرداران لشکر کربلا از حاضران در صفین در رکاب امیرالمؤمنین بودند.

احترام فراوان صحابه و تابعین، از سیدالشهدا؛ پس آنها از ریختن خون امام مبری هستند.

دلیل تبرئهی امویان از خون امام، روابط بسیار خوب امام با معاویه در دوران خلافت اوست.

اختلاف امام با معاویه - و حتی یزید - در مسئله ولایتعهدی،

ص: ۱۱۰

اجتهادی از دو طرف و بدون قصد قیام بود. این شیعیان بودند که به فتنه دامن زدند.

تفاوت سیره‌ی تاریخی حسنین، و نزدیکی سیره‌ی امام حسن به اصول اسلامی.

شهدای کربلا که همانا خلفا هستند، در میان شیعه مهجورند.

محل دفن امام حسین مشکوک است.

امام حسین در طول زمان اعتراضش با یزید مشکل خاصی نداشت و حتی درخواست می کرد پیش او برود و با او بیعت کند، مشکل اصلی او با کوفیان بود.

بسیاری از جزئیات حادثه‌ی کربلا دروغ و مشکوک است؛ مانند: آتش زدن به خیمه‌ها و اسارت.

۳. شبّهات بازتابی

روانشناختی:

عزاداری باعث افسردگی اجتماعی است.

عزاداری بهانه‌های برای سوء استفاده از نام حسین است.

سب و لعن و عزاداری باعث ایجاد روحیه‌ی نفرت و کینه‌جوئی از مسلمانان است.

فرهنگی:

پس از رخداد عاشورا، تمامی جانیان مجازات شدند، پس دلیلی برای امتداد عاشورا و استمرار یادکرد آن وجود ندارد.

ص: ۱۱۱

عاشورا در تاریخ پیامبران روز مهمی بوده، پس باید آن را با روزه و یا جشن پاس داشت.

از اولین عزاداران برای حسین یزید و زنان او بودند.

عاشورا اگرچه هست، ولی نباید تبدیل به فرهنگ شود، و فرهنگ عاشورایی بدعت و خرافه است.

اسلام دین عزا و مصیبت نیست، دین نشاط و شادی است و عاشورا روز جشن و شادی است، به ویژه که امام در بهشت برین است.

زیارت عاشورا، زیارتی با هدف نشر و نهادینه‌سازی سبّ و لعن است.

عدم استناد عزاداری به اهل بیت و بدعت‌سازی آنها توسط حکومت‌های شیعه.

منشأ عزاداری شیعه، آلبویه و صفویه است و منشائی نزد دین و پیامبر و صحابه ندارد.

آیا امام به عزاداری ما نیاز دارد؟

آیا امام امروز در برزخ عزادار است یا در نعمتهای بهشت متنعم است؟

چرا در روضه‌های عاشورایی، نام شهدای اهل بیت که به نام خلفا است را نام نمی‌برید؟

توجه

در یک نگاه تسییقی، بین انواع مغالطه با تنوع شبّهات عاشورایی،

ص: ۱۱۲

شاهدیم که بیشترین نوع مغالطه‌های که مورد استفاده قرار گرفته بوده، مغالطات زیر است:

مغالطه در استدلال پیشفرض نادرست.

مغالطات عدم دقت برای گمراه سازی.

مغالطات نقل.

مغالطات ادعای بدون استدلال.

مغالطات مقام نقد.

مغالطات مقام دفاع.

این فهرست نشان می‌دهد که وهابیت، ابتدا مبتنی بر یکی از روش‌های مغالطه (همانند مغالطه استدلال پیشفرض نادرست) زمینه را برای شبهه‌سازی فراهم می‌کند. سپس برای نقل شبهه یا نقد پاسخ‌های شیعه به تکمیل و توسعه شبهه می‌پردازند. بدین جهت در زمینه بررسی شبهات عاشورایی مسئله‌ی جریان‌شناسی در یک شبهه و یا در کلیت شبهات عاشورایی ضرورت دارد.

۷. معرفی منابع و پایگاه های عاشورائی

۷. معرفی منابع و پایگاه های عاشورائی

در مقام پاسخگوئی به شبهات عاشورائی میبایست به استفاده از کارشناسان آشنا به فن مناظره و آگاه از شبهات و مسلط به فعالیت‌های رسانهای وهابیت استفاده کرد. در این زمینه یکی از ضعف‌های برنامه‌های تولیدشده در سازمان، استفاده از کارشناسانی است که کمترین آشنایی و پیگیری را نسبت به جنگ رسانهای دارند.

در نخستین مرحله، کارشناسان، نویسندگان، برنامه‌ریزان، و تهیه

ص: ۱۱۳

کنندگان در مقام پاسخدهی و مواجهه با شبهات باید نسبتبه منابع و متون و تنوع آن منابع دارای اطلاعات کافی باشند، تا ناظر به ضرورت پاسخگوئی جامع، به منابع متعدد و تخصصی مراجعه کنند. خصوصاً که در طول تاریخ و هم در نیم قرن اخیر در این زمینه آثار عالمانهی متنوعی، هم در قالب کتاب و هم در قالب تولید مجموعه نرمافزاری و هم در قالب پایگاه اینترنتی تولید شده است.

[\(۱\)](#)

۱- برخی از این آثار در آخر این نوشتار، نام برده شده است.

ص: ۱۱۵

فصل دوم: روش پاسخ‌گویی به شبهات و مغالطات عاشورایی در شبکه‌های ماهواره ای

اشاره

فصل دوم: روش پاسخ‌گویی به شبهات و مغالطات عاشورایی در شبکه‌های ماهواره ای

زیر فصل‌ها

درآمد

نمونه ای از شبهات عاشورایی وهابیت، روش آنالیز و کشف مغالطات به کار رفته، و جست‌وجو از روش پاسخ‌گویی بینارشته ای

ص: ۱۱۷

درآمد

درآمد

در فصل اول در مقام بازشناسی چیستی و چرایی شبهات وهابیت اهداف آن بیان شد از جمله:

(یک) تلاش برای مصادره‌ی ارزشها و پیشینه‌ی عاشورا به نفع خود.

(دو) تلاش برای تقلیل جایگاه تاریخی عاشورا.

(سه) تلاش برافراکنی جنایات عاشورا.

(چهار) تلاش برای وارونه‌سازی واقعیتها.

(پنج) تلاش برای تخریب و یا نابودی فرهنگ عاشورایی.

مبتنی بر این اهداف بود که ضمن ارائه‌ی پیش‌آگاهیهای لازم از مبانی کلامی-تاریخی وهابیت، گونشناسی شبهات آنان هم ارائه شد، تا معلوم گردد که وهابیت تمام ارزشها و ظرفیتهای عاشورائی را مورد هجوم خود قرار داده‌اند. آنگاه در مقام کشف مغالطه‌های عاشورایی با توجه به چندوجهی بودن بنیانهای معرفتی عاشورای شیعی، دانستیم که در مقام ابطال شبهه‌ها، میبایست به روش کشف رمز و کشف مغالطه‌ی ترکیبی متوسل شد؛ روشی که مبتنی بر اصول و ابزارهای زیر است:

کلامی

تاریخی

مطالعات دینی تطبیقی/مقایسه‌ای

ص: ۱۱۸

ادوار شناسی پیدایش و تطور یک فرقه یا مذهب از جهت فکری

مطالعه هر مذهب از جهت نظامواره سبک زندگی و کارآمدی آن در دنیای مدرن

بازخوانی مبانی نگرش تاریخی هر فرقه با کمک روش های قرآنی و عقلی و علمی

استفاده از مطالعات فلسفه تاریخی برای ایجاد تاریخ تحلیلی به جای تاریخ نگاری توصیفی صرف

استفاده از روش گاه شماری تاریخی با هدف کشف توصیفی دقیق رویدادهای موازی حق و باطل

اطلس شناسی رویدادها و نسبت شناسی تحولات مکانی و جغرافیایی در یکدیگر

شخصیت شناسی تفصیلی افراد سفید/سیاه/خاکستر

اینک در مقام عمل برای جستوجو از روشهای مواجهه با شبهات ماهوارهای وهابیت، و تلاش برای کشف مغالطات و دستیابی به مجموعه پاسخهای کارآمد و معرفی ایدههای برنامه‌سازی، نمونه‌های از مهمترین شبهات عاشورایی وهابیت را مورد واکاوی قرار میدهم. این شبهات در دستهبندی زیر ارائه میشوند:

- شبهات کلامی.

- شبهات تاریخی.

- شبهات فقهی.

- شبهات فرهنگی.

ص: ۱۱۹

این رویکردها هر کدام یک زاویه از زوایای عاشورا معرفی میکنند، تا از یک سو گستردگی فرهنگ عاشورائی را نشان دهد و دامنه‌ی آن را در تمامی دانشهای اسامی به نمایش بگذارد و به موازات آن نشان دهد که چگونه تمامی حوزههای فرهنگ عاشورا مورد هجوم شبهات قرار گرفته است. از آنجا که هر گرایش علمی روشها و ساختارهای علمی متناسب با خود دارد، بدیهی است که در کنار برخی نکات و روشهای مشترک، معرفی توجهی به روشها اختصاصی و تخصصی در هر گرایش علمی مدنظر این اثر میباشد. بدین جهت در هر گرایش از گرایشهای چهارگانه بهجای پاسخدهی به تمامی شبهات، تنها برخی از مهمترین شبهات مورد آنالیز قرار میگیرد تا اصول کلی مواجهه در آن گرایش معرفی گردد.

نمونه ای از شبهات عاشورایی وهابیت، روش آنالیز و کشف مغالطات به کار رفته، و جست و جو از روش پاسخ گویی بینارشته ای

اشاره

نمونه ای از شبهات عاشورایی وهابیت، روش آنالیز و کشف مغالطات به کار رفته، و جست و جو از روش پاسخ گویی بینارشته ای

زیر فصل ها

۱. شبهات کلامی - تاریخی

۲. شبهات تاریخی

۳. شبهه های فقهی

۴. شبهه های فرهنگی

۱. شبهات کلامی - تاریخی

اشاره

۱. شبهات کلامی - تاریخی (۱)

شبهات کلامی اولین مرحله و مبنائترین شبهات وهابیت در موضوع فرهنگ عاشورایی هستند. چرا که دانش کلام در نقش اولین پیشفرض

۱- مباحث کلمی در اصول پنجگانه‌ی کلام شیعه، برخی کلامی صرف هستند؛ مانند مباحث توحید و معاد. ولی برخی از اصول ناظر به پیوندی که با زمان و زندگی زمینی دارند، دارای حیثیت تاریخی قویای هستند. دو اصل نبوت و امامت از یکسو مرتبط به معارف نظری هستند که در کلام اثبات میشود و از آن به نبوت و امامت عامه نام برده میشود و از سوی دیگر نگاهی به مباحث مصداقی و عینی در بستر واقعیتها دارند، که از این جهت با عنوان نبوت و امامت خاصه نام برده میشود و به مسئله‌ی عدد معصومین

و زندگی آنان و فرایند تاریخی مواجهه‌ی حق و باطل می‌پردازد. از این جهت معارف کلامی، حیث ترکیبی می‌یابند. اکثر شبّهات کلامی عاشورا و محرم از این دسته از شبّهات کلامی هستند.

معرفتی در هندسه دانشهای دینی قرار دارد. اگر بتوان این بنیان را تخریب نمود بهراحتی میتوان به اهداف زیر یکجا دست یافت:

- تمامی مسائل تاریخی خوبه خود توجیه میشود.

- موضوعات فقهی تغییر حکم میدهد.

- مسائل فرهنگی سالبه به انتفاء موضوع میشوند.

بدین جهت است که در میان شبهات عاشورائی تمرکز بر این گونه از شبهات به صورت مستقل و یا در ضمن بیشتر شبهات تاریخی و فرهنگی به چشم میخورد. میتوان ادعا کرد که بیشتر شبهات تاریخی و فرهنگی همیشه بر بستر یک و یا چند شبهه و یا مبنای کلامی مطرح میشوند. بدین جهت دانستن روششناسی مواجهه با اینگونه شبهات باعث تضمین بالاترین سلامت برای فرهنگ عاشورائی میباشد. ناظر به این واقعیتهاست که در مقام توجهدهی به زوایای روششناسی مواجهه، بهجای یک شبهه، سه شبهه از شبهات کلامی و یا کلامی-تاریخی مورد معرفی و نقد اجمالی قرار میگیرد.

۱-۱. شبهه دوگانگی رفتار حسنین علیهما السلام و اثبات عدم عصمت آنان:

۱-۱. شبهه دوگانگی رفتار حسنین علیهما السلام و اثبات عدم عصمت آنان:

در میان شبهات ماهوارهای وهابیت در موضوع عاشورا، یکی از موضوعهایی که بهشدت مورد هجوم قرار گرفته است، مسئله نوع رابطه حسنین علیهما السلام است. در قرائت کلامی شیعی دانسته شد که این دو امام معصوم هستند و از جهت تاریخی، یکی پس از دیگری به امامت می رسند و ناظر به شرایط زمانه، یکی صلح میکند و دیگری دست به قیامی حماسی میزند (۱) ولی در نگاه وهابی، ضمن اینکه آن دو از

۱- قال رسول الله ۹: أَنَّهُ قَالَ ص ابْنَايَ هَذَا إِمَامَانِ قَامَا أَوْ قَعَدَا. (المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۶۸)

برجستگان صحابه هستند، دارای دو دیدگاه متفاوت در مسائل سیاسی میباشند و قیام عاشورا نه یک حکم دینی و عقلی مورد امضای اهل بیت، بلکه صرفاً ناشی از اجتهاد شخصی امام حسین علیه السلام میباشد. اجتهادی که ناشی از شخصیت هجومی و حس غیرت ایشان است که در بستر سوء برداشتها و فریبهای زمانه، بهجای قیام ناخواسته به جنگی ناخواسته کشیده میشود و در نهایت کشته میشود. پس تفاوت رفتار مسنین علیهما السلام بیانگر عدم عصمت آنان است. کارکرد طلایی این شبهه برای وهابیت از این جهت است که امام حسن علیه السلام و روحیه صلحگرایی ایشان را هم در برابر امام علی علیه السلام پدرش و هم در برابر امام حسین علیه السلام قرار می دهد. ناظر به این ظرفیت مغالطه‌آمیز است که وهابیت با صرف هزینه‌های هنگفت یک سریال به نام «الاسباط» تنها براساس تبلیغ و تأکید بر این شبهه تولید میکند تا به گمان خود ضربهای کاری به بنیان تشیع وارد سازد. این شبهه و بنیانهایش به شرح زیر است:

شبهه ۱: شبهه دوگانگی رفتار مسنین:

شبهه ۱: بین سیرت مسنین علیهما السلام در برابر امویان تفاوت است و ای کاش امام حسین علیه السلام همانند برادرش عمل میکرد که با وجود قدرت نظامی با معاویه صلح کرد.

منشأ پیدایش شبهه

شبهه

نوع مغالطه

کلامی

مسنین، امام معصوم و عالم به غیب نبوده و رفتارها و انتخاب هایشان مبنیبر اجتهادات شخصی بوده است.

مغالطه تغییر تعریف.

مغالطه کوچک

ص: ۱۲۲

نمایی مقام اهلیت.

مغالطه تفسیر به‌رای دربارهی مقام اهلیت.

مغالطه مسموم کردن سرچشمه نسبتبه اعتقادات شیعه.

سیاسی

عاشورا نه ناشی از رفتار سیاسی یزید، بلکه ناشی از نوع رفتار سیاسی امام در تمامی فرایند قیام است.

مغالطه اتهام ابهام

مغالطه ارزیابی یک طرفه

مغالطه مصادره به مطلوب

تاریخی

از نظر تاریخی بین معاویه و یزید تفاوتی نبود، ولی بین مشی سیاسی حسنین علیهما السلام تفاوت است. عامل عاشورا تفاوت نگرش اهلیت است، نه آن وحدت عملکرد امویان.

مغالطه ساده‌نگاری یک مدعا

مغالطه توسل به جهل

مغالطه زمان پریشی

اجتماعی

امام حسن علیه السلام در جامعه پایگاه اجتماعی داشت، ولی امام حسین علیه السلام در جامعه جایگاهی نداشت.

مغالطه حفظ پیش فرض

ص: ۱۲۳

مدیریتی

امام حسن علیه السلام در ارزیابی شرایط، کلنگر و آینده‌نگر ولی امام حسین علیه السلام جزءنگر و لحظهنگر است.

مغالطه‌ی حمله‌ی شخصی

شخصیتی

بین حسنین از جهت شخصیتی تفاوت وجود دارد. امام حسن علیه السلام مصلحت عامه‌نگر و دارای بصیرت بود، ولی امام حسین علیه السلام متأثر از شرایط تا عمق بحران خودساخته و یا ناخواسته کشیده شد.

مغالطه‌ی کامل نامی‌سر

مغالطه‌ی پهلوان توخالی

مغالطه‌ی تخطئه‌ی شخص

دقت در جدول بالا- نشان می‌دهد که چگونه یک ادعای یک خطی و کوچک می‌تواند پشت سر خود مجموعه‌های از مغالطات را داشته باشد. شبهه‌های که در بطن خود دست به دامان انواع و اقسام مغالطات ابهام، مغالطات عدم دقت برای گمراه سازی، مغالطات نقل، مغالطات ادعای بدون استدلال، مغالطات مقام نقد، مغالطات مقام دفاع و مغالطه در استدلال پیشفرض نادرست میشود. بدین جهت در مواجهه با این شبهه و ناظر به مخاطبی که طالب و یا مقصد پاسخگویی است، جوابها

می تواند متفاوت باشد و از جوابهای استدلالی تا جوابهای نقضی و یا استفاده از فن مغالطه بر علیه مغالطه را شامل شود.

در تقسیمبندی شیوههای جواب باید دانست که اگر مخاطب درون پنی بود و یا طالب شناخت حق بود، در اینجا راهبرد مطلوب پاسخدهی حلی و استدلالی میباشد. ولی اگر مخاطب خود مغالطهگر و یا جامعهی وهابیت بود، در اینجا بهعلت دوری ذهنیت اینگونه افراد و جوامع از نگرشهای علمی و عقلی، روش پاسخدهی نقضی کارآمدتر میباشد(۱) و در زمانه اوجگیری مواجهه جهت مشغولسازی دشمن، راهبرد مغالطه بر علیه مغالطه هم مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

نکتهی دیگری که در مواجهه با مغالطههای کلامی باید به آن توجه داشت، مسئلهی دوگانگی حق و باطل در اینگونه از شبهات است. چرا که در بینش دینی وقتی تقابلی در سطح رهبران فکری رخ بدهد بدیهی است که یکسو حق و دیگری بر باطل میباشد، ولی در مقام مغالطه سازی ادعای بهره‌مندی هر دوطرف از حقانیت و یا وجود رگه‌هایی از باطل و خطا در هر دوسو کافی است که مسئلهی حق و باطل را به فنا برده و ارزشهای کلامی یک حماسه را تخریب کند، تا در نهایت حماسی بودن اصل رویداد، مورد خدشه قرار گیرد. بدین جهت در مقام دفع مغالطه‌ی کلامی عاشورایی تلاش موازی، برای بیان حقیقت

۱- وهابیت چون در روش دینپژوهی، معتقد به تعطیلی عقل و حدیث‌نگرا است بدین جهت در مواجهه‌ی مستقیم با او روشهای استدلالی و حتی جوابهای حلی دروندینی کارائی ندارد و تنها روش استدلال نقضی آن هم، صرفاً از قرآن و یا منابع حدیثی اهل سنت کاربرد دارد؛ ولی اگر مخاطب هدف، جامعهی شیعی و یا مسلمان غیروهابی و یا جامعهی غیرمسلمان بود، بدیهی است که در مقام دفع شبهات وهابیت روشهای استدلالی درون دینی و یا بروندینی کارایی خواهد داشت.

چهره‌ی جبهه‌ی حق (اهلیت) و جبهه‌ی باطل (امویان) ضروری است. زیرا در اینجا مغالطه‌ی وهابیت کوچکنمائی و بزرگ نمائی است. آنان در یک بازی دوگانه، از یکسو مقام قدسی امامان معصوم را تنزل رتبه دهد و از سوی دیگر مقام امویان را رشد داده، تا این دو همشأن و یا دارای مرتبه‌های نزدیک بهم گردند. تا در نتیجه یا همی بار اتهام بر گردن امویان نوشته نشود و یا اینکه با ساده‌سازی رویداد از سنگینی و ارزش آن بکاهند. پس در مقام کشف مغالطه‌ی کلامی، ناظر به دوگانگی حق و باطل و با توجه به همان روابط بینارشته‌ای، در این مقام باید مجموعه‌های از اقدامات زیر انجام بگیرد:

- با استفاده از دانش انسانشناسی قرآنی-فطری-عقلی، وجود انسان کامل و تعریف آن روشن گردد. آنگاه جایگاه انسان کامل (در قالب امام) در بستر زمان و شرایط زمانه معرفی گردد تا معلوم شود که وهابیت اصولاً بر ضد دیدگاه قرآنی درباره‌ی شخصیت و مقام معصومین هستند.

- رویداد عاشورا را فراتر از یک درگیری کوچک، در بستر نگرش فلسفه‌ی تاریخی، رویدادی اثرگذار در تاریخ مواجهه‌ی حق و باطل معرفی نمود.

- ناظر به آگاهی دشمنان از مقام و منزلت امام معصوم، جنایات آنان را در کربلا نه یک حادثه در میان هزاران حادثه، بلکه جنایت علیه دین و بشریت و تاریخ معرفی نمود.

- برای این رویداد شعاع اثرگذاری تاریخی تعریف کرده و براساس آن فرهنگ پویای حماسه و ایثار و ذلتگریزی را تعریف نمود؛ حتی در

تاریخ اسلام، کربلا را مهمترین مرجع برای تعریف فرهنگ ظلمستیزی در برابر مدعیان مسلمانی قرار داد. (۱)

این همه بدان دلیل است که وهابیت با حذف عنوان امام از حسنین، شخصیت آنان را در حد دیگر انسانها تنزل میدهند. تا وقتی که این دیدگاه انسانشناختی حداقلی وجود داشته باشد، بدیهی است که شبهات عاشورایی به حیات خود ادامه میدهند.

پس در مواجهه با این شبهه مهم عاشورائی یکی از مهمترین راهبردهای مواجهه، کشف مغالطات و وارونه سازی های انسان شناختی وهابیت درباره شخصیت حسنین علیهما السلام است. این در حالی است که در اکثر قریب به اتفاق برنامه سازیهای رسانه‌ی ملی، به این زاویه‌ی گرایش از بحث، کمتوجهی میشود و بهجای تعیین تکلیف دیدگاه در این مبنائترین پیشفرض، نظام برنامه سازیها و یا موضوع سخن کارشناسیها به سوی نتایج و دستاوردهای اندیشه شیعی و یا وهابی می رود بدون پیش از آن مبانی بحث مورد نقد و بررسی و یا اثبات قرار گرفته باشند.

در این پاسخگوئی جامع، از یکسو باید پیشفرضهای بنیادین شبهه و ضدشبهه را شناسائی کرد، آنگاه موارد وارونه‌سازی و انجام مغالطه را در انتها شناخت؛ آنگاه به حسب نیاز و تنوع مخاطب به مدیریت جوابها پرداخت. بهعنوان نمونه در این شبهه از یکسو با روشهای حلی انسانشناسی باید ماهیت انسانی رهبران حق و باطل را از جهت انسان کامل و یا

۱- نکته ای که در این سخن است این که: اصل ظلم ستیزی در اسلام وجود دارد. ولی ظلم ستیزی درون اسلامی در دیگاه غیر شیعی یا وجود ندارد و یا بسیار کم رنگ است. و تنها این عاشورا است که مسئله مواجهه با ظلم و فساد درون دینی را تبدیل به اصل و فرهنگ می نماید.

ص: ۱۲۷

غیرکامل بودن کشف کرد. آن گاه براساس ادلهی دروندینی برآمده از قرآن و حدیث، مقام عصمت و انسان کامل بودن رهبری حق را اثبات کرد. سپس در ناحیهی باطل، مبتنی بر نگاه فلسفه‌ی تاریخی، پیچیدگی توطئه‌ها و نقشه‌های جریان باطل و ماهیت درونی و لایه‌های پنهانی او را افشا کرد. در نهایت برای اثبات این همه مدعا، دست به رصد موارد نقض شبهه در منابع مورد استناد و هابیت زد. بدین جهت ایده‌های برنامه‌سازی در این زمینه گسترهای از دانشها را فرامیگیرد که عبارتند از:

ایده‌های برنامه‌سازی در مقام پاسخدهی

رویکرد ایده

ایده‌ی پیشنهادی در مقام جوابدهی

انسانشناسی

انسانشناسی تطبیقی فرقه‌های اسلامی (شیعی - سنی اشعری - سنی وهابی و ...) و تطبیق نتایج هر برداشت بر نوع قرائت از عاشورا.

کلامی - تاریخی

بررسی تاریخ ۲۵۰ ساله‌ی امامت شیعی با رویکرد شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌های دوره و سیره‌ی هر یک از امامان معصوم علیهما السلام.

شخصیتشناسی (دشمن شناسی)

شخصیتشناسی معاویه براساس رفتارهای او پیش و پس از صلحنامه و پیش و پس از شهادت امام حسن علیه السلام، با هدف نمایش سیاست گام به گام او در تحریف و تخریب اسلام ناب.

کلامی

بررسی دلایل عصمت امامان شیعه، به همراه بررسی ویژه‌ی دلایل عصمت امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام.

ص: ۱۲۸

تاریخی

بررسی دوران امامت امام حسین علیه السلام و سیره‌ی سیاسی و اجتماعی ایشان، در دو دوران صلح با معاویه و قیام بر علیه یزید، با هدف نمایش تفاوت سیره‌ی امام حسین علیه السلام، به اقتضای شرایط زمانه.

گاهشمار دهساله‌ی امامت امام حسین علیه السلام در زمان معاویه با رویکرد بازشناسی رفتارها و موضعگیری‌های امام علیه السلام و معاویه نسبت به یکدیگر.

تاریخی-حدیثی

بررسی روایات نبوی درباره‌ی تفاوت سیره و وظیفه‌ی امام حسن علیه السلام-صلح- و امام حسین علیه السلام-قیام- در منابع شیعه و اهل سنت.

کلامی-اجتماعی

بررسی تطبیقی عصمت و امامت حسنین علیهما السلام، با نظریه‌ی اجتهاد بهرأی و نتیجه متفاوت این دو دیدگاه در ظلم ستیزی شیعه و ظلم‌پذیری وهابیت.

روش‌شناسی

معرفی تفاوت شخصیت معاویه در احادیث مستند نبوی با قرائت رسمی عامه از او، باهدف معرفی تناقض نگرش حدیثی و کلامی عامه و بازتاب تاثیر پیشفرضها.

سیاسی

معرفی دیدگاه وهابیت درباره‌ی حسنین، بهعنوان نظریه‌ی ذلت‌پذیری سیاسی جامعه‌ی اسلامی.

یادآوری: هدف از بیان این شبهه، تأکید بر جایگاه دانش انسانشناسی هم در تبیین مکتب حق و هم در مقام دفع شبهات وهابیت و غیر وهابیت به تشیع در دو اصل نبوت و امامت است. چرا که تا تفاوت دیدگاهها و دیدگاه حق بر مبنای عقل و نقل مورد بحث قرار نگیرند، دست و پا زدن در تمامی

مباحث پسینی، راهبردی ناقص می‌باشد که بیشتر برای توهم پاسخدهی کفایت می‌کند. و در زمانی رواج دانشهای بشر و ارتقای سطح معلومات مخاطب رسانه نمیتواند به اقناع مخاطب یاری برساند.

شبهه ۲: امامکشی شیعیان در کربلا

مسئله شیعه و یا غیر شیعه بودن دوطرف حادثه کربلا یکی از پر حجم ترین تبلیغات این سالهای وهابیت است. بهویژه که آنان در مصاف با شیعه، هیچ جایگزینی برای عاشورا ندارند و جز تلاش برای مصادره‌ی عاشورا هیچ راهی پیش خود نمی‌بینند. بدین جهت در این چند سال اخیر در شدیدترین حملات رسانهای و ماهوارهای خود، مدعی شده‌اند که اکثر فرماندهان و خواص اجتماعی کوفه که در جنایت عاشورا نقش داشتند از تشیع بوده‌اند. آنها در جدیدترین کشف شگفتانگیز خود مدعی شیعه بودن عبیدالله بن زیاد مهمترین متهم حادثه کربلا شده‌اند (۱). یا در برخی از اختراعاتی واژگانی خود، عناوینی مانند «شیعه‌ی خوارج شده» را به کار می‌برند. این همه حاکی از عمق ضربه است که هم جهان استعمار و هم وهابیت از تشیع خورده است. بدین جهت سرمایه‌گذاری وسیعی کرده‌اند تا این واژه را به یک ضدارزش در جهان اسلام تبدیل سازند. آنان در این جنگ نرم جدید، تشیع را به فرقه‌های انحرافی و ضداسلامی معرفی کرده و تمامی حوادث تلخ تاریخی را به آن منتسب می‌سازند. شبهه‌ی عاشورائی آنان در این راستا این است که:

شبهه ۲: امام و یارانش از مسلمانان بودند. کوفیان شیعی، امام را

۱- در این زمینه ادعا کرده‌اند که در برخی منابع رجالی شیعه از او به‌عنوان راوی و اصحاب حدیثی امام علی علیه السلام یاد شده است!

ص: ۱۳۰

دعوت کردند ولی به او خیانت ورزیدند، آنگاه او را در کربلا به شهادت رساندند.

منشأ پیدایش شبهه

شبهه

نوع مغالطه

تاریخی

کوفه شهری شیعی بوده است.

مغالطه توسل به جهل

مغالطه تحمیل پیشفرضها

مغالطه کنه و وجه

مغالطه آماری

مغالطه عبارات جهتدار

کلامی

امام از عامه بوده است.

مغالطه تفسیر به رأی و تحریف

مغالطه ذهنیگرایی

مغالطه جزمیگرایی

کلامی-فرهنگی

هر کس که به امام نامهی دعوت نوشته، شیعه است.

مغالطه ابهام واژه و یا تغییر تعریف (۱)

مغالطه کمیته‌گرایی افراطی

مغالطه‌ی کلنگری

استنتاج باطل از حق

مدیریتی-شخصیتی

امام فریب کوفیان را خورده است.

مغالطه‌ی اتهام نادانی و

۱- در این مغالطه دعوت گری که یک رفتار آشکار است و میتواند از جهت باطنی محملهای فراوانی داشته باشد، مترادف با شیعه‌گری گرفته میشود.

ص: ۱۳۱

توهین

مغالطه‌ی ارزیابی یکطرفه

تاریخی

لشکر کربلا چون کوفی بوده پس شیعه بوده است.

مغالطه‌ی مصادره به مطلوب

مغالطه‌ی سؤال مرکب

کلامی

در ماجرای کربلا نه عامه و نه امویان تقصیری ندارند.

مغالطه‌ی کوچکنمایی

مغالطه‌ی تله‌گذاری

همانگونه که مشاهده میشود برای ایجاد شبهه شیعه بودن تمامی کوفیانی که در آفرینش حادثه‌ی کربلا نقش داشتند، ترکیبی از خودسانسوری و تحمیلگری پیشفرضها، بهمراه کوچکنمایی نقش جریانهای غیرشیعی بهکار گرفته شده است و در این ادعا برای اثبات شیعی بودن کوفیان معاصر با امام حسین علیه السلام تنها به دعوتگری آنان از امام اکتفا میشود. همانگونه که برای اثبات شیعه‌گری کوفیان در زمان حضور ۴ ساله‌ی ایشان در کوفه تنها به در رکاب امام بودن در جنگها استدلال میشود. (۱) در ادامه برای غیرشیعی بودن امام حسین علیه السلام تنها بدین دلیل ادعا میشود که امام قطعا از مسلمانان بوده است. پس ایشان قطعا از عامه است و این شیعه بودن ایشان است که دلیل میخواهد. اگر پرسیده

۱- این در حالی است که اکثر مسلمانان با امام علی علیه السلام تنها با عنوان خلیفه بیعت کردند، نه با عنوان اینکه ایشان امام است. از سوی دیگر بسیاری از آنان ضمن اینکه با تردید در جنگهای امام با دشمنانش شرکت کردند، خیلی زود باعث ریزشها و پیدایش جریان خارج شدند. خوارج، مسلمانانی از عامه بودند که تنها یک سال علی علیه السلام را بهعنوان خلیفه تحمل کردند. مسئله‌ی دعوتگران از سیدالشهدا علیه السلام و یا بیعتگران با حضرت مسلم هم، به همین گونه بوده است.

ص: ۱۳۲

شود که: اگر جنایت کربلا را تنها کوفیان شیعی به وجود آورده‌اند پس نقش یزید و حزب اموی در این میان چه میشود؟ می‌گویند او خلیفه‌ی مسلمانان بود و باید امنیت و سلامت جامعه را تضمین میکرد. پس در مواجهه با قیام امام حسین علیه السلام صرفاً چند دستور کلی داد و بس. ولی این شیعیان بودند که با رفتارهای خود بحران را گسترده کردند.

پاسخ به شبهه

اشاره

پاسخ به شبهه

این شبهه به ظاهر یک شبهه کلامی است ولی واقعیت این است که این شبهه شبهه‌های کلامی-تاریخی است. کشف این مغالطه‌ها از یکسو نیازمند فهم مبانی کلامی در شیعه‌شناسی-سنی‌شناسی است؛ خصوصاً وقتی که واژه‌ی شیعه و یا سنی و یا وهابی صرفاً دلالت بر آموزه‌های کلامی ندارد و شامل نوع موضع‌گیری‌های سیاسی و فرهنگی و تعریف سبک زندگی هم میشود.

از سوی دیگر برای این شیعه-سنی‌شناسی فکری و اندیشه‌های باید سیر تطور این گروه‌بندی‌های فکری مورد بازخوانی قرار گیرد(۱).

۱- تا به عنوان نمونه معلوم شود آیا در قرن اول سنی گری مترادف عمان عثمانی گرائی است یا نه؟ و یا این که در زمان تقسیم شدن خلافت بین امویان و عبدالله بن زبیر، از جهت کلامی/سیاسی مشی خواص و عوام اهل سنت چه بوده است؟ تا دانسته شود که همانگونه که واژه شیعه می‌توانسته از جهت اجتماعی و تاریخی دارای روند تحول و تکامل باشد، همچنین واژه تسنن نه تنها در سده اول بلکه تا پایان سده دوم هجری دارای معنای شفاف و روشنی نبوده است. این در حالی است که تفاوت این دو گرایش در این بوده که واژه شیعه اگر هم تطور و تحولی دارد تنها از جهت اجتماعی است و گرنه به واسطه مدیریت فکری امامان از ثبات اعتقادی برخوردار است. ولی واژه تسنن در آن سال‌ها هم از جهت فکری و اعتقادی دچار سرگردانی است و هم از جهت جریان‌شناسی اجتماعی. به شهادت این که هم اب حنیفه و هم مالک بن انس رهبران دو گرایش بزرگ فقهی عامه، در آن سال‌ها: گاه با خلفای اموی/عباسی بیعت می‌کنند. و گاه در قیام زیدیه مشارکت دارند و گاه در حال فرار بیعت هیچ خلیفه‌ای بر گردن آنان نیست و در تحریر سیاسی می‌باشند.

ص: ۱۳۳

مبادا با معیار موضع‌گیریه‌های معاصر به تحلیل رویدادهای تاریخی پرداخت. (۱)

نکته دیگری که در کشف اینگونه مغالطات باید صورت بگیرد، انجام مطالعات جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی درباره‌ی جوامع صدر اسلام و خصوصا کوفه‌شناسی است، تا از جهت فکری و اعتقادی نوع گرایش و میزان اعتقاد آنان مشخص شود. تا اصولا مبنای شبهه از تاریخی مورد بازخوانی قرار بگیرد.

برای تحقق این اهداف باید از چند روش محتوایی استفاده کرد، که عبارتند از:

- بازخوانی مفهومی و تاریخی شیعه و سنی در صدر اسلام و اینکه در آن سالها اصولا غیرشیعیان، چه نسبتی با خوارج، امویگری، ضدیت و یا اقبال به عثمانیگرایی داشته‌اند. (۲)

- بازخوانی سیر پیدایش و گسترش تشیع در صدر اسلام، خصوصا در مقطع زمانی بین رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تا عاشورا و از عاشورا تا آغاز دوران غیبت کبری.

- ارائه گاهشمار پیدایش و رشد و تحولات شهر کوفه، و مطالعه زمینهای پیدایش جریانهای فکری و فرهنگی در آن و نسبت هریک از این جریانها با تشیع؛ خصوصا از جهت اینکه آیا اصولا در فضای

۱- یکی از مغالطات مهم تاریخی همین مغالطه سنجش تاریخ با محک پیش فرض های معاصر است. بدین معنا که تصور شود بین شیعه زیدی در زمان حال با شیعه زیدی در مراحل شکل گیری اولیه هیچ تفاوتی وجود ندارد. بدین جهت حکمی واحد بر هر دو جاری کرد.

۲- در این زمینه باید بین شیعه‌ی اعتقادی، شیعه‌ی عراقی به معنی اهلسنت دوستدار اهل بیت تفکیک نمود. ر.ک: فصل اول «اطلس شیعه در اسلام» و «تاریخ تشیع در ایران»، از رسول جعفریان.

ص: ۱۳۴

فرهنگی حاکمیت بلندمدت خلفا امکان نسبتدهی تشیع به کوفیان وجود داشته است یا نه؟

به‌عنوان نمونه در گاه‌شمار زیر در مورد شهر کوفه در حد فاصل پیدایش تا رخداد کربلا دقت نمایید تا معلوم شود که اصولاً کوفه شهری شیعی و یا شهری سنی نشین و یا کلکسیون از مذاهب و فرق است:

به نمودار مربوطه در نسخه pdf مراجعه شود.

- معرفی آماری و عددی جمعیت کلی و همچنین آمار تقریبی طرفداران گرایشهای کوفیان بهسوی فرقهها و گرایشهای اسلامی در آن زمانه و تبیین وضعیت فکری مدعیان تشیع در کوفه از جهت کمی و کیفی و کشف نوع نقشآفرینی هر یک از این جریانها در حادثهی کربلا.

- اثبات شیعهستیزی لشکر کربلا بر مبنای رجزها و شعارهای دو لشکر در عاشورا. (۱)

۱- البته ناظر به راهبرد تقریب اسلامی میتوان در ماجرای کشف واقعیات کوفه در زمانهی قیام، بهجای انحصار مباحث در دو گانه شیعی-اموی چند گانههای فکری را ردیابی کرد که عبارتند از: اکثریت اموی مسلک، اقلیتی از مدعیان تشیع اسمی، گروهی از خوارج، جمع قابل توجهی از جریان فکری علمای اهل رأی که بعدها خاستگاه مدرسهی فقه حنفی در عراق میگرددند و

ص: ۱۳۵

- بازخوانی پیامها و خطبه‌های امام از جهت نسبت‌سنجی آن با جریانهای اسلامی معاصر.
و ناظر به گسترهی متنوعی که این شبهه ایجاد میکند، ایده‌های برنامه‌سازی میتواند دارای تنوع زیر باشد:

ایده‌های برنامه‌سازی در مقام پاسخدهی

ایده‌های برنامه‌سازی در مقام پاسخدهی

رویکرد ایده

ایده‌ی پیشنهادی در مقام جوابدهی

کلامی

مطالعه‌ی واژگانی تقسیم‌بندی‌های فرقهای، و مطالعه‌ی سیر تطول و تحول فکری و فرهنگی فرقه‌های مشهور

کلامی-تاریخی

بحران فکری عامه در مواجهه با نزاعهای صحابه و تابعین و نقش آن در فرقه‌سازی.

سیاسی-فرهنگی

ادوارشناسی جریان خلافت پیش و پس از خلافت امام علی علیه السلام و نقش آن بر تقویت جریانهای ضدشیعی در کوفه.

اجتماعی

مطالعات آماری کوفه در آستانهی عاشورا و واقعیات جبهه‌بندی‌های اجتماعی شهر کوفه.

شخصیت‌شناسی تطبیقی

مقایسه حضور شخصیت‌های منافق در جامعه و جنگ‌های نبوی به تصریح قرآن با نفاقشناسی شخصیت‌های عاشورایی کوفه.

فکری-اجتماعی

جریان‌شناسی نفاق از مدینه تا کوفه.

اقتصادی

مطالعه نقش عامل‌های اقتصادی در تصمیم‌گیری‌های

ص: ۱۳۶

مسلمانان در مقایسه بین دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و بین جامعهی برآمده از سیاستگذاریهای خلفا.

اجتماعی

مطالعهی علت استقرار شهرهایی مانند مکه و مدینه و بصره و دمشق در یک فرهنگ غالباً باطل‌محور، در مقابل سرگردانی و چندپارگی فرهنگی شهر کوفه.

فرهنگی

بازتاب حضور اندیشه و حضور فیزیکی حداقلی حق در یک جامعه در فاصلهگیری آن جامعه از باطل محض و افتادن در سرگردانی و کش و قوس عوامل تأثیرگذار لحظه‌ای.

یادآور میشود که: امروزه برخی از شبههپراکنیهای ضدشیعی به‌ظاهر کارکردی تهدیدآمیز دارند، ولی در نهایت به‌علت فرصت‌سازایی که برای کشف و نشر حقایق میکنند باعث میگردند که زمینه برای مطالعات علمی نسبتبه رویدادهای صدر اسلام فراهم شود و در بلندمدت این جنگ نرم، تبدیل به فرصت تبلیغ حقایق تشیع در گسترهی جهانی شده و تلاشهای دشمنان نتیجهی عکس داده و باعث استحکام هرچه بیشتر مکتب حق شود. شبههی شیعه بودن لشکر کربلا، فرصت‌ساز مباحث کلامی و تاریخی در زمینهی شیعه‌شناسی میباشد که اگر با شیعه‌شناسی جغرافیایی روزآمد پیوند بخورد، آثار و برکات فراوانی خواهد داشت. صد البته سستی و سهلانگاری رسانه‌ی ملی در مواجهه با این دو گانهی تهدید-فرصت، میتواند خیلی زود وضعیت جاری فرهنگی کشور را تبدیل به وضعیت تهدید-ضعف بنماید. (۱) در این

۱- این بحث ناظر به روش مدیریتی و آسیب‌شناسی SWOT است. در زمینهی شبهه‌شناسی می‌توانید که از این روش و نتایج آن استفاده‌های فراوان می‌شود. ولی به‌علت تعریف نشدن کارگروه رصد و شبهه‌شناسی، این مهم فعلاً به آینده واگذار می‌گردد.

ص: ۱۳۷

صورت است که شبهه بهسرت، تبدیل به یک «بحران و سرطان فکری اجتماعی» خواهد شد.

شبهه ۳: علم غیب امام حسین علیه السلام

مسئله علم غیب معصوم، از مواردی است که بهشدت وهابیت به آن حمله میکنند و در مسیر اثبات تصمیم گیریهای سیدالشهدا علیه السلام براساس معیارهای طبیعی و علم ظاهری، اصرار دارند که در بسیاری از تصمیم گیریها، امام حتی از بسیاری از صحابه و تابعین هم کمخردتر عمل کرده؛ تا بدینگونه حادثه کربلا را از تمامی ساحت‌های قدسیاش تهی سازند. آنها مدعی میشوند که:

شبهه ۳: امام حسین در فرایند قیام، از علم غیب برخوردار نبود. بنابراین برخی از تصمیمهایش در مقایسه با صحابهی نصیحتگر او، برخلاف مصلحت و یا واقعیات جامعه بود. همین ویژگی بود که در نهایت او را به بحران کربلا وارد ساخت.

نگاه به منشأ پیدایش شبهه

شبهه

نوع مغالطه

کلامی

حسینبن علی علم غیب نمیدانست.

مغالطه‌ی تحمیل پیشفرض

مغالطه‌ی طلب برهان

مغالطه‌ی تغییر تعریف

مغالطه‌ی ذهنیتگرایی

تاریخی

حسینبن علی در انتخابهایش براساس علم ظاهری و دامنه‌ی اطلاعاتش عمل میکرد.

مغالطه‌ی ساده‌انگاری

مغالطه‌ی تحمیل پیشفرضها

ص: ۱۳۸

مغالطه‌ی ارزیابی یکطرفه

تاریخی-کلامی

حسین بن علی در برخی از تصمیم‌هایش اگر هم خطا نکرده باشد، اسیر شرایط و احساسات شده است.

مغالطه‌ی اتهام نادانی

مغالطه اصرار بر پیشفرض

مغالطه‌ی تخطئه‌ی شخص

کلامی

رفتن به کربلا با وجود علم به غیب، به معنی پذیرش خودکشی است.

مغالطه‌ی نکته‌ی انحرافی

مغالطه‌ی مسموم کردن سرچشمه

مغالطه‌ی تعمیم شتابزده

خاستگاه این شبهه‌ی وهابیت، تمرکز بر اصل انحصار عالم غیب به خداوند است. بدین معنا که هر آنچه که به عالم غیب مربوط است (علم به غیب و ولایت تکوینی و ...) انحصار به خداوند دارد و برای انسانها ظرفیت این جایگاهها وجود ندارد. پس هر آنچه که اثبات نعمت ماورائی برای معصوم را بنماید باطل و بدعت و شرک است. در این زمینه آنان از جهت روششناسی، گروه فراوانی از آیات قرآنی را که مستقیم و یا غیرمستقیم بر علم غیب معصومین دلالت میکند هم، نادیده گرفته و یا توجیه میکنند.

نکته‌ی جالب در این زمینه این است که در مورد عاشورا فراوانی احادیث پیشگویانه از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام در منابع فریقین،

که حتی در جامعه اسلامی آن روز بخشی از آن فراگیر بود، بر ضد این دیدگاه وهابیت است.

ولی متأسفانه وهابیت نه تنها بر نگرش خود اصرار دارد، بلکه در مقام دوگانگی حفظ مبانی خود و یا تخریب شخصیت امام حسین علیه السلام، در نهایت به تخریب شخصیت امام روی آورده و ایشان را از جهت شخصیتی و در مقایسه با دیگر صحابه و تابعین هم عصرش، کم تدبیرتر و یا با بصیرت کمتر معرفی میکنند.

هدف از ارائه این شبهه، این است که نشان دهیم یکی از کارکردهای شبهه‌پراکنی، تلاش برای تخریب شخصیت‌های مقدس است. در این مسیر، مغالطه‌گر ضمن تحمیل پیشفرضها و یک سویه نگری و تغییر تعریفها، تلاش میکند که با برجسبزی و متهمسازی شخصیت مقدس به تخطئه او براساس نگرش خود پردازد.

در این صورت در مقام پاسخگویی، ضمن کارایی مباحث استدلالی انسانشناسی، کلامی، و کاربرد ادله نقلی و دروندینی، باید متوجه عوارض روانی مغالطه هم بود و با ایجاد جریان فرهنگی، باورهای تخریب‌شده را تقویت کرد. بدین جهت است که معصومین، گاه در مواجهه با یک اندیشه‌ی انحرافی، ضمن استفاده از مباحث علمی، به تقویت شور و احساس دینی هم میپرداختند.

یک مغالطه‌ی مهم دیگر وهابیت در این زمینه خلط بین «داشتن یک مقام و استفاده و عدم استفاده از آن» است. بدین معنا که «وجود علم غیب برای معصوم»، یک موضوع و «نوع استفاده از آن» موضوعی دیگر است. مثلاً در قیام سیدالشهدا علیه السلام، اصل آگاهی امام از سرانجام

ص: ۱۴۰

سرنوشت خود و یارانش در نهایت مسیر قیام قطعی است. (۱) ولی سخن از میزان عملکرد امام به علم غیث در تصمیم‌گیریهاست. در این زمینه، اصولاً بیشتر تصمیم‌گیریها و انتخابهای امام مبتنی بر دانش ظاهری بوده است. (۲)

مهمترین بحث در مواجهه با این شبهه و هابیت، معرفی مجموعه‌های از معارف شیعی در زمینه‌ی انسانشناسی شیعی و معارف کلامی در مقام جواب و تمسک به آیات قرآنی و روایات معتبر عامه در زمینه‌ی علم غیب در مقام جواب نقضی میباشد. امروزه با پیشرفتهای علمی بشر در زمینه‌ی تکنولوژی ذخیره‌سازی انبوهی از اطلاعات در یک میکروحافظه و یا امکان پیشبینیهای علمی در رشته‌های گوناگون، بهرحتی میتوان مسئله‌ی علم امام را تبیین کرد.

بنابراین ایده‌های برنامه‌سازی ناظر به این شبهه چنین است:

۱- این دانش میتواند برای امام از راه‌های گوناگون ظاهری و غیبی فراهم گردیده باشد. چرا که براساس تحلیل‌های سبسی و اجتماعی ظاهری بدیهی بود که قیام امام در آن شرایط که همهی عوامل ظاهری برضد ایشان بود، نتیجه‌ی جز شهادت نخواهد داشت. از جهت غیبی هم حداقل امام حسین ۷ مطلعترین صحابی نسبتبه مجموعه پیشبینیهای پیامبر ۹ و امام علی علیه السلام بود.

۲- همانگونه که در سیره‌ی نبوی هم مشاهده می‌کنیم، معصومین مأموریتشان هدایت انسانها در بستر انتخابهای آگاهانه بوده است. بدین جهت معجزه و علم غیب و ... تنها وقتی استفاده میشد که در مسیره‌دایت به آن نیاز بود. معصوم از زمان رحلت خود خبر دارد و در زمانی که مقدر و مصلحت است، آن را میپذیرد ولی پیش از آن، جهت دفع شر ستمگران گاه براساس علم غیب متوسل به علم غیب می‌گردد و یا برعکس در زمان مقرر، برای تحقق مرگی که در قالب شهادت میتواند بسترساز هدایت تاریخی باشد به استقبال آن میرود. پس در بستر داشتن علم غیب نباید کارکرد آن را برای معصوم براساس موفقیت‌های دنیوی و مادی سنجید. بلکه جایگاه و کارکرد آن در مسیر حفظ کلیت جبهه‌ی حق و خنثی‌سازی هجوم‌های ویرانگر جبهه‌ی باطل است.

ص: ۱۴۱

ایده‌های برنامه‌سازی در مقام پاسفدهی

ایده‌های برنامه‌سازی در مقام پاسفدهی

رویکرد ایده

ایده‌ی پیشنهادی در مقام جوابدهی

کلامی

جستجو از احادیث نقضی که اثباتگر علم غیب برای صحابه است.

حدیث‌شناسی

جستجو و استقرا از احادیث پیشگوییهای نبوی در جامعه‌ی اسلامی (نسبتبه موضوعهای گوناگون بهصورت عام و نسبتبه عاشورا بهصورت خاص) و مسئولیتهای سازی ناشی از آن.

انسانشناسی تطبیقی

بازخوانی تطبیقی نوع نگرش وهابیت و شیعه به روح انسانی، فطرت و علم حضوری آدمی.

قرآنی

آیات قرآنی و داستانهای قرآنی، ناظر به اثبات علم افاضهای حتی به غیر معصومین.

مدیریتی

بازخوانی سیاست متغیر امام در برابر رویدادها که نه ناشی از ضعف اطلاعات، بلکه ناشی از مدیریت هوشمند و فعالانه در مواجهه با دشمن بود.

عرفانی

مرگآگاهی نقطه‌ی اوج کمالجویی آدمی، و مثالهای نقضی از مرگآگاهی برخی از صحابه.

فرهنگی

تلاش برای ارتقای شور و احساس مذهبی، در بستر رواج شبهه، با هدف تقویت نگرش دینداران به ارزشهای فرهنگی دین حق.

در پایان تأکید میشود که چون وهابیت به تاریخشناسی و آینده‌پژوهی از رهیافت نگرش فلسفه‌ی تاریخی اعتقاد ندارد، رفتار هر انسانی

ص: ۱۴۲

اعم از پیامبر و غیر پیامبر را یک رفتار در زمان خاص و با آثار محدود میبندد. بدین جهت فکر میکند اگر کسی هم علم غیب دارد، باید نتیجه‌ی علمش را در دایره‌ی همان زمان محدود نشان دهد. ولی در نگرش عقلانی-علمی-قرآنی شیعه، رفتار انسان کامل ناظر به جریان کلی مواجهه حق و باطل است، پس واکنشهای معصوم را باید ناظر به این بینش عام و فراگیر و بلندمدت تحلیل و قابل فهم و ارزیابی کرد.

بدین جهت در انسانشناسی ماورائی، انسان کامل بهجای جستجو برای استفاده‌های شخصی، از قدرتهای ماورائی باید، تاریخسازی معصوم در ترکیب بین رفتارهای ظاهری و ماورائیش مورد مطالعه قرار بگیرد.

۲. شبهات تاریخی

اشاره

۲. شبهات تاریخی

وهابیت بهدنبال ارائه‌ی تحمیل قرائتی ساده و موجز و یکسویه از تاریخ صدر اسلام است، تا براساس این روایت بتواند تاریخپژوهی تحلیلی و انتقادی نسبتبه صدر اسلام را در جهان اسلام به تعطیلی بکشانند. زیرا در غیر اینصورت، تمام مبانی اندیشه‌های و فرهنگی و اجتماعی که وهابیت بر مبنای آن طراحی و ایجاد شده، فروخواهد ریخت. بنیان وهابیت بر «تطهیر تاریخ صدر اسلام، از تمام نفاقها و دشمنیها» و معرفی «اسلام اموی» به مثابه‌ی تنها اسلام بازمانده‌ی از دوران صدر اسلام است. زیرا بنیان اسلام وهابی چیزی جز اسلام قشری، متحجرانه، سکولار در سیاست و با کارکردهای حداقلی در تمدنسازی، ضدعلم و فرهنگ، مبتنیبر تعصبات جاهلی و ...

در این بستر است که عاشورا به مثابه‌ی تهدیدی جدی بر علیه بنیان

ص: ۱۴۳

های فرهنگی و سیاسی و فکری وهابیت عمل میکند. بدین جهت آنان در جنگ ماهوارهای و رسانهای خود مأموریت تحریف و تخریب و یا تحریف و مصادره‌ی عاشورا را به اجرا میگذارند. آنان در ادامهی راهبردهای کلامی که کارکردش تهی سازی امام و عاشورا از ارزشهای قدسی است، در شبهات تاریخی سعی میکنند که هرچه از عاشورا، نقش ضداموی داشته و کارکرد حماسی دارد را از آن پاکسازی نمایند. فهرستی از گزاره‌های تاریخی آنان درباره‌ی عاشورا چنین است:

- عاشورا قیام هدفمند نبود، یک حادثهی تاریخی بود.

- مسئله‌ی عاشورا، مسئله‌ی امام با کوفه است؛ نه مسئله‌ی امام با امویان و یزید.

- در عاشورا جنایات جنگی رخ نداده و تمامی ادعاها دروغهای شیعه است.

- در عاشورا اگر هم جنایتی رخ داده توسط شیعیان کوفی و بدون دستور از مقامات بالاتر بوده است.

- در فرایند قیام اگر جنایت و یا بحرانی رخ داده، حداقل نیمی از تقصیرات متوجه سوء مدیریت امام در مواجهه با بحران است؛ مثل تصمیم غلط امام برای بردن اهل بیت، یا ضعف عملکرد امام در مسئله‌ی آن.

- امام از جهت اثباتی، با نفی خلافت یزید طالب خلافت شورائی بوده است.

- اهل بیت امام پس از عاشورا مورد احترام بوده و با عزت و احترام به شام برده شدند.

و ...

ص: ۱۴۴

بدیهی است اگر مجموعه برداشتهای کلامی وهابیت که نتایجش اثبات انسان عادی بودن امام حسین است، را با روایت تاریخی آنان از حادثه کنار هم بگذاریم، عاشورا نه تنها یک حماسه نخواهد بود، بلکه همانگونه که در مجموعه برنامه‌سازیهای وهابیه در دههی محرم شاهد هستیم، عاشورا آکنده از تناقضات است. (۱) مثلا:

تناقضهای قرائت وهابیه از عاشورا

تناقضهای قرائت وهابیه از عاشورا

گزارهی اول

گزارهی نقیض، یا ضد

امام حسین در احادیث نبوی، بهشتی و الگو معرفی شده است.

قیام او با مخالفت صحابه همراه بود.

قیامش خروج بر خلیفه‌ی وقت بود.

قیامش باعث تفرقه مسلمانان شد.

بین اهل بیت و صحابه و حتی امویان رابطه‌ی دوستی و محبت برقرار بود.

امام، توسط لشکر یزید در کربلا به شهادت رسید.

امام طالب دیدار یزید بود.

اما لشکر کوفه با این درخواست مخالفت کرد.

حسین مخالف صلح بود.

اما تا معاویه زنده بود آرام نشست، چون حلم معاویه و روش حکومتداری او بهانه‌های برای شورش فراهم نمیساخت.

۱- برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه، ن. ک. به روایت داستانی وهابیه از عاشورا که در فصل اول این کتاب ارائه شد.

ص: ۱۴۵

مردم کوفه چون حسین را دعوت کردند شیعه بودند.

مردم کوفه بهدستور یزید و تحت تأثیر تشویق و تهدید او در لشکر ابنزیاد شرکت کردند.

امام و صحابه دوست و مهربان بودند.

در ماجرای سفر امام بهسوی کوفه هیچیک او را همراهی نکرده و بلکه با نصیحت سعی در منصرف کردنش داشتند.

پیامبر پیشینی کرده بود که دنیا به اهلیتتش نمیرسد.

ولی حسین برای رسیدن به خلافت راهی عراق شد.

حسین با یزید بیعت نکرده بود، البته به جهنم نمی‌رود چون پیامبر تصریح کرده که او بهشتی است.

بیعت با خلیفه‌ی زمان واجب است و همهی صحابه با یزید بیعت کرده بودند.

برای تأکید بر این تناقضگوییهای تاریخی میتوان ضمن رصد گزاره‌های تاریخی در مجموعه برنامه‌های میزگردی و مستند شبکه‌های وهابی در دههی محرم، به نقد و بررسی سریال «الحسن و الحسین» پرداخت. در این سریال پس از تلاشهای فراوان برای نمایش روابط نیک بین حسنین با صحابه و تابعین و امویان و نمایش تصاویر فراوان در این زمینه، وقتی به حادثه عاشورا میرسد ناگهان بهجای داستانهای نمایشی بازسازی شده به گزارش خبری روی آورده و گزارشی سریع از اصل کشته شدن امام و یارانش میدهد.

علت این امر این است که اگر:

- اگر حادثهی عاشورا به روایت شیعی نمایش داده میشد، تمامی سریال زیر سؤال میرفت.

- اگر به روایت وهابی نمایش داده میشد، که عاشورا جنگی بیمنطق و بیهوده و مصداق خودکشی است و امام زیر سؤال می‌رود.

بدین جهت آنان برای فرار از دولی‌هی آسیب، ناچار شدند صورت مسئله را حذف کنند و در سریال بهجای تصویرسازی داستانی، تنها به صورت نریشن، اطلاعات مبهمی از رویداد عاشورا بدهند و در پایان تأکید کنند که فراموش نکنید که هم قاتلین عاشورا در دنیا خیر ندیدند و قصاص شدند و هم امام، خودش تأکید کرده که برایش عزاداری نشود!

در مواجهه با شبهات تاریخی وهابیت، رصد سرگردانیهای آنها امری جالب و فرصت‌ساز برای طنزپردازیهای افشاگرایانه خواهد بود. در این زمینه برای آشنا شدن با نوع مغالطه‌گری وهابیت در تاریخ عاشورا و روش مواجهه، به بیان یک شبهه بسنده میشود:

در جواب آیا در روز عاشورا اهل بیت حسین رضی الله عنه لب تشنه بودند؟ محمدباقر سجودی میگوید:

شیعه میگوید سپاه امویان آبشخور فرات را بر اهلیت بستند، تا آنان بر اثر تشنگی بمیرند یا تسلیم گردند. ابوالفضل که لبهای خشکیده و چهره‌های رنگپریده فرزندان برادرش و دیگر کودکان را از شدت تشنگی دید، قلبش فشرده گشت و از عطوفت و مهربانی دلش آتش گرفت، سپس به مهاجمان حمله کرد، راهی برای خود گشود و برای کودکان آب آورد و آنان را سیراب کرد. در روز دهم محرم نیز بانگ (العطش) کودکان را شنید، دلش به درد آمد و مهر به آنان، او را از جا کند. مشکی برداشت و در میان صفوف بهم فشرده‌ی دشمنان خدا رفت، با آنان در آویخت و از فرات دورشان ساخت، مستی آب برداشت تا تشنگی خود را برطرف کند، لیکن مهربانی او اجازه نداد قبل از برادر

ص: ۱۴۷

و کودکش سیراب شود، پس آب را فرو ریخت. این سؤالها برای من مطرح است، آیا شیعیهای جواب دارد:

(۱) چرا حضرت حسین آب کافی همراه نبرده بود؟ معمولاً انسان باید وقتی سفر بیابان در پیش دارد، از چاههای وسط راه آب کافی برمیدارد. حضرت حسین که در محاصره‌ی دراز مدت قرار نگرفته بود که آب کاراوان به یکباره تمام شود، چرا باید برای یک هفته آب ذخیره نمیداشت؟

(۲) میگویند حضرت عباس رفت برای گروه آب بیاورد و توانست یک مشک را پر کند. یک مشک آب برای این لشکری که ۷۲ مرد و چند صد زن و کودک تشنه همراهش بودند چه اهمیتی داشت؟ چرا میبایست حضرت عباس لب تشنه بمیرد؟ مگر به منبع آب نرسیده بود؟ حداقل باید خود را سیراب میکرد تا با فرزی و چالا-کی بیشتری حرکت و جنگ میکرد، تا تازه نفس میشد و سریعتر به گروه میرسید و از این مشک کوچک دیگر سهم خود را طلب نمیکرد و همه را به زنان و کودکان میداد. فکر نمیکنید لب تشنه‌ی حضرت عباس یک دروغ و برای تحریک احساسات باشد؟ خوردن آب از نهر فرات که وقت نمیگرفت، شما میگویید به دهان نزدیک کرد بازپس ریخت!

(۳) باز یکی نیست از اینها بیرسد که کی دید عباس از آب فرات نخورد؟ به همراه او کسی نبود تا این واقعه را برای گروه خبر دهد که عباس آب را به دهان نزدیک کرد و ریخت.

(۴) رودخانه‌ی فرات یک رودخانه‌ی دراز است. حسینیان میتوانند در شب عاشورا یا شبهای قبل از آن که آب کم شد تدبیر کنند و با استفاده از تاریکی شب یواشکی کمی راه بروند و لشکر یزید را دور

ص: ۱۴۸

بزنند و کمی دورتر از لشکر یزید، خود را به نهر عظیم فرات برسانند. یزیدیان که آب فرات را در کوزه نکرده بودند. لشکر حسین از ۴ طرف که محاصره نبود! به ادعای اینها فقط راه فرات را از جلو بسته بودند. مگر در روزهای قبل نمیدانستند که برای فردا آب خوردن ندارند؟!

پاسخ ما (وهابیت) به این شبهه چنین است که: تو گویی خداوند عقل شیعیان را دزدیده است. همهی داستانهایشان همینطور و از این بدتر است. از هر طرف که نگاه کنیم داستان لب تشنه‌ی حسین و یارانش دروغ است. زمین کربلا- در جلگه واقع است، پس بهراحتی میتوانند یک چاه بکنند و به آب برسند!

همانگونه که مشاهده میکنید: در این شبهه مغالطه‌گر بهجای بحث از اسناد و مدارک تاریخی، و بهجای مانور همزمان بر دو جبههی حق و باطل، تنها بر برخی از ویژگی شخصیتی جبههی حق و برخی رفتارهای آنها تمرکز کرده تا بتواند شبههی خود را طراحی کند.

اینک در مقام مغالطه‌شناسی، کافی است به جدول زیر توجه شود:

شبههی ۳: در کربلا مسئلهی آب و تشنگی دروغ است. چون امکان تحصیل آب بهراحتی بوده و اگر هم بر فرض بحرانی بوده، خود امام هم در آن نقش داشته است.

نگاه به منشأ پیدایش شبهه

شبهه

نوع مغالطه

تاریخی

در عاشورا قصهی محاصره‌ی آب و تشنگی دروغ است.

مغالطهی ادعای بدون دلیل

ص: ۱۴۹

مغالطهی طلب برهان

مغالطهی جزمیگرایی

تاریخی-جغرافیایی

در کربلا امکان تهیی آب بهراحتی وجود داشته است.

مغالطهی ساده‌نگاری

مغالطهی تحمیل پیش فرضها

مغالطهی ارزیابی یکطرفه

مغالطهی استدلال از راه سنگ

مغالطهی توسل به احتمالات

مدیریتی

حسینبن علی در مسئله ی بحران آب ضعیف عمل کرده است.

مغالطهی اتهام نادانی

مغالطهی اصرار بر پیش فرص

مغالطهی تخطئهی شخص

مغالطهی پهلوان ...

شخصیتشناسی-روانشناسی

یاران امام هم در مسئلهی آب مقصر هستند.

مغالطهی نکتهی انحرافی

مغالطهی مسموم کردن سرچشمه

مغالطهی عوض کردن موضوع بحث

پذیرش ظاهری نقد

مغالطهی تعمیم شتابزده

ص: ۱۵۰

در مقام دفع این مغالطه‌ها، بهترین روش تلاش برای فرهنگسازی تاریخپژوهی عالمانه در جهان اسلام است. این روش هم استنادگرایی در تاریخ و آنگاه داشتن تحلیلهای درست باید مورد توجه قرار بگیرند. یعنی باید به مخاطب، هم پژوهش تاریخی توصیفی و هم پژوهش تاریخی تحلیلی را، آموزش داد و او را به آن تشویق کرد. در مقام رسواسازی شبه‌هگران، و تأکید بر جوابهای حلی و یا اجرای جواب های نقضی، تکثر و فراوانی نقل قولها میتواند در ابطال ادعاهای بدون دلیل و هابیه‌ها یاری فراوان برساند. به‌ویژه که اگر در ارائه‌ی اسناد تلاش شود تا تمامی جزئیات مرتبط با موضوع مورد پژوهش قرار بگیرد. در این زمینه ضمن استفاده از روش جستجوی اسنادی، دو روش گاهشمار تاریخی و مطالعات جغرافیایی (اطلس) هم میتواند فایده‌های فراوان داشته باشد.

در مسئله‌ی آب و تشنگی، گاهشمار بسته شدن آب، در کنار مجموعه اقدامات امام، نشانگر عمق جنایتگری لشکر یزید در کنار تدابیر فعالانه‌ی امام میباشد. (۱) باید توجه داشت که از جهت جغرافیایی، منطقه‌ی استقرار کاروان امام به دستور ابنزیاد در وسط بیابان بود. این منطقه از فرات بیش از چند کیلومتر فاصله داشته است. امام در مسئله‌ی مدیریت آب، گاه چنان ذخیره‌های تهیه میکند که لشکر هزارنفری حُرّ را سیراب میکند. پس در مسئله‌ی آب و یا دیگر جنایات یزیدیان، ضمن پرهیز از یکسویه‌نگری که هابیه‌ها طراحی کرده‌اند، باید برنامه‌های دوسویه‌ی حق و باطل، آن هم با

۱- به‌عنوان نمونه ن.ک: مقاله‌ی «مسئله‌ی آب در کربلا»، از اصغرفروغی، نشریه‌ی تاریخ در آیینهی پژوهش، زمستان ۱۳۸۲- پیششماره ۴.

ص: ۱۵۱

لحاظ مبانی مورد مطالعه قرار گیرد و برای استناد بیشتر میتوان از رویدادهای تاریخی هم شاهد آورد. (۱)

ایده‌های ناظر به شبهه‌های تاریخی:

ایده‌های ناظر به شبهه‌های تاریخی:

ایده‌های برنامه‌سازی در مقام پاسخدهی

رویکرد ایده

ایده‌ی پیشنهادی در مقام پاسخدهی

روش‌شناسی

اولین راهبرد در برابر شبهات تاریخی، باید استفاده از روش نقضی و تلاش برای بمباران مصادیق نقض بر شبهه‌گر باشد.

پاسخدهی اسنادی در قالب جواب حلی و اثبات مدعای تاریخی جبهه‌ی حق در مرحله‌ی بعد.

مطالعات تاریخی

استفاده از روش گاهشماری توصیفی برای کشف تمامی زوایای رویداد در دو سویه‌ی جبهه‌ی حق و باطل.

تاریخ تحلیلی

تحلیل تطبیقی رویداد بر مبنای دوگانگی حق و باطل برای نمایش چهره‌ی واقعی هر دوطرف از جهت نوع مبانی و تعریف روش‌های دستیابی به موفقیت و پیروزی.

روش بینارشته‌ای

اهتمام به تبیین موضوع تاریخی از تمامی جهات مرتبط و احتمالی: اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و تربیتی تا مخاطب، خصوصاً مخاطب غیر

۱- همانند محاصره‌ی اقتصادی و غذایی شدید قریش مکه به رهبری امویان بر علیه پیامبر و مسلمانان در ماجرای شعب ابیطالب و یا تقویت شیوه‌ی نبرد جنایتکارانه در سیره‌ی نظامی یزید در دو حمله به مدینه و مکه.

ص: ۱۵۲

شیعی متوجه شود که چگونه یک مسئله پیچیده تاریخی توسط وهابیت تبدیل به یک قصه بچه‌گانه شده است.

روان‌شناسی-شخصیت‌شناسی

استفاده از روش‌های تحلیل و آنالیز شخصیت در مطالعه سه‌گانه سفید، سیاه، خاکستری نسبت به آحاد افراد جامعه اسلامی و نمایش پیچیدگی‌های شخصیت‌هایی که وهابیت سعی در تصویرگری شعاری از آنان دارد.

مدیریتی

نمایش مبانی و اصول مدیریت حق و باطل در شرایط بحرانی، از توجه و عدم‌توجه به بحران‌سازی ضدانسانی، تا نحوه مدیریت گام به‌گام آن، در رویدادهای تاریخی.

تاریخی-فرهنگی

مطالعه نحوه فرهنگ‌سازی معصومین بر مبنای مظلومیت‌های امام و اهلبیتش در کربلا.

۳. شبیه‌های فقهی

اشاره

۳. شبیه‌های فقهی

در زمینه‌ی شبهات فقهی عاشورایی وهابیت، شاهد دو گونه از شبهه‌پراکنی از سوی آنان می‌باشیم. بخش اول احکام فقهی است که مرتبط به رویدادهای تاریخی است. مبنای این شبهات تلاش برای جلوگیری از هر رفتاری است که منجر به تشنیع و تنقیص صحابه و تابعین مرتبط به عاشورا بشود. در این راهبرد وهابیها هر گونه سب و لعن را حرام میدانند و حتی با وجود جواز لعن و بلکه حکم به وجوب لعن آن از سوی برخی از علمای عامه، لعن او را جایز نمی‌دانند.

در مرحله‌ی دوم، وهابیت پس از جعل احکامی که از جانیان

ص: ۱۵۳

عاشورا دفاع میکند، به تخریب فرهنگ عاشورا از رهیافت فقه و شریعت میپردازد و برای تحقق این هدف در این مرحله از همان قانون کلی خود، بدعت و حرام دانستن هر امر جدیدی را استفاده میکنند و با زدن یک برچسب جدید و بدون سابقه بودن مصادیق فرهنگی عاشورایی در سنت و سیرت پیامبر و صحابه، آن را مصداق بدعت دانسته و پس از آن به راحتی حکم حرمت تکلیفی و وضعی را بر تمامی شعائر حسینی بار می کنند تا تمامی اشکال عزاداری حرام گردد.

در مقام مواجهه با اینگونه شبهات و در مقام جمع بین جوابهای حلی و نقضی برای انواع و اقسام مخاطبهای رسانهی ملی، باید به نکات زیر توجه داشت:

راهبردهای پاسخگویی به شبهات فقهی وهابیت در موضوع عاشورا

مخاطب

راهبرد

وهابی

تنها راهبرد ابطال حکم حرمت در برابر وهابیه، ارائه مصادیق از سیرت نبوی و سنت صحابه است. در این زمینه هرچه مصادیق بیشتری یافت شود، استدلال آنان بیشتر تضعیف میشود. در این زمینه دو مصداق برای جستوجو است: یکی جستوجو از اصل انجام عمل (اصل عزاداری) و جستوجو از مصادیق آن.

اهل سنت

- بر اساس فقه مقارن، تلاش برای یافتن حکم به جواز از علمای مذاهب اربعه، اگر چه برخی از آنها.

ص: ۱۵۴

- تلاش برای یافتن عمل کردن به حکم جواز در سیره‌ی تاریخی علما.

- جستجو از مبانی عامه در اصول فقه، در مورد فقه مسائل مستحدثه که آیا اصل جواز است یا نه؟

شیعه

- ارائه‌ی مصادیق نقضی از منابع خاصه.

- ارائه‌ی تأکید تاریخی معصومین بر انجام فرهنگهای عاشورایی و مستحب مؤکد بودن مصادیق در کنار واجب بودن اصل.

- بیان اصاله‌الجواز در اصول فقه.

- بیان سیره‌ی معصومین و سیره‌ی علما.

یک نکته‌ی روشناسانه

یک نکته‌ی روشناسانه

در اصول فقه شیعه، اثبات شده که قرآن و حدیث به‌عنوان منبع اجتهاد، هر دو حجّتند. ولی اگر دو روایت با همدیگر معارض بودند و یا روایتی با قرآن معارض بود، قرآن معیار و ملاک است. هرآنچه از روایات فقهی هم، که مخالف قرآن باشد، باطل است. (۱) در فقه عامه، مسئله‌ی عرضه بر قرآن یا باطل بودن روایت مخالف قرآن وجود ندارد. بدین جهت در فقه عامه، هم حدیث مخالف قرآن و هم، اجتهاد در برابر نص قطعی وجود دارد. (۲) مخالفت با قرآن و سنت قطعی نبوی در فقه و حدیث حنابله و وهابیها بیشترین نمود را دارد. مثلاً آنها در منع

۱- ر.ک: منابع اصول فقه در بحث تعارض خبرین.

۲- علامه شرف الدین عاملی در کتاب «اجتهاد در برابر نص» اثبات میکند که این رویه و شیوه‌ی علمی را اهل سنت از خلفای سه‌گانه‌ی اولیه و صحابه فراگرفته‌اند.

ص: ۱۵۵

جواز لعن بر یزید به مجموعه از روایات منسوب به پیامبر در منابع عامه تمسک میکنند که پیامبر فرمود: (۱)

- لعن کردن خود پیامبر نه از عصمت، بلکه بر اثر احساسات و غرائز انسانی است.

- لعن از لعنکننده باز نمیگردد مگر به خودش.

- لعن به صحابه، لعن حق تعالی را به همراه دارد.

باتوجه به این روایات، وهابیه فتوا به منع لعن به صورت مطلق نسبت به هر انسانی داده‌اند و در ضمن آن، منع جواز لعن یزید را هم اثبات کرده‌اند. این درحالی است که در مقام ابطال این مدعای وهابیت، در قرآن و روایات نبوی و سیره‌ی تاریخی ایشان، موارد بسیار زیادی از لعن پیامبر وجود دارد. همانند:

- آیات صریح قرآن در جواز و وجوب لعن جریان باطل. (۲)

- روایات نبوی بر وجوب لعن جریانهای باطل.

- سیره‌ی عملی پیامبر در موارد متعدد تاریخی بر لعن منافقین و مرتکبین برخی محرمات دینی. (۳)

۱- «إن رسول الله كان يغضب فيلعن ويسب ويؤذي من لا يستحقها، فدعا الله أن تكون لمن بدرت منه زكاه وطهوراً». (صحيح مسلم، ج ۸، ص ۲۵) «إن العبد إذا لعن شيئاً صعبت اللعنه إلى السماء، فتغلق أبواب السماء دونها، ثم تهبط إلى الأرض فتأخذ يمنه ويسره، فإن لم تجد مساعراً رجعت إلى الذی لعن، فإن كان أهلاً، وإلا رجعت إلى قائلها». (ابن حجر، فتح الباری، ج ۱۰، ص ۳۸۹) «إن الله عز وجل إختارني وإختار لي أصحابي، فجعل لي منهم وزراء وأختاناً وأصهاراً؛ فمن سبهم فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين ولا يقبل الله منه يوم القيامة». (قرطبي، التفسير، ج ۱۶، ص ۲۹۷)

۲- مانند آیات ۱۵۹ و ۱۶۱ بقره و ۶۱ آل عمران.

۳- مانند: لعن متخلفین از لشکر اسامه و یا لعن مروان بن حکم و یا لعن عاملین به رشوه و ربا و ...؛ در این زمینه ن. ک: مقالهی «بررسی لعن در قرآن و سنت»، از حامد فرج پور، فصلنامه‌ی امامت‌پژوهی، ش ۷.

ص: ۱۵۶

پس در مسئله‌ی شبهات فقهی با ترکیب روش نقضی و حلی، میتوان هم برای جامعه‌ی وهابی و هم برای جامعه‌ی اسلامی، تناقضهای احکام فقهی آنان را به نمایش گذاشت و در نهایت اثبات کرد که در این نظام فقهی، بهجای معیارهای دینی، اشخاص و پیشفرضهای ناظر به آنها، معیار حکم شرعی قرار میگیرند. این در حالی است که دین خداوند نباید - همانند شریعت موسی - بازیچه‌ی دست مدعیان دینداری و حب و بغضهای زمینی آنان شود.

۴. شبهه های فرهنگی

اشاره

۴. شبهه های فرهنگی

در شبهه های فرهنگی، از یکسو وهابیت تمامی شعائر و فرهنگهای عاشورایی را به بهانه‌ی بدعت بودن حرام میدانند (۱) از سوی دیگر با توجه دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی فراوان آن برای شیعه و غیرشیعه با کینه و بغض شدید نسبت به آن مینگرد و ناظر به قوتهای فرهنگ عاشورایی در حفظ و بقای مکتب شیعه، موجی از شبهه‌پراکنی گسترده را بر ضد آن به راه میاندازد. در این جریانسازی آنان ادعاهای گوناگونی را مطرح میکنند:

- گاه مدعی بیفایده بودن انجام شعائر حسینی برای امام و شهدای کربلا میشوند.

- گاه این فرهنگها را بیمعنا و بدون فلسفه میدانند؛ زیرا انتقام کربلا گرفته شده است.

۱- که پاسخ آن داده شد.

ص: ۱۵۷

- گاه از منظر فرقه‌شناسی آن را عامل تفرقه و رواج نفرت معرفی میکنند.

- گاه در لباس کارشناسهای علمی جامعه‌شناسی و روانشناسی، مدعی آسیبهای اجتماعی و شخصیتی شعائر فرهنگی عاشورایی می‌شوند.

- گاه این شعائر و فرهنگها را باعث هدر دادن سرمایههای اقتصادی فراوانی میدانند.

- در نهایت در یک وارونگی فرهنگی مدعی فرهنگ جشن و شادی برای عاشورا و محرم میشوند.

اینک به‌عنوان نمونه با مغالطه‌پردازیهایی یک شبهه آشنا می‌شویم:

شبهه ۳: عزاداری ضمن اینکه بدعت است، فایده‌های برای امام حسین که در بهشت است ندارد.

نگاه به منشأ پیدایش شبهه

شبهه

نوع مغالطه

کلامی-انسانشناسی

انسان - حتی امام معصوم پس از شهادت یا مرگ ارتباطش با عالم دنیا به‌کلی قطع میشود.

مغالطه ارزیابی یکطرفه

مغالطه تغییر تعریف

مغالطه ذهنیتگرایی

مغالطه تفسیر به‌رأی

کلامی

عزاداری برای شخص مرده است و فایده‌ای هم برای او ندارد.

مغالطه نقلقول ناقص

مغالطه‌ی قیاس معالفارق

ص: ۱۵۸

فقهی

عزاداری بدعت است.

مغالطهی اتهام نادانی

مغالطهی توسل به زور

تربیتی-عرفانی

عزاداری برای عزادار هیچ کارکرد تربیتی و تعالی بخشی ندارد.

مغالطهی مسموم کردن سرچشمه

مغالطهی تخطئه‌ی شخص

مغالطهی تعمیم شتابزده

در جمع بین شبهات وهابیت نسبتبه فرهنگ عاشورایی و بین مغالطات مورد استفاده قرار گرفته، دانسته میشود که وهابیت در یک طراحی فرهنگی تلاش میکند تا معنای اصطلاحی موضوعهای مرتبط با فرهنگ دینی را دچار تحریف و وارونگی سازد. کلماتی مانند: انسان و روح و مرگ، شهادت و شهادت طلبی، توسل، بدعت و ... تا براساس آن اثبات کند که نظام‌وارهی اعتقادی و فرهنگی شیعه باطل است و اصولاً تقسیم‌بندی انسان به معصوم (انسان کامل) و غیرمعصوم درست نیست. همچنین اثبات کند که با مرگ، همهچیز آدمی نابود میشود و روح او هم هیچ ارتباط زمینی نخواهد داشت. پس مرگ نقطهی پایان و به معنی نابودی است و برای مرده -هرکس که باشد- عزاداری هیچ منطقی ندارد. وقتی عزاداری برای مرده اثر نداشت، برای زنده هم ناظر به فضای منفی ای که دارد، دارای تأثیرهای بدی است. پس باید تمامی این فرهنگهای بیفایده ماورائی و مضر دنیوی تعطیل شوند.

در برابر این دیدگاه، منطق فرهنگی شیعی-عاشورایی وجود دارد کهک مبانی آن بر انسانشناسی شیعه استوار است و با عقل و علم تأیید

ص: ۱۵۹

میشود. مهمترین گزارهی این دانش شیعی، بر وجود حیات برزخی، خاص برای معصومان و بازتابهای دنیوی توسل به آنان میباشد. از جهت اسنادی هم، ریشهی این فرهنگها به منابع دینی - در کنار ادلهی عقلی - است.

پس برای دفع شبهات فرهنگی وهابیت، باید با در نظر گرفتن تنوع مخاطب، مجموعههای از پاسخهای نقضی و حلی را ارائه داد. مانند:

- توجه ویژه بر روایات عاشورایی در فرهنگ حدیثی عامه و کشف اصول فرهنگی از آنها.

- توجه به اصول فرهنگسازی پیامبر در مدینهالنبی.

- بازخوانی فرهنگ دینی در آیات قرآنی.

- مبانی انسانشناسی فرهنگ شیعه در مقایسه با مبانی انسانشناسی وهابیت و عرضهی هر دو دسته به قرآن و علم.

- مطالعهی بازتابهای یک سدهی اخیر فرهنگ عاشورایی و ضد فرهنگگرایی وهابیت در برابر استعمار.

- تضادهای فرهنگی جوامع سلفی معاصر در نفی فرهنگ دینی و جذب فرهنگ غیر دین.

ایدههای برنامهسازی در مقام پاسخدهی

رویکرد ایده

ایدهی پیشنهادی در مقام پاسخدهی

انسانشناسی

اثبات تضاد انسانشناسی وهابیت با قرآن عقل و علم

عرفانی - کلامی

اثبات کارکردهای روحانی معصوم پس از مرگ بر عالم دنیا

ص: ۱۶۰

حدیثی

بازخوانی عزاداری در سیره نبوی و صحابه.

فرهنگی-تاریخی

مقایسه دو جامعه شیعه و سنی در بستر تحولات (خصوصاً دوران دو قرن اخیر در مواجهه با استعمار غرب) تاریخی از زاویه بود و نبود فرهنگ عزاداری.

تاریخی-فرهنگی

تأکید بر دوگانگی فرهنگ عاشورایی جهان اهل سنت با رویکرد فرهنگ‌گریز وهابیت و تلاش برای احیا و ترویج فرهنگ عاشورایی عامه در جایجای جغرافیای جهان اسلام.

فرهنگی-اجتماعی

معرفی جاذبه‌های فرهنگی عاشورا در بستر تاریخ برای غیرشیعیان و غیرمسلمانان و نقش آن در نشر اسلام.

فرقه‌های

معرفی ظرفیتهای عاشورا برای همگرایی و وحدت بین فرقه‌های اسلامی غیر ناصبی.

سخن پایانی

سخن پایانی

امروزه وهابیت، مبتنی بر منابع اقتصادی فراوان دارای سایت‌های اینترنتی و شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌های فراوانی می‌باشد. امری که باعث شده تا شبهات و مغالطات عاشورایی آنان از جهت کمیت فراوان و گسترده به چشم آید. ولی در پشت همه این شبهات، نگرش سطحی و متحجرانه از دین اسلام وجود دارد که اگر با معارف عقلانی و فطری و نقلی مواجهه شود، از جهت کیفی، زمینهای برای عرض اندام ندارد. بدین جهت امروزه در مواجهه با وهابیت تلاش برای فرهنگ‌سازی دینداری عالمانه و تلاش برای حاکم‌سازی

ص: ۱۶۱

دین پژوهی فطری و تشویق کردن به کثرت مطالعه، خصوصاً در زمینه‌ی مطالعات تطبیقی، میتواند بیشتر دین داران را تبدیل به سربازان جنگ نرم بنماید. پیشفرض تحقق این چشمانداز این است که مدیران و برنامه‌ریزان و برنامه‌سازان سازمان در مقام افسران جنگ نرم، به رسالت خود در زمینه‌ی طراحی نظام هوشمند و مستمر مواجهه با شبهات توجهی ویژه نمایند.

ص: ۱۶۳

کتاب نامه

اشاره

کتاب نامه

زیر فصل ها

کتاب

نرم افزارها

پایگاه های اینترنتی

ص: ۱۶۵

کتاب

کتاب

قرآن

نهج البلاغه، جمع آوری سید رضی، تحقیق صبحی صالح، هجرت، قم، اول، ۱۴۱۴ ق.

ابن ابی الحدید، عزالدین، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ ق.

امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، دوم، انتشارات اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳ ش.

اطلس شیعه در اسلام.

آئین برنامه‌سازی محرم.

پژوهش فیلمنامه‌ی امام حسین علیه السلام.

جعفریان، رسول، تاریخ تحول دولت و خلافت از برآمدن اسلام تا برافتادن سفیانیان.

جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران.

خرادآذر، مهرزاد، مغالطات نوین.

خندان، سید علی اصغر، منطق کاربردی.

رجبی، محمدحسین، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی.

سید منیر، الرافد فی علم الأصول (تقریر بحث السید السیستانی).

شبهه‌های مطرح‌شده در شبکه‌های ماهواره‌ای درباره‌ی قیام عاشورا.

ص: ۱۶۶

شرح غررالحکم و دررالکلم،

شهیدی، سید جعفر، پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام امام حسین علیه السلام،

صافی گلپایگانی، لطف الله، شهید آگاه، نقد شهید جاوید.

عاملی، علامه شرفالدین، اجتهاد در برابر نص.

عسکری، مرتضی، نشانه‌های دو مکتب در اسلام، ترجمه‌ی معالم المدرستی.

علامه عسکری، عبداللهبن سبا و دیگر افسانه‌های تاریخی.

فرج پور، حامد، مقاله‌ی بررسی لعن در قرآن و سنت، فصلنامه امامپژوهی، ش ۷.

فروغی، اصغر، مقاله‌ی مسئله‌ی آب در کربلا، نشریه‌ی تاریخ در آینه پژوهش، زمستان ۱۳۸۲ - پیش شماره‌ی ۴.

قرطبی، التفسیر.

لغنامه‌ی دهخدا.

محمد رضا، هدایت پناه، جریان‌شناسی فکری معترضان قیام کربلا.

محمدی ری شهری با همکاری پژوهشکده‌ی علوم و معارف حدیث، دانشنامه‌ی امام حسین علیه السلام.

وسائل الشیعه، ج ۲۷.

علیزاده‌ی موسوی، سید مهدی، تبارشناسی سلفیگری.

احمدی. انواع قضایا و تحلیل آنها از حیث توجیه و اثبات، پایان نامه دکتري، به راهنمایی دکتر ضیاءموحّد و دکتر احد فرامرز

قراملکی، تهران، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹

خرم‌شاهی، بهاء‌الدین: دین پژوهی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲

سیف نراقی. نادر: روشهای تحقیق در علوم انسانی، تهران، ۱۳۵۹

ص: ۱۶۷

-:استاد مطهری و کلام جدید، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳

هندسه معرفتی کلام جدید، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸

فرامرز قراملکی، احد، روش شناسی مطالعات دینی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۵

بن محمد الخمیس، عثمان، نگرشی نو به تاریخ صدر اسلام، ترجمه: حقه من التاریخ، ترجمه إسحاق بن عبدالله العوضی
مجموعه آثار شهید مطهری.

مونس، حسین، اطلس تاریخ اسلام

سالم الخضر، محمد/ الشیبانی، محمد، حقیقت زندگی حسین شهید (ترجمه ی: القول السدید فی سیره الحسین الشهید)
فرهنگ واژگان مترادف و متضاد
. فرهنگ لغت عمید

طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق.

طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ دوم، تهران، اساطیر، ۱۳۶۲ ش.

عسکری، سید مرتضی، نقش ائمه در احیاء دین، چاپ اول، تهران، دانشکده اصول الدین، ۱۳۷۹ ش.

نرم افزارها

نرم افزارها

ثارالله، مؤسسهی ولیعصر.

سفینه‌النجاه، حوزه‌ی علمیهی اصفهان.

سیره‌ی معصومان، مرکز تحقیقات کامپیوتری اسلامی (نور).

ص: ۱۶۸

نرم افزار ۱۷۰۰۰ پرسش و پاسخ در رابطه با وهابیت، مؤسسه ولیعصر.

یاوران دجال، نرم افزار جامع ضد وهابیت، انجمن گفتوگوی دینی.

پایگاه های اینترنتی

پایگاه های اینترنتی

بنیاد فرهنگی امامت: <http://www.emamat.ir>

پایگاه پژوهش تخصصی وهابیت شناسی: <http://alwahabiyah.com>

پایگاه حوزه‌ی علمیه قم، دانشنامه‌ی پیامبر و اهل بیت؛ امام حسین علیه السلام: <http://www.hawzah.net>

پایگاه مؤسسه‌ی تحقیقاتی حضرت ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف: www.valiasr-aj.com

پایگاه تخصصی وهابیت‌شناسی: <http://alwahabiyah.com>

دانشنامه‌ی عاشورا، <http://www.ashoora.ir>

گروه تاریخ مجتمع آموزش عالی امام خمینی رحمه الله: <http://tarikh.imam.miu.ac.ir>

مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی: www.pasokhgoo.ir

مرکز پژوهش‌های اسلامی سازمان صدا و سیما: <http://www.irc.ir>

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، شبهات وهابیت: <http://vahabiat.porsemani.ir>

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

